

فهرست

17	<u>پیشگفتار چاپ دوم</u>
19	<u>مقدمه</u>
	بخش اول: وجوب حجّ
23	<u>فصل اول: «شرائط وجوب حجة الاسلام»</u>
24	<u>«حجّ کودک»</u>
26	<u>استطاعت مالی</u>
36	<u>استطاعت بدلي</u>
38	<u>استطاعت بدني</u>
38	<u>استطاعت از جهت راه</u>
39	<u>نام نویسی برای حجّ</u>
40	<u>تصرف در مال و از بین بردن استطاعت</u>
41	<u>مزاحمت سایر تکالیف با حجّ</u>
42	<u>مسائل متفرقه استطاعت</u>
43	<u>استقرار حجّ</u>
45	<u>فصل دوم: نیابت</u>
46	<u>نیابت معذور</u>
49	<u>فوت نائب</u>
49	<u>وظائف نائب</u>
50	<u>نائب گرفتن</u>
51	<u>احکام نیابت</u>
55	<u>فصل سوم: حجّ استحبابی</u>
55	<u>استیجار در حجّ</u>
58	<u>فصل چهارم: اقسام حجّ</u>
58	<u>حجّ افراد</u>
59	<u>حجّ تمتع</u>
59	<u>اعمال حجّ تمتع :</u>
	بخش دوم: اعمال عمره تمتع
63	<u>فصل اول: میقات</u>
65	<u>احکام مواقیت</u>
67	<u>احرام قبل از میقات</u>
67	<u>احرام از محاذی میقات</u>
68	<u>تأخیر احرام از میقات</u>
69	<u>احرام با نذر</u>
71	<u>فصل دوم: واجبات احرام</u>

نیت	71
تلبیه	73
قطع تلبیه	75
پوشیدن جامه احرام	76
لباس احرام بانوان	77
تعلق خمس به لباس احرام	78
احکام احرام	78
مستحبات احرام	79
مکروهات احرام	81
فصل سوم: محرمات احرام	83
نگاه کردن در آینه	83
پوشیدن لباس دوخته برای مرد	84
پوشاندن تمام روی یا برای مردان	85
پوشانیدن سر برای مرد	85
پوشانیدن صورت برای زن	87
استفاده از بوی خوش	89
سرمه کشیدن	90
زینت کردن	90
روغن مالیدن	91
گرفتن ناخن	92
زائل کردن مو	93
سایه قرار دادن (برای مردان)	94
عقد کردن	96
نگاه کردن به همسر از روی شهوت	97
لمس کردن	98
بوسیدن زن	98
جماع کردن	98
استمنا	100
کندن دندان	100
بیرون آوردن خون از بدن خود	101
جدال: یعنی گفتن «لا والله» و «بلی والله»	101
فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن)	103
کشتن جانوران و حشرات	103
شکار کردن حیوانات صحرايي	104
سلاح در برداشتن	105
بعضی از محرمات حرم الهی	105
ارتکاب محرمات احرام به جهت جاهل یا فراموشی	106
مستحبات ورود به حرم	106
مستحبات ورود به مکه معظمه	107

آداب ورود به مسجدالحرام	107
<u>فصل چهارم: طواف و احکام آن</u>	109
<u>شرایط طواف</u>	111
<u>اول: نیت</u>	112
<u>دوم: طهارت</u>	112
<u>طهارت بدن و لباس</u>	115
<u>سوم: مختون بودن</u>	117
<u>چهارم: ستر عورت</u>	117
«طواف در لباس غصبی و غیر مخمس»	118
<u>پنجم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن</u>	118
<u>ششم: قرار دادن کعبه در طرف چپ</u>	120
<u>هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل(علیه السلام) در طواف</u>	120
<u>هشتم: رعایت محدوده طواف</u>	121
<u>نهم: طواف نکردن روی شاذروان</u>	123
<u>دهم: موالات</u>	123
<u>یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر</u>	124
«قرآن در طواف»	126
«قطع طواف»	127
«قطع طواف جهت نماز»	128
«شک در طواف»	129
<u>بطالان طواف یا بعض آن</u>	130
«رها کردن طواف و از سر گرفتن آن»	132
«نیابت در طواف»	132
«طواف با لباس دوخته»	132
«طواف حائض و مستحاضه»	133
«دائم الحدث»	136
«طواف مستحب»	137
«مسائل متفرقه طواف»	138
«مستحبات طواف»	141
<u>فصل پنجم: نماز طواف</u>	144
<u>فصل ششم: سعی بین صفا و مروه</u>	150
«کم کردن سعی»	153
«شک در سعی»	153
<u>احکام سعی</u>	154
<u>فصل هفتم: تقصیر</u>	157
<u>احکام خاص بین عمره تمتع و حج</u>	159
«تبدیل حج تمتع به افراد»	161
<u>تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع</u>	164
<u>سایر موارد عدول</u>	165

166	«پایان وقت عمره تمتع»
	بخش سوم: اعمال حج تمتع
169	<u>فصل اول: احرام حج :</u>
170	«زمان احرام»
170	«مکان احرام حج»
171	«مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات»
173	<u>فصل دوم: وقوف به عرفات</u>
174	«وقوف اختیاری عرفه»
175	«وقوف اضطراری عرفه»
176	«مستحبات وقوف به عرفات»
181	<u>فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام</u>
182	«وقوف اضطراری مشعر الحرام»
186	<u>مستحبات وقوف به مشعر الحرام</u>
188	<u>فصل چهارم: اعمال منی</u>
188	<u>رمی جمره عقبه</u>
188	<u>شرایط سنگ ریزه</u>
189	<u>زمان رمی</u>
190	<u>واجبات رمی</u>
192	<u>شک در رمی</u>
193	<u>مستحبات رمی جمرات</u>
193	<u>ذبح (قربانی)</u>
197	<u>شرایط قربانی</u>
200	<u>نیابت در قربانی</u>
202	<u>(بدل قربانی)</u>
205	<u>مستحبات قربانی</u>
205	<u>حلق یا تقصیر</u>
209	<u>ترتیب در اعمال منی</u>
209	<u>خروج از احرام با حلق یا تقصیر</u>
210	<u>مستحبات حلق</u>
211	<u>فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی</u>
213	<u>تقدیم اعمال مکه بر وقوفین</u>
216	<u>ترتیب اعمال مکه</u>
217	<u>ترک طواف</u>
217	<u>بطلان طواف حج</u>
218	<u>احکام طواف نساء</u>
219	<u>مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی</u>
221	<u>فصل ششم: بیتوته در منی</u>
225	<u>فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه</u>
227	<u>نیابت در رمی</u>

شک در رمی	228
زیاده در رمی	229
قضاء رمی جمرات	229
کوچ کردن از منی	231
مستحبات منی	232
مستحبات دیگر مکه معظمه	232
استحباب عمره مفرده پس از حج	234
طواف وداع	234
عمره مفرده	235
کیفیت و احکام عمره مفرده	236
مکان ذبح کفارات عمره و حج	239
معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات	239
مصرف کفارات	239
محصور و مصدود و احکام آنها	239
مسائل متفرقه	246
شرکت در نماز جماعت اهل تسنن	246
مالی که در حرم پیدا شده	247
سجده بر فرش و مانند آن	248
احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله)	249
سایر مسائل متفرقه	250
تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه	251
مقصود از حرج	251
دیوانه شدن محرم	252

پیشگفتار

مناسک و احکام حج، در مقایسه با احکام سایر واجبات، ویژگی هایی دارد؛ از آن جمله، کثرت مسائل و پیدایش مسائل جدید آن است. ویژگی دیگرش آن است که بر هر انسان مکلفی، تنها یک مرتبه در طول عمر واجب می شود و این خود به حساسیت این فریضه می افزاید. و از این رو است که معمولاً انگیزه و جوش و خروش زیادی برای فراگیری آن، در زمان نزدیک شدن حج، برای همه محسوس است.

بنابر این، حساس بودن خود مناسک حج و شرایط جنبی آن از سویی و اختلاف فتاوی از سویی دیگر و متعدد بودن مراجع تقلید از دیگر سویی، به مشکلات کار می افزود و باید اعتراف کرد که پاسخگویی مسائل به زائران توسط روحانیون محترم، بسیار مشکل بود؛ زیرا به دست آوردن فتاوی مراجع به جهت اختلاف آراء آنها، کاری دشوار می نمود، لیکن چاره ای جز این نبود و باید آن را تحمل می کردند. این آرزوی همه عزیزان روحانی بود که این اشکالات به گونه ای رفع شود تا بهتر بتوانند پاسخگویی مردم باشند و آنان را، از سردرگمی که عمدتاً به خاطر نقل اختلاف فتاوی بود، برهانند. گرچه تهیه و تنظیم مناسک محتسای مراجع بزرگوار تقلید، منتشر شده توسط بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش فتاوی مراجع بزرگوار محسوب می گردد و لازم است در اینجا از همه آن عزیزان تقدیر و تشکر نمایم، لیکن با این همه، خود شاهد پاورقی های فراوان آن هستید!

صفحه

به هر حال، حل این مشکل آرزویی بود که سالها در ذهن خود می پروراندم تا اینکه راههای مختلفی به ذهنم رسید که شاید بیشتر یا همه آن راه ها به ذهن همه عزیزان روحانی نیز رسیده باشد ولی پیداست که باید چاره ای اندیشیده می شد که از نظر فتاوی مراجع نیز به مشکل برخورد نکند.

با مطالعه دقیق مناسک حج سرانجام به این نتیجه رسیدم که اگر بتوانیم احتیاطات را از مناسک جدا کنیم و تنها فتاوی را در اختیار قرار دهیم، که با این کار شاید بیش از نیمی از راه را پیموده باشیم. فلذا این شیوه را با بعضی از بزرگواران آشنا به مسائل و اهل فن، مطرح نمودم که آنها نیز معتقد بودند از نظر عملی کار مشکلی است و پیگیری لازم دارد، ولی اگر به نتیجه برسد، بسیاری از مشکلات حل می شود.

با استعانت از خداوند، چند نفر از فضلا را دعوت به همکاری نمودم، آنها نیز با داشتن مشاغل زیاد درسی، بذل محبت کرده، آماده همکاری شدند که بدین وسیله با ذکر نام آنها از همه این عزیزان تقدیر و تشکر می نمایم:

حجج اسلام آقایان مسیح الله آصفی، قدیر علی شمس، محمد عسکری و رضا محققیان.

جزوه حاضر که با تلاش فراوان این عزیزان به انجام رسید، دارای ویژگی های زیر است. امیدوارم مورد توجه و عنایت امام زمان قرار گیرد.

1- مطابق است با فتاوی ده نفر از مراجع بزرگوار تقلید که عبارتند از: مرحوم امام خمینی(قدس سره)، مرحوم حضرت آیه الله العظمی خوئی و مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی(قدس الله اسرارهم و حضرات آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، خامنه ای و مکارم شیرازی) متع الله المسلمین بطول بقائهم الشریف).

2- در این جزوه احتیاط واجب با توجه به اینکه قابل رجوع به فتوای فالأعلم است، جمع آوری شده و فتوای مشهور بین این ده مرجع ذکر شده است؛ زیرا یا فتوا در مسأله دارند یا احتیاطی که قابل رجوع به فتوای است. بنابراین، مقلدین مراجع فوق الذکر می توانند به متن این جزوه با ملاحظه پاورقی عمل نمایند یا از جهت اینکه فتوای مرجع

صفحه

۱۵

تقلید آنان است و یا از این جهت که مرجع تقلید آنان در مسأله فتوا ندارد و احتیاط کرده. و متن موجود فتوای مرجعی است که مقلد آنان می تواند به آن عمل نماید.

3- عبارت متن مطابق است با فتوای اکثر مراجع فوق و چنانچه هرکدام از این بزرگواران فتوا به خلاف داشته باشند در پاورقی آمده است.

4- در مواردی اندک، احتیاط در مسأله ذکر شده و این به خاطر آن است که فتوا در مسأله نبوده و همه احتیاط فرموده اند.

5- اگر در مسأله ای دو فتوای مختلف بوده و بعضی نیز احتیاط کرده اند، فتوای اکثر با ارجاع احتیاط به آن در متن و تنها فتوای دیگر در پاورقی آورده شده، جز آنکه اختلاف میان اقلیت و اکثریت کم باشد، که در این صورت فتوای مطابق احتیاط در متن آورده شده است.

6- مسائلی که در بخش مسائل متفرقه و استفتاءات مناسب منتشر شده، از سوی بعضی مقام معظم رهبری آمده، در اینجا به جای مناسب خود و استفتاءات جزئی به صورت مسائل کلی به هر قسمتی منتقل شده است.

7- در مواردی که بعضی از مراجع عظام متعرض فرعی شده اند و دیگران متعرض نبوده اند، آن فرع از دیگران نیز استفتا شده و نظر آنان هم منعکس گردیده که این خود باعث تکمیل جزوه و تقلیل بعضی پاورقی ها شده است.

8- در فهرست و ترتیب محرمات احرام تغییراتی داده شده؛ مثلاً مسائل صید که کمتر مورد ابتلا است، در آخر و مسائل مربوط به روابط زن و مرد، به جهت برخی ملاحظات، در ابتدای محرمات آورده نشده است.

در پایان از سرورانی که با راهنمایی های خود، در هرچه بهتر شدن این مجموعه ما را یاری نمودند خصوصاً از جناب مستطاب عماد الاخیار آقای حاج سیداحمد موسوی که در به ثمر رسیدن این اثر سهم بسزایی داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم و امیدوارم بخشی از مشکلات، با مراجعه به این جزوه حل گردد.

در خاتمه ثمره همه این تلاش ها را به پیشگاه باعظمت قطب عالم امکان امام زمان (عج) تقدیم نموده، عرض می کنیم ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجننا ببضاعة

صفحه

۱۶

مزجاة فاوف لنا الکیل وتصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته

سید مرتضی موسوی شاهرودی

مقدمه چاپ دوم

با سپاس فراوان از درگاه ایزد منان برای توفیق تدوین رساله بدیع «جامع الفتاوی»، که به اذعان اهل پژوهش، گامی بلند در دستیابی آسان به احکام و مناسک حج و زیارت به شمار می آید، دیگر بار بر آن شدیم تا با مذاقه ای بیشتر به تکمیل آن بپردازیم.

ضمن بازنگری مجدد و مطابقت با فتاوی جدید مراجع عظام تقلید، نظر عزیزان اهل دقت و تحقیق را به ویژگی چاپ جدید معطوف می داریم:

*در مسائلی که بعضی مراجع عظام فتوی داده اند و بعضی احتیاط نموده اند، ولی فتوی به خلاف آن وجود ندارد، این نوع احتیاطات در متن کتاب به فتاوی مشهور ارجاع داده شده و دیگر نامی از آن برده نشده است.

در مسائلی که دو فتوای مخالف یکدیگر وجود دارد و بعضی از مراجع عظام، احتیاط کرده اند و شیوه کتاب بر آن بوده که فتوای مشهور در متن و فتوای به خلاف، در حاشیه آمده و احتیاطات در متن ارجاع داده شده و دیگر نامی از آن برده نشده بود، در پژوهش جدید این گونه موارد احتیاطات نیز به صورت «» علامتگذاری و در آخر کتاب آورده شده است تا کسانی که می خواهند بدانند مرجع تقلیدشان فتوی دارد یا احتیاط، با شناخت احتیاط مرجع تقلیدشان، به فالأعلم مورد نظر خود مراجعه نمایند.

در پایان بار دیگر از تمامی همکاران و کسانی که مشوق ما بوده اند و در مقدمه نخست از آنها یاد کردیم اکنون نیز برای قبول زحمت مکررشان تقدیر و تشکر می کنیم.

مقدمه

حجّ از واجبات مهمّ دین مبین اسلام است بلکه از ضروریات آن است و ترک آن از گناهان کبیره است.

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید { وَلِلّٰهِ عَلٰی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ (1) }.

ترجمه: برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند. آنهایی که توانایی رفتن سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزید (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

و همچنین مرحوم شیخ کلینی در روایت معتبري از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که فرموده است هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام بجا نیاورد بدون این که او را حاجتي ضروري باشد یا بجهت بیمار شدن از آن باز بماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است به بیان احکام آنها اکتفا شده است.

این کتاب در سه بخش و چند فصل تنظیم گردیده است و قبل از بیان واجبات و مناسک، مسائلي مربوط بهوجوب حجوبرخي مسائل نیابتووصیت به حج، ذکر می گردد.

. 1 آل عمران ۹۷ .

صفحه

۲۱

بخش اول:

وجوب حجّ

صفحه

۲۲

صفحه

۲۳

مسأله ۱ - حج در شریعت اسلام در تمام عمر بیش از یک مرتبه بر شخص مستطیع واجب نمی گردد و به این حج حجة الاسلام می گویند.

مسأله ۲ - وجوب حج بر شخص مستطیع فوری (1) است، یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست (2) و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین...

فصل اول: «شرائط وجوب حجة الاسلام»

با چند شرط حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اول و دوم: بلوغ و عقل، پس بر کودک و کسی که وقت انجام اعمال حج دیوانه است، حج واجب نیست.

. [آیه الله سیستانی: عقلا و از باب احتیاط تا منجر به ترک واجب نگردد و لذا اگر مطمئن نیست که بعداً می تواند بیاورد و حج را تأخیر انداخت و موفق به انجام آن شد تجرّی نموده و اگر موفق نشد مرتکب گناه بزرگی شده است.

. 2 بلکه بنا بر فتوای جماعتی از مراجع عظام از گناهان کبیره است.

صفحه

۲۴

مسأله ۳ - اگر غیر بالغ حج بجا آورد صحیح است هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسأله ۴ - اگر کودک نابالغ قبل از محرم شدن در میقات بالغ شود چنانچه از همانجا مستطیع باشد باید حج بجا آورد و حج او حجة الاسلام است.

مسأله ۵ - اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام (1) بالغ باشد. از حجة الاسلام کفایت می کند (2) و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر الحرام عاقل شود* (3).

مسأله ۶ - کسی که گمان کرده بالغ نشده و لکن به قصد انجام حجی که فعلاً خداوند متعال از او خواسته حج بجا آورد حج او از حجة الاسلام کفایت می کند هر چند تصور نموده که این حج استحبابی است.

مسأله ۷ - اگر شخصی بعد از احرام عمره تمتع یا حج دیوانه شود لازم نیست که همراهان او به نحوی اعمال باقی مانده اوراتکمیل کنند و آن شخص در احرام باقی می ماند(4).

«حجّ کودک»

مسأله ۸ - بر ولی واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه می برد برای حج یا

1 آیه الله بهجت: کفایت ادراک آنچه با آن حج ادراک می شود اگر چه اضطراری مشعر باشد با انجام واجب از اضطراری عرفه، خالی از وجه نیست.

2 آیه الله بهجت: با وجود سایر شرایط و استطاعت از زمان بلوغ بمقدار انجام باقی واجبات حج.

آیات عظام گلپایگانی، صافی، خوئی و تبریزی: از حجة الاسلام کفایت نمی کند (در مناسک آیه الله خوئی و آیه الله تبریزی تفصیلی است که برای اطلاع به مناسک آنها مراجعه شود).

3 آیه الله تبریزی: اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود، بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.

4 آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: احرام و حج او باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال بهبودی و درک و قوفین در او نیست، نیازی به نیابت نیست، و حج و احرام او باطل است.

صفحه

۲۵

عمره محرم کند، ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شده انجام دهد. وگرنه در بعضی صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند از دواج نماید.

مسأله ۹ - انجام حج برای کودک ممیز مستحب و صحیح است اگر چه ولی او اذن ندهد * (1). البته برای تصرف در اموالش اذن ولی لازم است.

مسأله ۱۰ - مستحب است ولی کودک غیر ممیز او را محرم کند به این صورت که لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می کنم برای حج، یا این طفل را معتمر میکنم به عمره تمتع و اگر می شود تلبیه را به او تلقین کند و الا خودش به عوض او بگوید.

مسأله ۱۱ - قدر متیقن از ولی در این امر نسبت به کودک غیر ممیز ولی شرعی است مانند پدر یا جد و مادر نیز در اینجا ملحق به ولی شرعی است (2).

مسأله ۱۲ - بعد از آنکه کودک محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست خود ولی او را از محرمات حفظ کند (3).

مسأله ۱۳ - بعد از این که کودک محرم شد، اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولی، او را از آنها باز نداشت کفاره ندارد (4) مگر در صید که کفاره بر ولی است * (5).

مسأله ۱۴ - گوسفند قربانی کودک (6) بر عهده ولی اوست (7).

-
- 1 آیه الله سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.
- 2 در غیر ولی شرعی و همچنین غیر ما در نظر مراجع عظام مختلف است.
- 3 آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.
- آیه الله تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.
- 4 آیه الله بهجت: فداء صید مولی علیه بر ولی است (که با مباشرت او عمل مولی علیه صحیح است) و کفاره موجب هدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و کودک عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.
- 5 آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: ثبوت کفاره در صید مختص به احجاج کودک غیر ممیز است.
- 6 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت: غیر ممیز.
- 7 در فرض عدم تمکن ولی از قربانی برخی از مراجع عظام تفصیلی دارند که برای اطلاع به مناسک آنها مراجعه شود.

صفحه

۲۶

-
- مسأله ۱۵ - بر ولی کودک لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال حج و عمره را بجا آورد (1).
- سوم: حریت که به دلیل عدم ابتلاء غالب مردم از توضیح آن صرف نظر شد.
- چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه، آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.
- «استطاعت مالی»
- مسأله ۱۶ - استطاعت از جهت مال یعنی داشتن هزینه های سفر از جمله هزینه رفت و برگشت (2) تا جایی که قصد بازگشتن به آنجا را دارد و کافی است مالی داشته باشد که بتواند با آن هزینه های مذکور را تأمین کند.
- مسأله ۱۷ - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، داشتن ضروریات زندگی (3) و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد، مثل خانه مسکونی خواه ملکی باشد یا اجاره ای که با شوون او سازگار باشد و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن، در حدی که مناسب با شأن او باشد (4). و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها

-
- 1 آیه الله بهجت: و در تمام افعال آنچه در غیر نیت می تواند انجام دهد، ولی متصدی نیت می شود.
- 2 آیه الله بهجت: هرگاه کسی هزینه حج را در اختیار نداشته باشد، ولی وضع او بگونه ای است که در بین راه یا مثلاً خود مکه معظمه با شغلی که در شأن اوست، می تواند آن را تهیه نماید بنابر اظهر، حج بر او واجب می شود، و همچنین است اگر از کسی طلبی دارد که در راه یا در مقصد، وصول می شود.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، خوئی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن بجایی دورتر از وطن خود را داشته باشد، داشتن هزینه برگشت به وطن کافی است (البته مقصود جایی است که از رفتن به آن جا به حرج نمی افتد).

3. آیه الله بهجت: ضرورت شخصیه یا شأنیه.

4. آیه الله سیستانی و آیه الله صافی ...: و داشتن آن موجب حرج باشد.

صفحه

۲۷

را تهیه کند، داشته باشد.

مسئله ۱۸ - کسی که استطاعت مالی ندارد اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمی کند(1).

مسئله ۱۹ - اگر ترک ازدواج موجب مشقت (2) یا ناراحتی در زندگی وی (3) شود در صورتی شخص مستطیع است که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد(4).

مسئله ۲۰ - کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرائط استطاعت را نیز دارا است در موارد ذیل مستطیع است و باید به حج برود:

(1) اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقف شدن در حرج مشقت از راه مشروعی طلب خود را وصول کند در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

(2) اگر وقت طلب او نرسیده ولی مدیون خود می خواهد بدهی اش را بپردازد یا با مطالبه حاضر به پرداخت می شود و در مطالبه محذوری ندارد(5).

1. آیه الله خوئی: به پاورقی مسئله بعد مراجعه شود.

2. آیه الله خامنه ای: اگر ترک ازدواج موجب مشقت غیر قابل تحمل یا موجب حرام و یا وهن او باشد.

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: اگر مستلزم حرج باشد، بنحوی که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

3. امام خمینی، آیه الله مکارم: کافی است به ازدواج نیاز داشته باشد و مطابق شأن او باشد.

4. آیه الله بهجت: اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمل به حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهر جواز صرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسیدن وقت سیر کاروان حج، صرف در نکاح کند. اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی تواند صرف در نکاح نماید، به نحوی که متمکن از حج در آن سال نمی شود نه در صورت تمکن از جمع بین آن دو. (کتاب حج، ص ۱۲).

آیه الله خوئی: بلی اگر قصد داشته باشد که آن مال را در نیاز خود صرف نکند حج بر او واجب می شود.

5. امام خمینی، آیه الله سیستانی، آیه الله خامنه ای: اگر خود نمی خواهد بپردازد مطالبه در این فرض لازم نیست و شخص مستطیع نمی باشد (آیه الله سیستانی اضافه فرمودند: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد چنانکه معمولاً چنین است).

3) هر گاه بتواند طلب خود را به دیگران بفروشد، بمقداری که پول آن ولو با ضمیمه سایر اموالش وافیه حج باشد و در این کار مشقتی (1) بر او نیست.

مسئله ۲۱ - استطاعت به قرض حاصل نمی شود (2) مگر آنکه (3) قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از حج داشته باشد.

مسئله ۲۲ - بدهی مدت داری که اطمینان از ادای آن در وقتش هست مانع استطاعت نیست و نیز دینی که وقت اداء آن رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر آنست و در غیر این دو صورت حج واجب نیست (4).

مسئله ۲۳ - داشتن پول قربانی در تحقق استطاعت شرط نیست (5) بنابراین کسی که سایر مخارج حج را دارد مستطیع می باشد و بجای قربانی روزه می گیرد.

مسئله ۲۴ - کسی که خمس و زکات بر مالش یا بر ذمه اش تعلق گرفته است (6) در

1 آیه الله سیستانی: اجحافی در حق او نباشد.

آیه الله فاضل: یا ضرری.

2 امام خمینی، آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: هر چند بتواند بعداً بسهولت پرداخت کند.

3 آیه الله بهجت: مگر آنکه در وقت قرض گرفتن مالی داشته باشد که بتواند با فروش آن قرض خود را ادا نماید.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاً به آن توجه نکنند.

4 آیه الله خوئی: بلی اگر دین خود را ادا نکند حج بر او واجب است و به هر حال اگر چنین فردی حج بجا آورد مجزی از حجة الاسلام می باشد.

آیه الله سیستانی: اگر بدهی به مقداری باشد که اگر مقدار قرض برداشته شود باقی مانده آن وافیه به هزینه حج نباشد حج واجب نیست.

آیه الله فاضل: یعنی مخیر است بین انجام حج و اداء دین و در صورت انجام حج کفایت از حجة الاسلام می کند.

5 آیات عظام خوئی، فاضل، گلپایگانی، صافی: شرط می باشد.

6 آیه الله بهجت: یا كفاره یا نذر.

صورتی مستطیع است که علاوه بر آن مقدار مخارج حج را نیز داشته باشد (1).

مسأله ۲۵ - تحصیل مقدماتی که سفر حج متوقف بر آنهاست مانند تهیه گذرنامه، ویزا، ودیعه و مانند اینها واجب است و هزینه این امور جزء استطاعت می باشد بنابراین اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

مسأله ۲۶ - بالا بودن هزینه های سفر حج مانند اجرت ماشین و هواپیما و قیمت اجناس در سال استطاعت دلیل بر جواز تأخیر حج نمی شود (2) و باید در همان سال استطاعت به حج برود مگر (3) آنکه به قدری بالا باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود (4).

مسأله ۲۷ - اگر شخصی زاید بر ضروریات زندگی و نیازهای معیشت، مالی دارد که می تواند با فروش آن مصارف حج را تأمین کند مستطیع است و باید حج برود هر چند که بواسطه ی نداشتن مشتری به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر این که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت (5) برای او شود (6).

مسأله ۲۸ - اگر شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت است یا نه واجب است که تحقیق کند و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج

1 آیات عظام گلپایگانی، خوئی، تبریزی، صافی: حکم سایر دیون را دارد، الا این که عین مال متعلق خمس و زکات باشد که مقدم بر سایر دیون است.

2 آیه الله بهجت: اگر به حدّ غیر عقلانی نرسد.

3 آیه الله گلپایگانی: مگر آنکه ضرر به نحوی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

4 آیه الله مکارم: به طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

5 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: یا موجب ضرر عمده ای شود.

آیات عظام سیستانی، گلپایگانی، صافی: یا اجحاف در حق او باشد. آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: اجحاف و ضرر بحدّی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیه الله بهجت: یا ضرر.

6 آیه الله مکارم: بطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

صفحه

۳۰

حج را نداند (1).

مسأله ۲۹ - اگر اعتقاد دارد که مستطیع نیست و به قصد انجام وظیفه ای که فعلاً دارد حج بجا آورد و بعد از اعمال یا در اثنای آن معلوم شود مستطیع بوده حج او صحیح و کفایت از حجة الاسلام می کند هر چند تصور می کرده حشش استجابی است.

مسأله ۳۰ - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود، به اجرتی که با آن مستطیع میشود حج بر او واجب می شود هر چند اجیر شدن بر او واجب نبوده، ولی بعد از آن مستطیع می شود و باید حج بجا آورد.

مسأله ۳۱ - کسی که برای حج نیایی اجیر شد و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرد، سه صورت دارد:

اول: برای همان سال اجیر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد که در این صورت باید حج نیابی را بجا آورد و چنانچه استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لکن اگر برای خودش حج به جا آورد حج او صحیح است ولی به خاطر مخالفت با اجاره معصیت کرده است.

دوم: برای همان سال اجیر شده و استطاعت از راه دیگری حاصل شده (2). در این صورت اجاره باطل است (3). و باید برای خودش حج انجام دهد.

سوم: اجاره مقید به سال معینی نبوده و بعد از آن استطاعت مالی پیدا کرد که باید حج خود را مقدم بدارد (4). حتی اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل شده باشد (5).

1 آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: لازم نیست فحص و تحقیق کند.

2 آیات عظام امام خمینی، فاضل، مکارم، بهجت: حکم صورت قبل (اول) را دارد.

3 آیه الله سیستانی: مگر این که وثوق داشته باشد که در سال آینده می تواند برای خود حج بجا بیاورد که در این صورت اجاره صحیح است و باید به مقتضای آن عمل نماید.

4 آیه الله سیستانی: مگر این که اطمینان داشته باشد که می تواند در سالهای آینده حج خود را انجام دهد که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد.

5 آیه الله تبریزی: اگر بر او محرز باشد که می تواند حج نیابتی را در سالهای بعد انجام دهد و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد.

صفحه

۳۱

مسأله ۳۲ - شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج، داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند* (1).

مسأله ۳۳ - کسی که واجد شرائط حج باشد و فرزند و نوه ای دارد که نیاز به همسر دارد که اگر ازدواج نکند به حرام می افتد حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج شان از مخارج عرفی (2) او محسوب شود و ترک تزویج آنها برای این شخص حرجی باشد (3). و با صرف مال نتواند هم برای او همسر بگیرد و هم حج برود در این صورت حج بر او واجب نیست.

مسأله ۳۴ - با وجوه شرعی، مثل سهم امام (علیه السلام) و سهم سادات و منافع آنها شخص مستطیع می شود (4) و اگر حج بجا آورد کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله ۳۵ - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت یعنی به واسطه رفتن به حج فقیر یا فقیرتر از قبل نگردد بنابراین اگر وضع زندگی او بواسطه رفتن به حج تفاوتی نکند حج بر او واجب می شود (5).

1 آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی شرط نیست مگر این که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج بیفتد.

آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی: و عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد، مثل خواهر و برادر.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله گلپایگانی: ایشان قید مخارج عرفی را ندارند.

3 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: قید حرج را ذکر نکرده اند.

4 امام خمینی: با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سادات مستطیع نمی شود ولی با منافع آن مستطیع می شود.

آیه الله خامنه ای: در صورتی که بعد از حج زندگی او ولو از وجوه شرعیه اداره شود مستطیع است.

آیه الله فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حجة الاسلام بجا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر سهم امام از سوی حاکم شرع به او تملیک شده باشد.

5 آیات عظام امام خمینی، خامنه ای: بلکه پس از بازگشت برای زندگی به شدت و حرج نیفتد ولو این که قدرت بر کسب و کاری داشته باشد که لایق شأنش باشد. امام خمینی (قدس سره) (اضافه فرمودند: و تأمین زندگی از وجوه شرعیه مثل خمس و زکات کافی نیست و در این جهت فرقی نیست که تمام زندگی از وجوه شرعیه باشد یا بعض آن).

صفحه

۳۲

مسأله ۳۶ - زن اگر شوهرش از دنیا رفته است، نمی تواند مخارج حج را از اموال اطفال صغیر خود بردارد و در صورتی که سهم ارث خودش برای حج کافی بوده و سایر شرائط را دارد مستطیع است و باید حج بجا آورد.

مسأله ۳۷ - اگر چند نفر در مالی شریک باشند در صورتی که سهم هر کدام وافی به هزینه های حج باشد او مستطیع است با داشتن سایر شرائط استطاعت مانند پدری که با فرزندانش درآمدها را یکجا ریخته و خرجشان را از آن بر می دارند بنابراین اگر مجموع سهام وافی به حج بعض شرکاء باشد هیچکدام مستطیع نیستند.

مسأله ۳۸ - کسی که سرمایه یا ابزار کاری دارد که اگر مقداری از آن را که وافی به هزینه های حج است بفروشد می تواند با باقیمانده آن بدون زحمت زندگی کند از نظر مالی مستطیع است (1).

مسأله ۳۹ - کسی که ملکی دارد که قیمت آن وافی به هزینه های حج است و الآن ملک درآمد ندارد لکن صاحب آن اطمینان دارد که وقتی ملک درآمد پیدا کند او هم از کار افتاده شده و باید از درآمد آن امرار معاش کند و به غیر از آن درآمد دیگری نخواهد داشت مستطیع نیست.

مسأله ۴۰ - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با تفاوت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شوون او نباشد (2) لازم نیست آن را بفروشد (3) و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شوون او باشد، با وجود سایر شرائط، مستطیع است (4).

1 آیه الله مکارم: در صورتی که فروختن آن مخالف شوون او نباشد.

2 آیه الله بهجت: یا مورد ضرورت شخصیه او باشد.

3 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

4 آیه الله بهجت: ولی اگر تبدیل کردن حرجی یا ضرری باشد مستطیع نیست.

مسأله ۴۱ - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد و قصدش این باشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود هر چند (۱) پولی که بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسأله ۴۲ - هر گاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجبش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حج برای زن نباشد (۲) مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی شود.

مسأله ۴۳ - کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر از جمله رجوع به کفایت (۳) به معنایی که گذشت را داشت مستطیع می شود و کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله ۴۴ - خدمه و روحانیون کاروانهای حج که همراه کاروان به سفر حج می روند اگر سایر شرائط استطاعت را دارند و انجام حج تفاوتی در زندگی آنان ایجاد نمی کند. مستطیع هستند و باید حجة الاسلام بجا آورند (۴) و در غیر این صورت حج آنان استحبابی

۱ آیات عظام بهجت، خوئی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود حج بر او واجب نمی شود و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می شود.

آیه الله خامنه ای: اگر در نزد عرف، داشتن خانه ملکی از شؤون عرفی او باشد یا سکونت در غیر خانه ملکی برای او باعث مشقت و ناراحتی شود و یا موجب تحقیر او گردد، مستطیع نمی شود.

۲ آیه الله سیستانی: به حدی که تحملش برای او مشکل باشد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختل شود.

۳ آیه الله مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

۴ امام خمینی: در صورتی که بعد از بازگشت، زندگی آنها به نحوی مناسب از غیر وجوه شرعیه تأمین شود.

آیه الله خامنه ای: اگر زندگی آنان بعد از مراجعت تأمین باشد ولو از طریق وجوه شرعیه

آیه الله مکارم: چنانچه زندگی خانواده آنها در همان مدت تأمین باشد و تأمین زندگی آنها بعد از بازگشت شرط نیست.

است و چنانچه بعداً مستطیع شدند باید حج بجا آورند.

مسأله ۴۵ - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن

مفسده اي ندارد، با فرض اين كه شوهر نفقه و مخارج زندگي زن را مي دهد لازم است زن مهریه را مطالبه كند و به حج برود و چنانچه براي او مفسده دارد مثل اين كه ممكن است مطالبه به نزع (1) و طلاق منجر شود كه براي زن مفسده دارد، مستطيع نشده است.

مسأله ۴۶ - كسي كه براي حج نيايي اجبر شد و بعد در همان سال استطاعت مالي پيدا كرد سه صورت دارد : اول: براي همان سال اجبر شده و استطاعت به سبب اجاره حاصل شده باشد كه در اين صورت بايد حج نيايي را به جا آورد و چنانچه استطاعت او باقي ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد. لكن اگر براي خودش حج به جا آورد حج او صحيح است ولي به خاطر مخالفت با اجاره معصيت کرده است. دوّم: براي همان

1 آية الله بهجت: ولي اگر مطالبه مهر موجب در دسر و ناراحتي براي وي شود و يا مراجعه به حاكم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نيست.

آية الله تبريزي: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتي هايي شود كه زن در زندگي اش به حرج و مشقت بيافتد حج بر او واجب نيست

آية الله سيستاني: اگر به حدي باشد كه براي زن تحملش مشكل باشد.

آية الله خوئي: يعني مطالبه بر او حرجي يا در آن خوف ضرر باشد حج بر او واجب نيست.

آية الله گلپايگاني: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نيست، بلكه اگر صرف مهریه در حج موجب شود كه زندگي او مختل شود حج بر او واجب نيست.

آية الله مكارم: حتي اگر منجر به طلاق نشود ولي مشكلات مهمي در زندگي او حاصل گردد حج لازم نيست.

صفحه

۳۵

سال اجبر شده و استطاعت از راه ديگري حاصل شده (1) در اين صورت اجاره باطل است (2) و بايد براي خودش حج انجام دهد. سوّم: اجاره مقيد به سال معيني نبوده و بعد از آن استطاعت مالي پيدا كرد كه بايد حج خود را مقدم بدارد (3) حتي اگر استطاعت به سبب مال الاجاره حاصل شده باشد (4).

مسأله ۴۷ - مسلمين بعضي كشورهاي غير اسلامي كه براي تشرّف به حج بايد مبلغ زيادي به حكومت بپردازند، اين پول جزء هزينه سفر حج آنان مي باشد (5) و با داشتن آن و ساير شرائط مستطيع مي شوند (6) اگر چه اين پول صرف در تقويت حكومت غير اسلامي گردد (7) و بنا بر اين حج براي شان واجب و مجزي از حجة الاسلام مي باشد.

مسأله ۴۸ - اگر براي اموري مانند زيارت مشاهد مقدسه سوريه و امثال آن ثبت نام كرد و بعد از آن استطاعت مالي براي حج پيدا كرد در صورتي كه واجد شرايط باشد واجب است به حج برود.

1 آيات عظام: امام خميني، فاضل، مكارم، بهجت: حكم صورت قبل را دارد.

2 آية الله سيستاني: مگر اين كه وثوق داشته باشد كه در سال آينده مي تواند براي خود حج به جا آورد كه در اين صورت اجاره صحيح است و بايد به مقتضاي آن عمل نمايد.

3 آية الله سيستاني: مگر اين كه اطمينان داشته باشد كه مي تواند در سالهاي آينده حج خود را انجام دهد كه در اين صورت واجب نيست حج خود را مقدم بدارد.

4 آية الله تيريزي: اگر براي او محرز باشد که مي تواند حج نيابي را در سالهاي بعد انجام دهد و الا بايد حج نيابي را مقدم بدارد.

5 آية الله تيريزي، آية الله خوئي: اگر بذل اين مال امري متعارف باشد.

آية الله سيستاني: اگر نسبت به حال اين شخص ضرر زيادي نداشته باشد.

6 آية الله بهجت: اگر ضرر مالي مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعيه است.

7 آية الله خوئي: اگر موجب فساد بر مسلمين باشد جايز نيست.

آية الله صافي: اگر موجب تقويت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمين شمرده شود استطاعت حاصل نيست ولي اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود پس از پرداخت، اگر چه معصيت کرده، استطاعت حاصل مي شود و بايد به حج برود.

صفحه

۳۶

«استطاعت بذلي»

مسأله ۴۹ - اگر به شخصي که هزينه هاي حج را ندارد گفته شود حج بجا آور و مخارج تو و عائله ات (1) بر عهده من حج بر او واجب مي شود به شرط (2) اين که اطمينان به وفا و عدم رجوع باذل داشته باشد و اين حج را بذلي مي گویند و در آن رجوع به کفايت شرط نيست بلي اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگي او شود (3) واجب نمي شود.

مسأله ۵۰ - اگر مقداري از مصارف حج را داشته باشد و بقيه را به او بذل کنند استطاعت او استطاعت مالي است (4) و شرائط استطاعت مالي مثل رجوع به کفايت در او شرط است.

مسأله ۵۱ - اگر مالي که وافي به مصارف حج است به او ببخشند سه صورت دارد:

اول: مال را به او مي بخشند براي اين که حج به جا آورد که در اين صورت بايد قبول کند و حج بجا آورد (5).

دوم: به او اختيار دهند که مال را در حج يا در غير آن صرف کند که در اين صورت نيز قبول واجب است.

سوم: مال را به او ببخشند و هيچ نامي از حج نبرند که در اين صورت قبول

1 آية الله فاضل: تعهد نسبت به نفقه عائله شرط نيست.

آيات عظام بهجت، تيريزي، خوئي: اگر چه حج برود و چه حج نرود نمي تواند نفقه عائله را تأمين کند بذل نفقه عائله شرط وجوب حج نيست.

آية الله سيستاني: اضافه فرمودند: و همچنين اگر نفقه عائله اش را تا زمان برگشت داشته باشد.

2 آية الله فاضل: اطمينان به وفا و عدم رجوع شرط نيست. آية الله خوئي و آية الله تيريزي اضافه فرمودند: ولي اگر وثوق و اطمينان به رجوع و عدم وفاء باذل دارد حج واجب نمي شود.

3 آية الله مکارم: يا مستلزم منت و هتک او باشد.

4 آیه الله مکارم: استطاعت او بذلی است.

5 آیه الله بهجت: واجب نیست قبول کند ولی اگر قبول کرد استطاعت بذلیه است کما این که در دو صورت بعدی اگر قبول کرد استطاعت مالیه محقق است.

صفحه

۳۷

واجب نیست (1).

مسأله ۵۲ - باذل می تواند بذلش رجوع کند ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه بازگشت را بدهد (2) و اگر بعد از احرام رجوع کند (3) باید نفقه اتمام حج را نیز بدهد* (4).

مسأله ۵۳ - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است (5) پس اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی شود (6) مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مسأله ۵۴ - در حج بذلی کفارات بر عهده باذل نیست* (7).

1 آیه الله مکارم: بلکه قبول واجب است به شرط این که هنگام بازگشت زندگی او تأمین باشد

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: در دو صورت اخیر قبول واجب نیست.

2 آیه الله بهجت: بنابر اظهر نفقه بازگشت از محل اعلام رجوع که زاید بر نفقه وطن است بر باذل است.

آیه الله تبریزی: باذل ضامن نفقه برگشتن او نیست همان طور که در صورت رجوع بعد از احرام نفقه اتمام حج را هم ضامن نمی باشد گر چه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

3 آیه الله بهجت: اظهر عدم جواز رجوع است.

4 آیه الله خوئی: در صورتی که اتمام آن بر مبذول له واجب باشد و آن در جایی است که آنچه تاکنون به او بذل شده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از احرام باذل رجوع کند، مبذول له باید حج را تمام بکند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلاً مستطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می باشد.

5 آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: اگر مبذول له از کسانی باشد که به لحاظ داشتن تمکن مالی، هدی بر آنها واجب است، پول قربانی بر عهده باذل است والا تبدیل به صوم می شود.

6 آیه الله تبریزی: مگر در صورتی که بتواند بدون حج بدل قربانی روزه بگیرد.

آیه الله سیستانی: در وجوب حج بر گیرنده، در این صورت اشکال است، مگر این که بتواند قربانی را از مال خود بخرد و در پرداخت قیمت قربانی حج و مشقت نباشد.

آیه الله فاضل: حج واجب است ولی پول قربانی بر باذل است.

7 آية الله گلباگاني و آية الله صافي: در صورتي كه از روي عمد باشد و اما اگر از روي فراموشي يا جهل يا اضطرار و ناچاري باشد چنانچه مبذول له متمكن از اداء كفاره باشد و كفاره يافت شود پول آن بر عهده باذل است و الا مبذول له بايد به وظيفه غير متمكن از كفاره عمل نمايد.

صفحه

۳۸

مسأله ۵۵ - در مواردی كه نهاد یا ارگانی شخصی را به حج بفرستد بدون این كه او را ملزم به كاری نماید با فرض مشروعیت، حج او حج بذلی است.

مسأله ۵۶ - كسی كه استطاعت مالی ندارد و توانایی انجام حج را نیز حتی در آینده ندارد چنان چه مخارج حج به او بذل شود واجب نیست قبول نماید و برای حج نایب بگیرد.

«استطاعت بدنی»

مسأله ۵۷ - در وجوب حج علاوه بر استطاعت مالی استطاعت بدنی نیز شرط است بنابراین بر شخص مسن یا مریضی كه قدرت انجام حج را ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست حج بجا آورد ولی اگر امید به بهبودی و تمکن از حج ندارد واجب است نایب بگیرد هر چند حج بر او مستقر نشده باشد (1) و وجوب آن فوری است.

مسأله ۵۸ - اگر مستطیع در اثنای راه قبل از احرام یا بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج مریض شود بطوری كه نتواند مناسك عمره و حج را، حتی به نحو اضطراری انجام دهد حج بر او واجب نیست و حكم نایب گرفتن در فرض یأس از بهبودی در مسأله قبل گذشت.

«استطاعت از جهت راه»

مسأله ۵۹ - یکی از شرایط وجوب حج باز بودن راه است، بنابراین بر كسی كه راه برای او باز نیست حج واجب نیست.

مسأله ۶۰ - كسی كه بتواند بر اساس ضوابط شرعی ارث، از نوبت حج متوفی استفاده کرده و برای خودش حج بجا آورد چنانچه سایر شرایط استطاعت را داراست واجب است برای خودش حج بجا آورد و در موارد لزوم نیابت، برای متوفی نایب

1 آیات عظام امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استنباه واجب نیست.

صفحه

۳۹

بگیرد. (كه در مسائل مربوط به نیابت خواهد آمد)

مسأله ۶۱ - هر گاه كسی وصیت به حج بلدی را پذیرفته و اکنون خود از هر جهت استطاعت پیدا کرده جز استطاعت طریقی، و راهی برای سفر حج ندارد جز، استفاده از فیش وصیت کننده باید حج از طرف میت را انجام دهد (1).

مسأله ۶۲ - هرگاه پدری ثبت نام کرده و فوت نموده و به یکی از فرزندان كه مستطیع است وصیت کرده باشد كه از طرف او حج به جا آورد اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برایش باز

شده باید برای پدرش حج به جا آورد، (2) مگر این که تیر عاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد (3).

«نام نویسی برای حج»

مسأله ۶۳ - با اعلام نام نویسی برای حج از طرف دولت برای چند سال، در فرض حصول سایر شرایط استطاعت شرکت در نام نویسی لازم است (4). مگر این که بتواند از راه مشروع دیگری به حج برود و اگر مسامحه نمود و ثبت نام نکرد حج بر او مستقر می شود که مسایل آن خواهد آمد.

مسأله ۶۴ - کسی که با وجود استطاعت مالی سعی در رفتن به حج داشته و در نام نویسی برای حج شرکت کرده ولی از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده و راه

1 آیه الله تبریزی: در فرض مزبور برای خود حج بجاء آورد و برای حج بلدی میت نایب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات نیابت صحیح نیست.

2 آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید برای خود حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: در این صورت نیز برای پدرش حج به جا آورد.

4 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، بهجت: اگر احتمال بدهد که در همان سال او را به حج ببرند.

آیه الله سیستانی: در صورتی که عروض مانع دیگری در سالی که او را به حج می برند متوقع باشد نام نویسی لازم نیست.

آیه الله مکارم: اگر یقین داشته در سال اول، قرعه به نامش اصابت می کند، حج مستقر می شود.

صفحه

۴۰

مشروع دیگری نیز برای رفتن به حج نبوده، نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست.

مسأله ۶۵ - کسی که حج بر او مستقر نشده چنانچه بعد از حصول استطاعت برای حج ثبت نام کرد ولی بعد از آن احتیاج به پول سپرده شده پیدا کرد می تواند پول خود را پس بگیرد (1). و مستطیع نیست اگر چه در همان سال یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت نماید.

مسأله ۶۶ - کسی که برای حج ثبت نام کرده اگر سایر شرایط استطاعت را دارد نمی تواند نوبتش را به شخص دیگری مانند همسرش و اگذار نماید ولی اگر نوبتش را به دیگری داد حج دیگری صحیح است.

«تصرف در مال و از بین بردن استطاعت»

مسأله ۶۷ - در صورتی که استطاعت محقق شده باشد چنانچه رفتن به حج متوقف بر حفظ مال و صرف آن برای حج باشد تصرف در آن مال به نحوی که نتواند حج بجا آورد جایز نیست هر چند موسم حج نرسیده باشد (2) و چنانچه تصرف کند حج بر او مستقر می شود و در این حکم فرقی نیست که مال را در کارهای خیر و عام المنفعه صرف کند یا در سایر مسائل.

مسأله ۶۸ - اگر از نظر مالی استطاعت دارد و لی از جهت توانایی بدنی یا بازبودن راه استطاعت برای او در سالهای آینده حاصل می شود نمی تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند(3).

1 آیه الله تبریزی: اگر در سال اول قرعه به نام او اصابت کند نمی تواند پول را بگیرد مگر این که در حرج بیفتد.

آیه الله سیستانی و آیه الله خویی: اگر نفقه لازم باشد یا از ترک انفاق به حرج بیفتد.

2 آیه الله بهجت: می تواند قبل از وقت حرکت قافله مال را در مصارف خود خرج کند ولو دیگر نتواند به حج برود

3 آیات عظام امام خمینی، فاضل، بهجت، مکارم: تصرف و خارج کردن خود از استطاعت جایز است.

صفحه

۴۱

مسأله ۶۹ - کسی که از جهت مالی مستطیع است ولی از جهت بسته بودن راه یا عدم توانایی بدنی امیدی ندارد حج را ولو در سالهای آینده بجا آورد باید نایب بگیرد (1) و وجوب آن فوری است و چنانچه نایب گرفتن متوقف بر حفظ آن مال باشد حفظ آن لازم است.

مسأله ۷۰ - اگر از نظر مالی استطاعت دارد ولی هنوز از طرف دولت وقتی برای ثبت نام اعلام نشده و راه مشروع دیگری نیز ندارد چنانچه بداند که در همین سال ثبت نام خواهد شد (2) حق ندارد در مال تصرف نموده و خود را از استطاعت ببنداند و در غیر این صورت مستطیع نیست و نگهداری آن مال لازم نیست(3).

«مزاحمت سایر تکالیف با حج»

مسأله ۷۱ - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود (4) باید ملاحظه اهمیت حج با حرام و واجب را کرد، اگر اهمیتش بیشتر است باید برود و الا نباید برود(5) لکن اگر رفت و حرامی بجا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او

1 آیات عظام: امام خمینی، آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: لزومی ندارد و می تواند در مال تصرف کند.

2 آیه الله تبریزی: و اطمینان دارد که با ثبت نام می تواند در همین سال به حج برود.

3 آیه الله خویی: بهر حال باید آن را تا زمان ثبت نام حفظ کند.

آیه الله سیستانی: اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرائط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

4 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و یا موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض شود

5 آیه الله تبریزی: اگر فقط احتمال اهمیت در حج باشد حج مقدم است وگرنه باید حرامی را که حج بر آن توقف دارد ترک کند و چنانچه ارتکاب حرام بعد از شروع در حج باشد مجزی از حجة الاسلام نیست و اگر حج متوقف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیه الله خویی است.

آیه الله خویی: در فرض تساوی و یا احتمال اهمیت در هر یک مخیر بین آن هاست و اگر در یکی از آن ها احتمال اهمیت می دهد آن مقدم است .

آیه الله سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

صفحه

۴۲

صحیح است.

مسئله ۷۲ - اگر شخصی نذر کند که در روز عرفه کربلائی معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند چنانچه مستطیع بوده یا در همان سال نذر مستطیع شود نذرش (1) منحل است و عمل به آن واجب نیست و مخالفتش کفاره ندارد بلکه باید به حج برود.

«مسائل متفرقه استطاعت»

مسئله ۷۳ - شخص معتادی که مستطیع است و شرایط وجوب حج را دارد ولی طبق مقررات کشوری نمی تواند به سفر حج برود اگر بتواند با ترک اعتیاد یا از راه مشروع دیگری به حج برود رفتن به حج بر او واجب است و الا باید نایب بگیرد (2).

مسئله ۷۴ - اگر مرد در موقع ازدواج به همسرش وعده سفر حج بدهد در صورتی که مهر او قرار داده یا شرط در ضمن عقد کرده باشد عمل به آن واجب است.

مسئله ۷۵ - اگر شخص وصیت به حج را قبول کند بدون آن که اجیر شود و بعد مستطیع شود واجب است برای خود حج بجا آورد، (3) و قبول وصیت مانع از استطاعت نیست و فرض اجیر شدن و حکم آن گذشت.

مسئله ۷۶ - در صورتی که زن مستطیع شود اذن شوهر شرط نیست و حتی اگر اذن ندهد زن باید به حج برود و شوهر نیز نمی تواند زن را از انجام حج واجب منع نماید.

مسئله ۷۷ - اگر کسی به تصور این که مستطیع است به قصد عمره تمتع محرم شد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد مستطیع نبوده است فعلاً محرم نیست و هرگاه مستطیع شد باید حجة الاسلام انجام دهد.

1 امام خمینی، آیه الله فاضل: نذر مانع از حج نمی شود و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود و باید به نذر عمل کند و اگر حج رفت تخلف از نذر موجب کفاره نمی شود ولی اگر هر دو را ترک کرد کفاره نذر را باید بدهد

2 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای، مکارم: اگر از قبل مستقر نشده باشد استتبابه واجب نیست.

3 آیه الله مکارم: بلکه لازم است به وصیت عمل کند و مستطیع نیست.

صفحه

۴۳

مسئله ۷۸ - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که گذشت.

مسأله ۷۹ - کسی که مستطیع است نباید از طرف دیگری برای حج نایب شود و یا حج استحبابی بجا آورد ولی اگر حج نایب و استحبابی بجا آورد صحیح است*(1).

استقرار حج

مسأله ۸۰ - اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کند حج بر او مستقر می شود(2) و باید بعداً به هر نحوی که می تواند به حج برود(3).

مسأله ۸۱ - اگر بعد از حصول استطاعت و وجوب حج در تهیه اسباب و مقدمات آن کوتاهی کرد و به حج در آن سال نرسید حج بر او مستقر می شود.

مسأله ۸۲ - کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند (4) و لازم است در همان سال فوت حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: باطل است.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: حج استحبابی او حجة الاسلام محسوب می شود. آیه الله تبریزی اضافه فرمودند: بله در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی حج او باطل است. (نسبت به بطلان اجاره در بعض کتب مناسک تفصیلی است مراجعه شود).

2 آیه الله فاضل: به شرط اینکه تا پایان اعمال شرایط استطاعت باقی باشد.

آیات عظام: سیستانی، خویی، تبریزی: مگر در صورت جهل یا غفلت عذری.

3 آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، خویی: مگر این که حرجی باشد و در این صورت واجب نیست و در این حال از خودش ساقط است لکن باید از ترکه او ولو از میقات نایب بگیرند یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

4 آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: مگر آن که قصد بر ادای حج او داشته باشند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: مگر آنکه ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم بر ادای حج شوند.

آیه الله سیستانی: تصرفی که منافعی با قضای حج میت از میراث باشد.

آیه الله فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد لازم است (1) از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود (2) و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادت از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند (3) و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامن اند بلی اگر میت ترکه نداشته باشد بر وارث حج او واجب نمی شود.

مسأله ۸۳ - کسی که در حال حیات همه شرائط استطاعت را داشته باشد و به حج نرفته تا از دنیا رفته است هزینه حج او از اصل ترکه خارج می شود هر چند معاش زن و فرزندان او از درآمد همین ترکه تأمین شود و در ورثه صغار باشد و چنانچه وصیت نکرده باشد هزینه حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

مسأله ۸۴ - کسی که بعد از حصول استطاعت و وجوب حج از دنیا رفته اگر سال اول استطاعت او بوده حج از عهده او ساقط است و ورثه نیز تکلیفی ندارند (4). و اگر حج قبلاً بر او مستقر شده چنانچه بعد از احرام دخول حرم از دنیا رفته از حجة الاسلام کفایت می نماید و در غیر این صورت باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کافی است (5).

1 آیه الله سیستانی: ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه بحساب نیاورند

2 آیات عظام: سیستانی، خامنه ای، مکارم: مگر این که وصیت کرده باشد که از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و الا مازاد آن از اصل ترکه تکمیل گردد.

3 آیه الله بهجت: دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید بر اجرت متعارف باید با اجازه ورثه باشد.

آیه الله سیستانی: ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

4 آیه الله خوئی: اگر قبل از احرام یا دخول حرم بمیرد ظاهراً قضا از او واجب شود.

5 آیه الله مکارم: اگر بعد از احرام فوت شود حج از او ساقط است خواه بعد از دخول حرم و یا قبل از دخول حرم باشد.

1- بلوغ در حج واجب

2- عقل

3- ایمان (یعنی اعتقاد به امامت دوازده امام علیهم السلام))

4- معرفت نائب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

5- ذمه نائب، مشغول به حج واجبی (1) در آن سال نباشد (2).

6- در ترک بعض افعال (3) حج معذور نباشد، البته اگر بعداً عذری پیدا شد که با انجام وظیفه معذور حج صحیح است نیابت او نیز صحیح می باشد (4). هر چند عذر قبل از احرام عارض شده باشد.

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت: واجب منجزی در آن سال نباشد و این شرط صحت اجاره است بنابراین اگر غافل از استطاعت بوده اجاره او هم صحیح است.

2 آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله صافی: در خصوص کارهایی که ترک عمدی آنها موجب بطلان حج است لذا معذور بودن بیتوته در منی ضرری به نیابت نمی زند.

4 امام خمینی: در این فرض نیز نیابت صحیح نیست.

آیه الله خامنه ای: در صورتی که عذر منجر به نقص در اعمال شود نیابت صحیح نیست.

صفحه

۴۶

مسئله ۸۶ - ایمان نائب در نیابت در اجزاء معتبر است و فقط در ذبح تفصیلی است که خواهد آمد.

مسئله ۸۷ - لازم است اطمینان حاصل شود که نائب عمل را انجام می دهد، (1) و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می شود و نائب گرفتن صحیح است هر چند شک او قبل از عمل باشد.

مسئله ۸۸ - در منوب عنه اموری شرط است:

اول: اسلام (2)

دوم: در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد و یا اگر زنده است خودش از جهت عذری نتواند حج برود (3) که تفصیل آن در مسائل گذشته بیان شده است.

مسئله ۸۹ - در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست* (4).

مسئله ۹۰ - نیابت زن از مرد و بالعکس صحیح است.

مسئله ۹۱ - کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست می تواند از طرف دیگری نائب شود.

«نیابت معذور»

مسأله ۹۲ - کسانی که مجازند اعمال مکة را بر وقوفین مقدم بدارند می توانند نایب شوند و نیابتشان صحیح است.

مسأله ۹۳ - خانمها که مجازند در شب عید قربان بعد از درک وقوف اضطراری مشعر به منی بروند می توانند از دیگری نیابت در حج نمایند اما نیابت ضعفاء مثل پیر مرد

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر نایب مورد اطمینان باشد خبرش کافی است.

2 آیه الله فاضل: در منوب عنه، اسلام و ایمان شرط است پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

3 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، فاضل، مکارم: و حج بر او مستقر شده باشد.

4 آیه الله فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نیست. و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش ولو از میقات برای او استنابه کنند.

صفحه

۴۷

صحیح نمی باشد(1).

مسأله ۹۴ - کسانی که مانند خدمه کاروانها باید نیمه شب از مشعر الحرام برای انجام کارهای لازم یا همراه ضعفاء به منی بروند با توجه به این که از معذورین هستند نیابت آنان صحیح نیست، (2) مگر این که بتوانند برای درک مسمی وقوف اختیاری به مشعر برگردند یا عذر آنان طاری باشد(3).

مسأله ۹۵ - کسی که در وقت اجاره از معذورین نبوده و در شب عید با غفلت از لزوم وقوف اختیاری بعنوان راهنما با زنها و مریضها وقوف اضطراری نموده و به منی رفته است، (4) حج نیابی او صحیح است.

مسأله ۹۶ - افرادی که شب دهم باید با زنها و ضعفاء همراهی کنند و به منی بروند اگر با جهل به مسأله شرعی نایب شوند نیابت آنها صحیح نیست و از منوب عنه کفایت نمی کند(5).

مسأله ۹۷ - منظور از معذوری که نمی تواند در حج نایب شود کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد(6).

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: نیابت ضعفا که می توانند به وقوف شب در مشعر اکتفا کنند صحیح می باشد.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: همچنین سایر ذوی الاعذار چون وقوف رکنی را درک کرده اند نیابت آنان صحیح است.

2 آیه الله مکارم، آیه الله سیستانی: نیابت آنان صحیح است.

3 امام خمینی: فرقی بین عذر طاری و غیرطاری نیست به هر حال اگر نتواند برگردد به مشعر برای مسمی وقوف رکنی نیابت صحیح نیست.

4 آیات عظام امام خمینی، خامنه ای: عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست.

5 آية الله سيستاني، آية الله مكارم: در فرض مسأله، نیابت صحیح است.

آية الله تبریزی: اگر در وقت دانستن مسأله امکان برگشتش به مشعر و درک وقوف نبود حج نیابی آنها صحیح است.

6 آية الله سيستاني: در خصوص اعمالی که در صحت حج مدخلیت دارند ولی اگر در صحت حج دخالت ندارند مانند طواف نساء و بیتوته در منی معذور بودن در آنها مضرّ به نیابت نیست و همین طور اگر در وقوف بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت او صحیح است.

صفحه

۴۸

مسأله ۹۸ - کسی که قرائت نمازش صحیح نیست و نمی تواند آن را تصحیح نماید از معذورین است و نباید نایب شود و چنانچه به نیابت از غیر محرم شود نیابت او باطل است (1) ولی باید عمل را تمام نماید، و اگر می تواند قرائتش را تصحیح کند نیابتش صحیح است و باید قرائت خود را تصحیح نماید (2).

مسأله ۹۹ - نیابت شخص معذور صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی کند خواه مستتیب و منوب عنه در هنگام نیابت بدانند که او معذور است یا ندانند.

مسأله ۱۰۰ - کسی که به ناچار باید در بین عمره و حج تمتع از مکه خارج گردد از معذورین نیست و می تواند از غیر نیابت نماید.

مسأله ۱۰۱ - نایب گرفتن کسی که به جهت ضیق وقت قادر بر انجام حج تمتع نیست و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست ولی اگر در سعه وقت او را به نیابت گرفت و بعد وقت ضیق شد نایب به حج افراد عدول می کند و این حج از منوب عنه مجزی است.

مسأله ۱۰۲ - کسی که زمان کافی برای حج تمتع را دارد ولی احتمال قوی می دهد که بعداً نتواند اعمال را بنحو عادی انجام دهد و ممکن است حج تمتع را مبدل به افراد کند می تواند نایب شود و اگر وظیفه او عدول به افراد شد و حج افراد بجاء آورد از منوب عنه کفایت می کند* (3).

1 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای: نیابت و احرام او باطل است.

آية الله بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

2 آية الله فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

3 آية الله صافی: اگر وضع به طوری است که نایب عند العرف استطاعت حج تمتع را دارد از حج منوب عنه مجزی است و الا در صورت عدول، مجزی از منوب عنه نیست.

صفحه

۴۹

«فوت نایب»

مسأله ۱۰۳ - ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به این که نایب عمل را صحیحاً انجام دهد بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد (1) مجزی از منوب عنه است* (2). و در این حکم بین حجة الاسلام و غیر آن و نیز بین نیابت تبرعی و اجاره فرقی نیست.

«وظائف نایب»

مسأله ۱۰۴ - نایب در حج بلدی لازم نیست به شهر منوب عنه برگردد مگر آن که در عقد اجاره شرط شده باشد.

مسأله ۱۰۵ - نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین نماید (3) ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

مسأله ۱۰۶ - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسأله ۱۰۷ - نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبایی آن است که به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

مسأله ۱۰۸ - نایب در حج و عمره مفرده اگر طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

مسأله ۱۰۹ - نایب باید اعمال حج و عمره را مطابق فتاوی مرجع تقلید خود انجام دهد* (4) و اگر اجیر شده که به کیفیت خاصی عمل کند باید طوری عمل نماید که مراعات

1 آیه الله فاضل: در حرم بمیرد.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: و همچنین اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد.

3 آیه الله بهجت: با تعدد نیابت و در صورت اتحاد کافی است قصد نیابت واجبه مثلاً.

4 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر منوب عنه زنده باشد و یا وصیت کرده باشد که حج برای او بجا آورند باید مراعات تقلید او شود و در غیر این دو صورت مراعات تقلید او لازم نیست.

آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه با صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند مگر در صورت یقین به فساد عمل.

صفحه

۵۰

وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

مسأله ۱۱۰ - کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

«نایب گرفتن»

مسأله ۱۱۱ - در دو مورد نایب گرفتن واجب است:

اول: کسی که از دنیا رفته و حج واجب خود را انجام نداده در این صورت بر ورثه واجب است برای او نایب بگیرند اگر که ترکه و افاقی باشد مگر این که یکی از ورثه یا شخص دیگری حج میت را انجام دهد ولو تبرعاً.

دوم: این که کسی قبلاً حج بر او مستقر شده باشد یا فعلاً مستطیع است و به جهت عذری نمی تواند حتی در آینده خودش به حج برود که باید فوراً نایب بگیرد (1) و نایب گرفتن دیگری کفایت نمی کند. مگر از او وکالت داشته باشد (2). و در هر دو مورد فوق حج میقاتی کفایت می کند.

مسأله ۱۱۲ - هرگاه مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد.

۱ آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، مکارم، فاضل: اگر حج بر او مستقر نشده نایب گرفتن واجب نیست.

۲ آیه الله بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود به طوری که اگر او بفهمد رضایی است نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات.

صفحه

۵۱

مسأله ۱۱۳ - کسی که در نایب گرفتن از طرف دیگری اختیار دارد می تواند برای او نایب بگیرد خواه اختیار او در خصوص مورد نیابت باشد و یا به نحو مطلق که شامل نایب گرفتن نیز بشود اما اگر در خصوص اموال اختیار تام دارد کفایت نمی کند (1).

مسأله ۱۱۴ - کسی که حج بر او مستقر شده لکن قبل از احرام و شروع در اعمال دیوانه شده تا زنده است نمی شود برای او نایب گرفت و یا تبرعاً برای او حج به جا آورد. و اگر عاقل نشد تا از دنیا رفت باید از ترکه او برایش نایب بگیرند.

«احکام نیابت»

مسأله ۱۱۵ - در یک سال حجة الاسلام برای بیش از یک نفر واقع نمی شود بنابراین نمی توان حجة الاسلام را به نیابت از طرف دو نفر و یا برای خود و دیگری بجا آورد اما انجام حج استحبابی و عمره مستحب به نیابت از چند نفر مانعی ندارد. همانگونه که انجام یک حج یا عمره مستحبی به نیت خود و دیگران صحیح است.

مسأله ۱۱۶ - عمره مفرده استحبابی و طواف مستحب را می توان به نیابت از چند نفر انجام داد و باید اعمال آن از جمله طواف نساء را به نیت همه انجام دهد.

مسأله ۱۱۷ - کسی که برای حج نیابتی به میقات آمده و از نیابت غافل شده و مُحرم شده است اگر ارتکازاً قصد منوب عنه را داشته به طوری که اگر کسی می پرسید جواب می داد برای منوب عنه حج بجا می آورم کفایت می کند و حج نیابتی او صحیح است و اگر به کلی غافل باشد که اگر از او پرسیده شود جواب می دهد برای خود احرام می بندم باید حج را به نیت خود تمام کند مگر این که احرام او باطل باشد مثل این که حج بر او واجب

۱ آیه الله بهجت: با احراز رضایت او اشکال ندارد و تبرع از حیّ در حج واجب با عدم قدرت او اظهر جواز آن است و با اذن باشد احوط است در تفریح ذمه.

آیه الله گلپایگانی: اجیر گرفتن از مال او بدون اطلاع او صحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعاً بپردازد در فرضی که او عاجز از انجام حج است مانعی ندارد و مجزی از حجة الاسلام اوست.

صفحه

۵۲

نبوده و نیت حجة الاسلام کرده باشد(1).

مسأله ۱۱۸ - بعد از این که شخص بر احرام صحیحی محرم شد باید عملش را به همان نیت تمام کند و نمی تواند نیت خود را عوض کند یا دوباره با نیت دیگر محرم شود هر چند به نیت حج یا عمره استحبایی محرم شده باشد مثلاً اگر برای خود محرم شد نمی تواند نیت خود را به نیت نیایی عوض کند یا دوباره برای دیگری محرم شود.

مسأله ۱۱۹ - در نیت، خطور لازم نیست پس اگر نائب بعد از احرام شک کند که نیت نیابت کرده یا نه، اگر انگیزه او در حال احرام، نیابت بوده عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) تمام کند (2) و در نیابت به آن اکتفا نمی شود(3).

مسأله ۱۲۰ - کسی که خود در حال بج آوردن حج و یا عمره است می تواند در برخی اعمال مانند طواف و سعی از دیگران نائب شود.

مسأله ۱۲۱ - اگر نائب بعد از عمره تمتع از انجام حج عاجز شد نمی تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید.

مسأله ۱۲۲ - در اجاره بر اعمال حج لازم نیست اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند*(4).

1 آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: در این مثال احرام او صحیح است.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر احتمال بدهد که نه قصد خود و نه قصد دیگری را کرده احرام او باطل است مگر این که در حال طواف مثلاً نیت معینی دارد که به همان نیت اعمال را تمام می کند.

3 آیه الله سیستانی: اگر احتمال می دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده بنا می گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمال را نمی دهد همان طور که متعارف است در کسی که عازم بر نیابت بوده است بنا می گذارد که احرامش برای غیر بوده است.

آیه الله بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، مغلّ به نیابت نیست و عمل مجزی است.

4 آیه الله خوئی: اگر اجیر بتواند اعمال را به نحوی انجام دهد که بدانند مطابق تقلید منوب عنه واقع می شود. در صورتی که عمل طبق فتوای مقلد منوب عنه به نظر نایب باطل باشد باید عمل به احتیاط کند.

صفحه

۵۳

مسأله ۱۲۳ - پدري که از دنیا رفته و یکی از فرزندان خود را برای نیابت حج از خود معین نموده چنانچه آن فرزند مستطیع شد هر چند با ارث پدر باید حج خود را بج آورد و باید برای پدر نایب بگیرد یا بعداً برای پدر حج بج آورد(1).

مسأله ۱۲۴ - بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود(2)، و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود(3).

مسأله ۱۲۵ - کسی که حج بر او مستقر شده است ولی به هیچ وجه نمی تواند حج برود و امید برطرف شدن مانع نیز وجود ندارد باید برای حج نایب بگیرد.

مسأله ۱۲۶ - نیابت از طرف شخص زنده ای که حج از قبل بر او مستقر شده و اکنون بجهت عدم توانایی مالی نمی تواند به حج برود صحیح نیست هر چند نیابت تبرعی باشد.

مسأله ۱۲۷ - حج به نیابت حضرت ولی عصر سلام الله علیه و ارواحنا له الفداء جایز است(4).

مسأله ۱۲۸ - مستحب است از طرف ائمه معصومین(علیهم السلام) و همچنین از طرف خویشاوندان یا غیر آنها تبرعاً حج به جا آورد چه زنده باشند و چه مرده و نیز طواف از

۱ آیه الله سیستانی: مگر این که وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهد در این صورت اگر مطمئن باشد که سال بعد می تواند حج خود را انجام دهد به وصیت عمل کند وگرنه در آن سال حج خود را انجام دهد و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهد.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر حج واجب بر عهده پدر بوده در همان سال نایب بگیرد تا تأخیر در انجام وصیت نشود.

آیه الله مکارم: اگر میت شرط مباشرت کرده نمی تواند نایب بگیرد.

۲ آیه الله صافی: در صورتی که حج بر او مستقر بوده با تمکن باید خودش حج بجا آورد، و همچنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد باید حج بجا آورد.

۳ آیه الله گلپایگانی: مگر این که در اثناء عمل بعد از احرام عذر برطرف شود ولی منوب عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نایب مجزی است.

۴ آیه الله مکارم: برجاء مطلوبیت.

صفحه

۵۴

طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند.

مسأله ۱۲۹ - کسی که برای حج اجبر می شود نمی تواند شرط کند برای طواف نساء(1) یا عمل دیگری که نیابت بر دار است نایب می گیرم مگر برای ذبح که اشکال ندارد.

۱ آیه الله سیستانی: در عملی مانند طواف نساء که صحت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتداء هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

صفحه

۵۵

فصل سوّم: حج استحبّابي

مسأله ۱۳۰ - انجام حج براي كسي كه شرائط و جوب حج مثل بلوغ و استطاعت و مانند آن را ندارد و يا حج واجبش را انجام داده استحبّاب دارد بلكه مستحب است تكرر حج در هر سال و مكروه است ۵ سال متوالي آن را ترك كند و مستحب است در وقت خارج شدن از مكه نيت برگشتن نمايد و مكروه است قصد برنگشتن داشته باشد(1).

مسأله ۱۳۱ - كسي كه استطاعت مالي ندارد مستحب است قرض كند و به حج برود در صورتي كه مي تواند قرض را ادا كند.

مسأله ۱۳۲ - در وقت شروع به حج استحبّابي يا بعد از انجام آن مي تواند ثواب آن را به ديگران هديه كند.

مسأله ۱۳۳ - كسي كه مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نيابت از ديگري به حج برود.

«استيجار در حج»

مسأله ۱۳۴ - اگر در وسعت وقت اجبر شود كه حج تمتع به جا آورد بعداً اتفاقاً وقت

1 آية الله مكارم: ولي اگر انجام حج هاي مستحبي بي درپي سبب محروميت انجام دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

ضيّق شد و حج خود را مبدّل به افراد كرد چنانچه اجاره بر انجام عمره و حج تمتع باشد استحقاق اجرت را نخواهد داشت و اگر اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه بوده (1) اجرت را مستحق خواهد بود.

مسأله ۱۳۵ - اگر اجیر بعد از احرام و داخل شدن در حرم (2) بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه باشد (3) مستحق تمام اجرت می باشد و اگر برای انجام اعمال حج اجیر شده فقط نسبت به اعمالی که انجام داده استحقاق اجرت دارد مگر این که اعمال را به نحوی انجام دهد که در عرف گفته شود عمره و حج را انجام داده در این صورت مستحق تمام اجرت است اگرچه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد* (4).

مسأله ۱۳۶ - اگر اجیر قبل از احرام و یا دخول حرم بمیرد چنانچه اجاره بر تفریغ ذمه (5) منوب عنه باشد مستحق چیزی نخواهد بود (6) و اگر برای انجام اعمال اجیر شده مستحق اجرت آنچه از اعمال حج انجام داده می باشد و اگر مقدمات هم جزء اجاره باشد اجرت مقدماتی را هم که انجام داده مستحق است (7).

مسأله ۱۳۷ - شخصی که در وقت اجیر شدن برای حج یا عمره از معذورین نبوده و بعداً عذری برای او پیش آمد و طبق وظیفه معذور عمل نمود عمل نیایی او صحیح و

1 آیات عظام: خامنه ای، مکارم، بهجت: که ظاهر در اجاره هم همین است.

2 آیه الله فاضل: اگر در حرم بمیرد.

3 آیات عظام: مکارم، بهجت، خامنه ای: که ظاهر در اجاره همین است.

4 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: در این صورت هم فقط به مقدار اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.

5 آیات عظام: بهجت، خامنه ای، مکارم: که ظاهر اجاره همین است.

6 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر بعد از احرام بمیرد مستحق تمام اجرت است.

7 آیه الله بهجت: اگر قبل از احرام مرده بعید نیست اجرت مقدار راهی که پیموده مستحق باشد.

صفحه

۵۷

مستحق تمام اجرت خواهد بود (1).

مسأله ۱۳۸ - اگر شخص برای حج بلدی نایب شد و قصد داشت که حج را از شهر خاصی بجا آورد چنانچه با غفلت از نیابت از آن شهر حرکت کند لازم است برگردد (2) و سفر حج را از آن شهر شروع کند ولی اگر بر نگشت حج نیایی او صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد (3).

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: نیابت صحیح نیست و از جهت اجرت باید به اجیرگیرنده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره موقت به زمان مخصوصی شده نباشد دوباره عمل نیابتی صحیح بجا آورد.

آیه الله تبریزی، آیه الله صافی: در اجرت با اجیرکننده تراضی کنند.

2 آیه الله بهجت: لازم نیست برگردد.

آیه الله مکارم: مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

3. آية الله سيستاني: حج او صحيح است مطلقاً، ولي اگر اجاره بر حج بلدي به نحو تقييد باشد مستحق اجرت نيست و اگر شروع از بلد منوب عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت مي باشد ولي مستأجر مي تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نياورده از او بگيرد و مي تواند اجاره را فسخ کند ولي بايد اجرت المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن عقد باشد مستأجر فقط مي تواند اجاره را فسخ کند و در اين صورت اجرت المثل او را بايد بدهد.

صفحه

۵۸

فصل چهارم: اقسام حج

حج سه قسم است: تمتع، قران(1)، افراد

مسأله ۱۳۹ - کسي که مي خواهد حجة الاسلام انجام دهد چنانچه فاصله محل زندگي او با مکه 48 (2) ميل - ۱۶ فرسخ (3) - يا بيشتتر باشد بايد حج تمتع بجآورد (مگر در بعض فروض که وظيفه او بدل به افراد مي شود که تفصيل آن خواهد آمد)

و در غير اين صورت بايد حج افراد يا قران بجآورد اما در غير حجة الاسلام بين اقسام سه گانه حج مخير است.

«حج افراد»

براي انجام حج افراد بايد در ميقات به نيت حج افراد محرم شود و مثل سائر حجاج و قوف در عرفات و مشعر نموده اعمال مني و مکه و بيتوته در مني و اعمال ايام تشریق را انجام دهد ولي قرباني بر او واجب نيست.

مسأله ۱۴۰ - كيفيت افعال حج افراد از احرام و وقوفين و اعمال مني و اعمال مکه

1. با توجه به اين که حج قران و مسائل مربوط به آن مورد ابتلا نيست از ذکر آن خودداري مي شود.

2. آية الله خوئي، آية الله تبريزي: با مسجدالحرام

3 آية الله مكارم :يعني حدود ۸۶ كيلومتر.

صفحه

۵۹

مانند حج تمتع است.

«حج تمتع»

حج تمتع از دو عمل تشکیل شده است یکی عمره تمتع و دیگری حج آن و عمره تمتع مقدم بر حج است.

اعمال عمره تمتع:

1- احرام ۲- طواف خانه خدا ۳- نماز طواف ۴- سعی بین صفا و مروه ۵- تقصیر

«اعمال حج تمتع»:

1- احرام

2- وقوف در عرفات

3- وقوف در مشعر

4- رمی جمره عقبه

5- قربانی

6- حلق یا تقصیر

7- طواف زیارت

8- نماز طواف

9- سعی بین صفا و مروه

10- طواف نساء

11- نماز طواف نساء

12- ماندن در منی شبهای یازدهم و دوازدهم و نیز شب سیزدهم برای بعض اشخاص.

13- رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم و نیز رمی روز سیزدهم برای کسی که شب سیزدهم در منی بماند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است که تفصیل آنها خواهد آمد.

صفحه

۶۰

مسأله ۱۴۱ - دانستن این اعمال ولو بطور اجمالی قبل از شروع در عمره و حج لازم نیست بلکه کافی است که نیت کند عمره تمتع را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یادگرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

مسأله ۱۴۲ - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

مسأله ۱۴۳ - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شک کند که عمره تمتع را بجآورده یا نه، یا شک کند که صحیح بجآورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.

مسأله ۱۴۴ - اگر در هر یک از اعمال عمره یا حج شک کند بعد از آن که وارد عملی که مترتب بر آن است شده به شک خود اعتنا نکند چه شک او در انجام دادن عمل باشد و چه در صحت آن.

مسأله ۱۴۵ - عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی باشد.

مسأله ۱۴۶ - باید عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماه های حج واقع شود و ماه های حج: شوال و ذی قعدة و ذی حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی قعدة عمره تمتع بجآورد و در موقع حج، حج تمتع بجآورد صحیح است. و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع بجآورد صحیح نیست، اگر چه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه های حج.

1- احرام: احرام عمره تمتع باید در محل خاصی که (میقات) نامیده می شود انجام شود.

فصل اول: میقات

برای احرام عمره تمتع پنج میقات وجود دارد.

1- مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

مسئله ۱۴۷ - تأخیر احرام از این میقات تا جحفه در صورت ضرورت جایز است مانند بیماری.

مسئله ۱۴۸ - احرام بستن از داخل مسجد شجره لازم نیست بلکه از بیرون مسجد به طوری که از محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد کافی است (1) هر چند از داخل مسجد

1 آیه الله خامنه ای، آیه الله بهجت: احرام بستن از خارج مسجد کفایت نمی کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و همینطور احرام بستن از پشت دیوار مسجد صحیح است.

آیه الله خوئی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است.

صفحه

۶۴

مستحب است و در داخل مسجد فرقی بین قسمت قدیمی و قسمتهای توسعه یافته نیست*.

مسأله ۱۴۹ - جنب و حائض می توانند در خارج مسجد به تفصیلی که در مسأله قبل گذشت (۱) محرم شوند و چنانچه بخواهند در داخل مسجد محرم شوند باید در حال عبور باشد) به این صورت که از دری وارد و از درب دیگر خارج شوند) و اگر توقف کنند معصیت کرده اند هر چند احرام آنها صحیح است.

2- جحفه

مسأله ۱۵۰ - کسانی که فعلاً از راه جده به مکه می روند می توانند از این میقات محرم شوند.

مسأله ۱۵۱ - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می توان محرم شد.

3- وادی عقیق: که اوائل آن را مسلخ و اواسط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به

1] آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: برای حیاض و نفساء احرام بستن در خارج مسجد هر چند در محاذی آن صحیح است (آقای آیه الله مکارم حکم جنب را نیز همین دانسته اند).

تذکر: براساس فتوای آیه الله بهجت و آیه الله خامنه ای و احتیاط امام و آیه الله فاضل و آیه الله سیستانی مبنی بر لزوم احرام از درون مسجد اگر جنب نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و از انجام غسل معذور باشد و نتواند تا رفع عذر صبر نماید، باید تیمم نموده و داخل مسجد احرام ببندد و همین طور حائض و نفسائی که پاک شده و غسل نکرده اند.

و اما حائض و نفسائی که هنوز پاک نشده اند اگر نمی توانند در حال عبور محرم شوند باید صبر کنند تا پاک شوند و از داخل مسجد به تفصیلی که گذشت محرم شوند و در غیر این صورت از نزدیک مسجد محرم شوند و در محاذی مسجد جحفه نیز تجدید احرام نمایند.

(آیه الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست)

(آیه الله خامنه ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شوند)

صفحه

۶۵

مکه می روند.

4- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می روند.

5- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می روند.

مسأله ۱۵۲ - کسی که می خواهد از میقات احرام ببندد باید یقین یا اطمینان به رسیدن میقات پیدا نماید و یا حجت شرعی داشته باشد (1). و گفته راهنما یا حمله دار کافی نیست مگر از گفته او اطمینان حاصل شود (2).

مسأله ۱۵۳ - کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جدّه می روند و نیز شاغلین (3) ایرانی و غیر ایرانی در جدّه، نمی توانند از جدّه یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه (4) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین عمره تمتع یا مفرده نیست (5).

1 آیه الله تبریزی: گفته کسانی که در آنجا زندگی می کنند حجت شرعی محسوب می شود.

امام خمینی، بهجت، خامنه ای، صافی، گلپایگانی: اگر علم و بیّنه ممکن نشد می تواند به ظن حاصل از گفته کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها هستند اکتفا کند.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: یا این که آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

3 آیه الله خوئی: اگر حدود سه سال در جدّه می ماند که صدق مقر و منزل بر آن بکند می تواند از جدّه محرم شود.

4 آیه الله بهجت: یا محاذات آن

آیه الله سیستانی: از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است. ولی در صحت احرام به نذر برای کسی که می داند مجبور به تظلیل می شود اشکال است.

5 آیات عظام: صافی، گلپایگانی، فاضل، بهجت: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می کند اگر چه عبور از میقات بدون احرام گناه است.

آیه الله مکارم: در عمره مفرده باید در حدیبیه یا یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود و احرام در مواقیت پنج گانه افضل است.

مسأله ۱۵۴ - شخصی که در مکه است اگر بخواهد عمره تمتع بجاورد باید به یکی از میقات های پنجگانه برود و چنانچه به عللی از رفتن به میقات معذور باشد لازم است به خارج حرم برود* (1) و از آنجا محرم شود و احرام از ادنی الحل کافی است.

مسأله ۱۵۵ - کسی که وظیفه اش احرام در میقات های معروفه است اگر در جای دیگری مانند جدّه محرم شود احرام او صحیح نیست و محرّمات احرام بر او حرام نمی شود و در این حکم فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

مسأله ۱۵۶ - احرام در مواقیت یا ادنی الحل لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود بجز مسجد شجره به تفصیلی که گذشت.

مسأله ۱۵۷ - کسی که در یکی از میقات ها محرم شد می تواند برخلاف جهت مکه از میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند مثل این که از مسجدشجره

به مدینه برگردد پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد.

مسئله ۱۵۸ - کسی که در یکی از ماه های قمری عمره مفرده انجام داده در ماه دیگر نمی تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

مسئله ۱۵۹ - کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه مانعی ندارد.

مسئله ۱۶۰ - کسی که برای احرام عمره تمتع به میقات رفته اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده یا به جهت دیگر احرامش درست نبوده و بازگشت به میقات برای او ممکن نیست مگر این که به مکه بیاید، باید برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود و عمره مفرده انجام دهد و برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیع پنجگانه برود.

. [آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: هر قدر می تواند به طرف میقات برود محرم شود.

صفحه

۶۷

«احرام قبل از میقات»

مسئله ۱۶۱ - احرام بستن پیش از رسیدن به میقات جایز نیست و اگر احرام بست احرام او صحیح نمی باشد مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد.

«احرام از محاذی میقات»

مسئله ۱۶۲ - هرگاه از راهی برود که از هیچ یک میقاتها عبور نکند باید از محاذات میقات احرام ببندد هر چند در مسیر خود به محاذی میقات دیگری نیز برخورد کند. بلکه اگر میقات دیگری در پیش داشته باشد نیز تأخیر احرام تا آن میقات جایز نیست(۱).

مسئله ۱۶۳ - مراد از محاذات آن است که کسی که به طرف مکه می رود، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل پشت او شود.

مسئله ۱۶۴ - رسیدن به محاذات مانند رسیدن به میقات باید برای مکلف به یکی از راه هایی که در مسئله ۱۵۲ گذشت(۲) اثبات گردد.

مسئله ۱۶۵ - اگر ثابت نشود که رابع محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست(۳).

. [آیه الله سیستانی: در هر دو فرض مخیر است از هر کدام محرم شود گرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اولی است.

آیه الله فاضل: در فرض اخیر تأخیر احرام تا میقاتی که در پیش دارد جایز است اگرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اول است.

آیه الله بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً.

2 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، صافی، گلپایگانی، بهجت: در اثبات محاذات قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند اگر موجب گمان باشد ظاهراً کافی است.

3 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: نظر به این که رابع قبل از جحفه است احرام با نذر از آنجا صحیح است.

صفحه

۶۸

«تأخیر احرام از میقات»

مسئله ۱۶۶ - اگر مستطیع از روی علم و عمد احرام را از میقات تأخیر بیندازد و بواسطه عذری نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است و باید سال دیگر حج بجاورد (1).

مسئله ۱۶۷ - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسئله یا عذر دیگر بدون احرام یا با احرام باطل از میقات عبور کند چهار فرض دارد:

1- این که بتواند به میقات برگردد به طوری که به اعمال عمره برسد در این فرض باید به میقات برود و در میقات محرم شود هر چند داخل حرم شده باشد (2).

2- این که نتواند به میقات برگردد و هنوز داخل حرم نشده است در این فرض از همانجا محرم می شود و احتیاط مستحب این است که هر قدر می تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود (3).

3- اگر داخل حرم شده و امکان بازگشت به میقات را ندارد ولی می تواند از حرم خارج شود باید از حرم خارج شود و محرم شود.

4- این که داخل حرم شده و امکان بازگشت به خارج حرم را نیز ندارد در این فرض باید از داخل حرم محرم شود و احتیاط مستحب این است که هر قدر می تواند به طرف

1 فتوای آیه الله خوئی در این مسئله این است که اگر بر طبق آنچه در مسئله آینده در معذور خواهد آمد عمل کند حج او صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر از میقات ذوالحلیفه عبور کرده و می تواند به جحفه برود باید در جحفه محرم شود و حج او صحیح است.

2 آیه الله سیستانی: این حکم در غیر مسجد شجره است پس کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می تواند از جحفه محرم شود هر چند گناه کرده.

آیه الله مکارم: بازگشت به میقات لازم نیست و می تواند در خارج حرم محرم شود.

3 آیات عظام گلپایگانی، صافی: اگر از میقات دیگری عبور می کند از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچ یک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

صفحه

۶۹

خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

مسئله ۱۶۸ - گرانی بیش از حد کرایه برای بازگشت به میقات عذر محسوب نمی شود مگر موجب حرج باشد.

مسئله ۱۶۹ - زن حائض اگر به مسئله آگاه نبود و عقیده داشت که نباید از میقات محرم شود و احرام نبست حکمش همان است که در مسئله قبل گذشت (۱).

مسئله ۱۷۰ - اگر بدون احرام (۲) از میقات عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود هر چند میقات دیگری هم در پیش داشته باشد (۳).

مسئله ۱۷۱ - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند باید به یکی از مواقیع معروفه بروند و نمی توانند بدون احرام از میقات عبور کنند و در صورت عبور (۴) واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند و اگر نمی توانند در خارج از حرم محرم شوند.

«احرام با نذر»

مسئله ۱۷۲ - اگر نذر کند که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود مثلاً اگر نذر کرد از شهر خود یا در مدینه منوره محرم شود باید به نذر خود عمل کند و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند و در این حکم فرقی بین حج یا عمره واجب و یا مستحب نیست. خواه از طرف خود باشد یا به نیابت از دیگری.

۱ آیه الله مکارم: این زن اگر می تواند باید به میقات برگردد.

۲ آیه الله فاضل: بدون عذر

آیه الله بهجت: در حال اختیار

۳ آیه الله سیستانی: مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد که بنا بر اظهر کافی است از جحفه احرام ببندد هر چند گناه کرده است.

آیه الله مکارم: در این فرض می تواند از میقات دوم محرم شود.

۴ آیات عظام: فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: احرام از ادنی الحل کفایت می کند

صفحه

۷۰

مسئله ۱۷۳ - نذر برای احرام مثل سایر نذرها باید با صیغه شرعی انجام شود مثلاً در احرام عمره تمتع بگوید: *بِاللهِ عَلَيَّ أَنْ أَحْرَمَ لِعِمْرَةِ التَّمَتُّعِ مِنَ الْمَدِينَةِ الطَّيِّبَةِ* و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگوید مانند این که به فارسی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره تمتع.

مسئله ۱۷۴ - نذر زن برای احرام باید به اذن شوهر باشد مگر این که با حق او منافات نداشته باشد (۱). بنا بر این اگر بدون اذن شوهر نذر کرد و قبل از میقات محرم شد و با این حال از میقات گذشت احرامش باطل است. و حکم کسی را دارد که بدون احرام از میقات عبور کرده است*.

1 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اذن شوهر مطلقاً معتبر است.

آیات عظام: خوبی، سیستانی، تبریزی: یا این که صحت حج بر آن متوقف باشد.

صفحه

۷۱

فصل دوم: واجبات احرام

مسأله ۱۷۵ - واجبات در وقت احرام سه چیز است:

1- نیت ۲- تلبیه ۳- پوشیدن جامه احرام

«نیت»

در نیت چهار امر معتبر است:

اول: قصد قربت.

دوم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام.

سوم: تعیین عملی که برای آن محرم می شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است.

چهارم: باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می کند نداشته باشد (1).

مسأله ۱۷۶ - لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند.

مسأله ۱۷۷ - عمره و حج و تمام اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند تعالی بجاآورد.

مسأله ۱۷۸ - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند باید

1 آیات عظام گلپایگانی، بهجت، مکارم، صافی: بلکه قصد ترک جمیع محرّمات احرام لازم است.

صفحه

۷۲

سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسئله ۱۷۹ - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح می شود، گرچه معصیت کار است.

مسئله ۱۸۰ - اگر به واسطه ندانستن مسئله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کرد، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه بجا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش، حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره او تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسئله ۱۸۱ - اگر بواسطه ندانستن مسئله یا عذر دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند با این قصد که بعد از احرام به عرفات و مشعر برود و اعمال حج را انجام دهد و بعد از آن عمره انجام دهد احرامش باطل است و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته بر اساس آنچه در مسئله ۱۶۶ و ۱۶۷ گذشت عمل کند.

مسئله ۱۸۲ - کسی که با وجود استطاعت خیال می کرده مستطیع نیست و به نیت استحباب محرم شده چنانچه قصدش امتثال امری بوده که فعلاً متوجه به اوست، احرامش صحیح و برای حجة الاسلام واقع می شود (۱).

مسئله ۱۸۳ - غیر مستطیع اگر به تصور این که مستطیع است به نیت انجام حجة الاسلام محرم شود احرامش صحیح نیست مگر این که قصدش امتثال امری باشد که فعلاً متوجه اوست که در این صورت احرام او برای حج استحبابی واقع می شود.

مسئله ۱۸۴ - کسی که وظیفه اش عمره تمتع بوده و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده چنانچه قصد انجام وظیفه فعلی را داشته و اشتباهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش برای عمره تمتع واقع می شود و الا احرام عمره مفرده محسوب می شود.

1 آیه الله سیستانی: بلکه مطلقاً حج او از حجة الاسلام کفایت می کند.

صفحه

۷۳

مسئله ۱۸۵ - کسی که قبلاً حج واجب خود را انجام داده یا بدلیل نداشتن شرائط استطاعت حج بر او واجب نیست و می خواهد حج استحبابی انجام دهد اگر از روی ناآگاهی یا فراموشی در نیت احرام عمره، احرام عمره تمتع از حجة الاسلام را نیت نماید احرامش صحیح است و برای حج مستحبی واقع می شود.

مسئله ۱۸۶ - کسی که احتمال می دهد حجی که در سالهای قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواد احتیاط کند می تواند قصد امتثال مطلق امر متوجه به خود را کند و یا قصد حجة الاسلام احتیاطی نماید.

مسأله ۱۸۷ - خدمه ای که بواسطه وظائفی که دارند نمی توانند در عرفات و منی در حالت احرام باشند می توانند برای ورود به مکه عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع بجا آورد.

مسأله ۱۸۸ - پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز بکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام دهد باید کفاره بدهد.

مسأله ۱۸۹ - قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزاء آن مبطل نمی باشد.

«تلبیه»

مسأله ۱۹۰ - دوم تلبیه: یعنی لبیک گفتن به این صورت که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» با گفتن این جملات شخص محرم می شود و مستحب است پس از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» بلکه موافق احتیاط است و نیز مستحب است بعد از آن بگوید: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَيَّ دَارَ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلَابِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ نَسْتَعْنِي وَيُنْفَعُنَا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ،

صفحه

۷۴

لَبَّيْكَ ذَا اللُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِيكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.»

مسأله ۱۹۱ - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته شد تکرار کند بلکه کافی است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسأله ۱۹۲ - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۱۹۳ - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد و یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسأله ۱۹۴ - کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد (۱) و بهتر است نائب هم بگیرد.

مسأله ۱۹۵ - کسی که به هر دلیلی نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید اگر چه با تلقین باید به هر نحوی که می تواند بگوید و کفایت می کند اگر عرفاً تلبیه بر آن صدق کند، و الا بنا بر احتیاط علاوه بر آنچه می تواند، ترجمه تلبیه را بگوید و اگر اصلاً نمی تواند بگوید اکتفا به ترجمه، خالی از وجه نیست.

مسأله ۱۹۶ - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد و با تلقین هم نتواند

۱. آیه الله سیستانی: اگر در اثر عارضه ای لال شده و الفاظ تلبیه را می داند. به مقداری که می تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره

کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نائب هم بگیرد رجاء که از طرف او به طور صحیح بگوید.

صفحه

۷۵

بگوید حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۱۹۷ - تأخیر تلبیه واجب از میقات جایز نیست و اگر تأخیر انداخت محرم نشده که حکم آن در مسأله ۱۶۶ و ۱۶۷ گذشت.

مسأله ۱۹۸ - اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسأله ۱۹۹ - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، شک کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید شک کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است (۱).

مسأله ۲۰۰ - ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید: «اجابت می کنم دعوت تو را خدایا. خدایا! اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می کنم دعوت تو را» و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

«قطع تلبیه»

مسأله ۲۰۱ - کسی که برای عمره تمتع محرم شده باید وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد جزو مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود (۲) و کسی که احرام حج بسته لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

۱ آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

۲ آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: بلکه مراد خانه های مکه قدیم است.

صفحه

۷۶

مسأله ۲۰۲ - کسی که برای عمره مفرده محرم شده اگر از خارج مکه به سوی آن می آید هنگام داخل شدن به حرم لبیک را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است هنگام مشاهده کعبه لبیک را قطع کند.

«پوشیدن جامه احرام»

مسئله ۲۰۳ - سوّم پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را بر دوش بیندازد و لازم است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۲۰۴ - لنگ باید به اندازه ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند و رداء نیز باید به قدری باشد که شانه ها را بپوشاند به گونه ای که رداء صدق نماید.

مسئله ۲۰۵ - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب معتبر نیست همانطور که کیفیت خاصی نیز معتبر نمی باشد بلی باید یکی را بهر کیفیتی که می خواهد لنگ قرار دهد و دیگری را به هر کیفیتی که می خواهد رداء قرار دهد.

مسئله ۲۰۶ - لباس احرام باید دو جامه جدا باشد و در حال اختیار نمی توان به یک جامه بلند که مقداری از آن لنگ و مقداری رداء قرار داده شده اکتفا نمود.

مسئله ۲۰۷ - پوشیدن جامه احرام، عملی عبادی است و در آن نیت و قصد قربت لازم است و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد قربت داشته باشد.

مسئله ۲۰۸ - شرایط لباس نمازگزار در دو جامه احرام معتبر است بنابراین جامه حریر و جامه نجس به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده کفایت نمی کند.

مسئله ۲۰۹ - جامه ای را که لنگ قرار می دهد نباید به قدری نازک باشد که بدن نما باشد ولی در رداء این شرط معتبر نیست. گرچه موافق احتیاط است.

مسئله ۲۱۰ - در حال احرام هرگاه این دو جامه نجس شود باید آن را تطهیر یا تبدیل کند (1) ولی اگر تطهیر و تبدیل ننماید ضرر به احرامش نمی زند و کفاره هم ندارد. اما تطهیر

۱ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب

صفحه

۷۷

بدن لازم نیست مگر برای نماز و طواف.

مسئله ۲۱۱ - لباس احرام می تواند از غیر منسوج مانند پوست یا نمد باشد اگر عرفاً به آن جامه گفته شود.

مسئله ۲۱۲ - لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد بلکه می تواند آن را عوض کند و برای شستن، استحمام و مانند آن بیرون آورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده بپوشد.

مسئله ۲۱۳ - شخص محرم می تواند برای حفظ از سرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (1) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ.

مسئله ۲۱۴ - محرم می تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر قطعه ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد.

مسأله ۲۱۵ - وصل نمودن قسمتی از لباس احرام به قسمت دیگر با سنجاق و گیره و مانند آن جایز است* (2) و نیز گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولیکن نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزند ولی اگر از روی جهل یا فراموشی گره زد باید بنا بر احتیاط فوراً آن را باز نماید ولی اگر باز نکرد یا از ابتداء عمداً گره زد به احرامش ضرر نمی زند و چیزی بر او نیست.

«لباس احرام بانوان»

مسأله ۲۱۶ - دو جامه ذکر شده که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است ولی زن می تواند در لباس های عادی خود به هر نحو که هست محرم شود چه دوخته باشد و چه

۱ آیه الله فاضل: ولی همه آنها باید شرائط لباس احرام را داشته باشد.

۲ آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید مانعی ندارد.

آیه الله خامنه ای: مادامی که از صدق رداء و لنگ خارج نشود.

صفحه

۷۸

نباشد بلی شرائط ذکر شده در دو جامه احرام در آن معتبر است حتی از حریر خالص نیز نباشد.

«تعلق خمس به لباس احرام»

مسأله ۲۱۷ - پوشیدن لباس احرام غصبی جایز نیست و همین طور است لباسی که

متعلق خمس باشد یا با عین پولی که متعلق خمس است آن را بخرد.

مسأله ۲۱۸ - اگر شک داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده یا نه، یا شک دارد پولی که با آن لباس احرام را خریده متعلق خمس بوده یا نه، تخمیس آن واجب نیست و پوشیدن آن برای احرام جایز و طواف و نماز در آن صحیح است.

«احکام احرام»

مسأله ۲۱۹ - برای احرام بستن طهارت از حدث اصغر و اکبر لازم نیست.

مسأله ۲۲۰ - اگر بعد از آن که محرم شده است پیراهن بپوشد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از طرف پائین بیرون آورد ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسأله ۲۲۱ - اگر در هنگام احرام بستن لباس احرام را عمداً یا از روی عذر نپوشد یا لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد احرامش صحیح است هر چند در صورت عمد معصیت کرده است و همین طور است احرام در جامه ای که شرائط لازم را ندارد.

مسأله ۲۲۲ - اگر بواسطه عذري، مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لیبیک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند و اگر لباس احرام نپوشیده، بپوشد. و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند قربانی کند.

مسأله ۲۲۳ - اگر از روی علم و عمد اعمال عمره تمتع را بدون احرام صحیح انجام

صفحه

۷۹

دهد آن اعمال باطل است و در صورتی که امکان تدارک آنها با احرام صحیح نباشد نمی تواند حج تمتع بجآورد و اگر وظیفه او حجة الاسلام بوده حج بر او مستقر می شود.

مسأله ۲۲۴ - اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله احرام نیست یا احرامش را باطل انجام داد و با این وجود اعمال عمره تمتع را بجآورد چنانچه امکان تدارک آن اعمال را با احرام صحیح دارد باید با رعایت آنچه در مسأله ۱۶۷ گذشت محرم شود و اعمال را تدارک نماید و اگر امکان تدارک وجود ندارد عمره او صحیح است خواه بعد از عمره* (۱) متوجه شود یا در اثناء حج یا بعد از آن.

مسأله ۲۲۵ - اگر تلبیه احرام عمره تمتع را غلط بگوید حکم دو مسأله قبل را دارد.

«مستحبات احرام»

مسأله ۲۲۶ - مستحبات احرام چند چیز است (۲):

۱- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حیض و نفساء نیز صحیح است (۳) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب

۱ آیه الله فاضل: در این صورت نیز عمره او باطل است و باید حج افراد انجام دهد و این حج از حجة الاسلام کفایت می کند.

آیه الله خامنه ای: نظر معظم له در صحت عمره به دست نیامد.

۲ آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: پاره ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود.

۳ آیه الله بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی شود ولی اعاده آن شبیه به مستحب در مستحب است.

صفحه

۸۰

است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

4- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

5- لباس احرام سفید باشد.

6- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر (1) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَيَّ كِتَابِكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِّينِي عَلَيَّ مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي بَيْتِكَ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَنُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَيَّ كِتَابِكَ، وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يُحِبُّنِي، فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةَ فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.»

1 آیه الله بهجت، آیه الله فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء بعد از فریضه قضا محرم شود.

صفحه

۸۱

7- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أَوْدَى فِيهِ فَرْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَ عَيْنِي، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حَصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مُنْجَايَ وَ دُخْرِي وَ عَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.»

8- تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

هـ : وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حیض و نساء (1) نیز این تلبیه ها را بگویند. و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است (2).

«مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

1- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

2- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ.

1 آیه الله بهجت، آیه الله فاضل ... : و جنب.

2 آیه الله بهجت : و همچنین مستحب است بر مردان تلبیه را بلند بگویند.

صفحه

۸۲

3- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

4- احرام بستن در جامه راه راه (1).

5- استعمال حنا، (2) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

6- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

7- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

1 آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.

2 آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ های امروز نیست.

صفحه

۸۳

فصل سوّم: محرّمات احرام

«نگاه کردن در آینه»

مسأله ۲۲۷ - نگاه کردن در آینه، به جهت زینت، حرام است و به غیر این جهت اشکال ندارد*(1). و در این حکم تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۲۸ - نگاه کردن به آب صاف و اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، اشکال ندارد*(2).

مسأله ۲۲۹ - نگاه به اشیا از پشت شیشه اتاق یا عینک (3) و مانند آن مانعی ندارد و همچنین است نگاه در دوربین، حتی اگر در آن آینه باشد.

مسأله ۲۳۰ - بودن در مکانی که در آن آینه هست و می داند که گاهی سهواً نگاهش به آن می افتد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است که آن را بردارد یا چیزی رویش بیندازد.

1- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

2- آیه الله سیستانی: نگاه به اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، مثل نگاه در آینه است.

آیه الله خامنه ای: به قصد زینت جایز نیست.

3- حکم عینک زدن، در مسائل مربوط به حرمت زینت خواهد آمد.

صفحه

۸۴

مسأله ۲۳۱ - نگاه کردن در آینه (1) کفاره ندارد ولی مستحب است بعد از نگاه، لبیک بگوید.

«پوشیدن لباس دوخته برای مرد»

مسأله ۲۳۲ - جایز نیست پوشیدن لباسهای دوخته؛ مثل پیراهن و زیرجامه و شبیه به دوخته مانند لباس های بافتنی و نمدي.

مسأله ۲۳۳ - استفاده از فتق بند و کمر بند و بند ساعت و دمپایی دوخته مانعی ندارد و همینطور است همیانی که در آن پول می گذارند.

مسأله ۲۳۴ - اگر به لباس دوخته و مانند آن احتیاج پیدا کرد، جایز است بپوشد ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۵ - گره زدن لباس احرام و وصل کردن قسمتی از آن به قسمت دیگر با سوزن و سنجاق و سنگ گذاشتن و نخ بستن مانعی ندارد، مگر آن که ردا صدق نکند و همچنین نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزند(2).

مسأله ۲۳۶ - پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان، مانعی ندارد، جز دستکش که جایز نیست.

مسأله ۲۳۷ - جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و پتو و مانند آن از چیزهای دوخته تن خود را، جز سر بپوشاند.

مسأله ۲۳۸ - اگر با علم و عمد لباس دوخته و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۲۳۹ - اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مانند چند پیراهن (3) یا یک لباس را

1- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: کفاره اش استغفار است.

2- تفصیل نظر مراجع عظام در مسأله ۲۱۴ گذشت.

3- آیه الله فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله بپوشد یک کفاره کافی است).

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج یک کفاره کافی است.

صفحه

۸۵

چند بار بپوشد کفاره متعدّد می گردد.

مسأله ۲۴۰ - اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد بپوشد کفاره ساقط نمی شود(1).

مسأله ۲۴۱ - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و کت، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد حتی اگر آنها را داخل در هم کرده باشد و یکدفعه بپوشد(2).

«پوشاندن تمام روی پا برای مردان»

مسأله ۲۴۲ - پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن، که تمام روی پا را بپوشاند برای مرد جایز نیست اما پوشیدن دمپایی و مانند آن، که تمام روی پا را نمی پوشاند اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۳ - انداختن حوله احرام یا پتو روی پا؛ به طوری که پوشیدن آن به حساب نیاید اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۴ - اگر مرد از روی ناچاری چیزی بپوشد که تمام روی پا را می پوشاند، می تواند آن را بپوشد و شکاف دادن آن لازم نیست.

مسأله ۲۴۵ - پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره ندارد.

«پوشانیدن سر برای مرد»

مسئله ۲۴۶ - جایز نیست مرد سر خود را با چیزی بپوشاند حتی با مثل حنا و گل و غیر اینها ولی پوشانیدن با بعضی بدن خود؛ مثل دست‌ها، جایز است.

مسئله ۲۴۷ - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد که سر به وسیله آن پوشیده شود؛ مثل بار برای حمل.

1- آیه الله مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود .

2- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: نظر ایشان در پاورقی قبل گذشت.

صفحه

۸۶

مسئله ۲۴۸ - در حکم سر است بعضی سر، پس نباید بعضی سر را نیز بپوشاند. گوشها هم از سر محسوب می‌شود اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد.

مسئله ۲۴۹ - محرم می‌تواند برای سردرد، دستمال به سر ببندد و کفاره هم ندارد*(1).

مسئله ۲۵۰ - گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانعی ندارد. ولی پوشاندن سر موقع خوابیدن جایز نیست و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی بپوشانید واجب است آن را فوراً بردارد.

مسئله ۲۵۱ - اگر پارچه‌ای را روی چیزی ببندد بنحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند، مانعی ندارد و همینطور رفتن در پشه بند.

مسئله ۲۵۲ - اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله آن را خشک کند و بعضی سر در حکم همه آن است(2).

و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح ولو با دست خشک کند احتیاط جمع بین وضو با این حال و تیمم است(3).

مسئله ۲۵۳ - نباید محرم(4) سر خود را زیر آب فرو برد، حتی بعضی سر را(5) بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن هم فروبرد و لکن زیر دوش رفتن مانعی ندارد.

مسئله ۲۵۴ - اگر عمداً و با علم به مسئله سر یا بعضی(6) از آن را بپوشاند بنحوی از انحا ؛

1- آیات عظام گلپایگانی، بهجت و صافی: کفاره دارد.

2- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای، مکارم: خشک کردن به نحوی که سر پوشانده نشود اشکال ندارد (نظر این آقایان نسبت به بقیه مسئله همینجا معلوم شد).

آیه الله خوئی: فتوای معظم له در دست نیست.

3- آیه الله سیستانی: در این فرض می‌تواند با کنار حوله به مقدار مسح، سرش را خشک کند.

4- آیه الله مکارم: بو ظاهر کلام امام خمینی: این حکم مختص مردان است و شامل زنان نمی شود.

5- آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: فرو بردن بعض سر را زیر آب جایز است.

6- آیه الله فاضل و آیه الله خامنه ای: پوشاندن بعض سر کفاره ندارد. (آیه الله خامنه ای اضافه فرموده اند: مگر این که عرفاً صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند، بر سر بگذارد.

صفحه

۸۷

کفاره آن یک گوسفند است اما پوشاندن بعض سر کفاره ندارد.

مسئله ۲۵۵ - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و دوباره سر را پوشانید باید مجدداً کفاره بدهد (1) ولی اگر قبل از کفاره دادن چند بار سر را پوشانید کفاره متعدد نمی شود*(2).

مسئله ۲۵۶ - اگر محرم سر خود را با چیز دوخته ای که پوشیدنش موجب کفاره است (مثل کلاه) بپوشاند، باید دو کفاره بدهد (3) جز در صورت جهل و فراموشی.

مسئله ۲۵۷ - پوشانیدن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره دارد(4).

«پوشانیدن صورت برای زن»

مسئله ۲۵۸ - زن نباید روی خود را با نقاب و پوشیه و مانند اینها، حتی با بادبزن بپوشاند (5) و احتیاط واجب آن است که به چیزهای غیر متعارف مثل گل و دارو نیز نپوشاند.

مسئله ۲۵۹ - بعض صورت در حکم همه آن است بنابراین نباید آن را بپوشاند اما زیر چانه از صورت محسوب نمی شود(6).

1- امام خمینی: کفاره مجدد احتیاط مطلوبی است گرچه واجب نیست.

آیه الله سیستانی: بعید نیست کفایت یک کفاره.

2- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: کفاره متعدد می شود.

3- آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: ظاهراً کفاره متعدد نمی شود.

4- آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی و صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفاره استثنا نفرمودند.

آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: کفاره ندارد.

5- آیه الله بهجت: در غیرحال ضرورت؛ مانند تحفظ از مگس و مانند آن، درحال خوابیدن، اشکالی ندارد.

6- آیه الله خامنه ای: بر زنان حرام است پوشاندن صورت و مانند آن؛ به آنگونه که عادتاً برای حفظ حجاب انجام می دهند. اما پوشاندن گوشه هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن؛ به طوری که پوشاندن صورت صدق نکند مانع ندارد چه در نماز یا غیر آن.

آیه الله مکارم: پوشیدن بعض صورت؛ به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند اشکالی ندارد.

صفحه

۸۸

مسئله ۲۶۰ - زن می تواند کمی از اطراف صورت را مقدماً برای پوشش واجب نماز بپوشاند، لکن بعد از فراغ از نماز باید آن را فوراً باز کند(1).

مسئله ۲۶۱ - گذاردن دست بر روی صورت و همچنین گذاشتن صورت بر بالش و پوشاندن صورت هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۲ - خشک کردن صورت با حوله و پارچه اگر تدریجاً و به نحوی باشد که صورت پوشیده نشود مانعی ندارد*(2).

مسئله ۲۶۳ - زن باید مواظب باشد که هنگام پوشیدن و یا در آوردن مقنعه و مانند آن صورتش پوشیده نشود. (3) لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی ندارد.

مسئله ۲۶۴ - جایز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر انداخته پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه و بلکه در صورت احتیاج تا گردن، چیزی بر او نیست(4).

مسئله ۲۶۵ - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می اندازد با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد تا به صورت نچسبد*(5).

مسئله ۲۶۶ - در پوشاندن صورت، به هر نحو که باشد، کفاره نیست*(6).

1- نظر آیه الله خامنه ای و آیه الله مکارم از پاورقی مسئله قبل روشن می شود.

2- آیات عظام خوئی، تبریزی و فاضل: زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

آیه الله خامنه ای: اگر حوله را روی همه صورت بیندازد، اشکال دارد والا مانع ندارد.

3- آیه الله مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد.

4- آیه الله گلپایگانی: متعرض فرع اخیر نشده اند.

5- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: باید با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد.

6- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

صفحه

۸۹

«استفاده از بوی خوش»

مسأله ۲۶۷ - استعمال عطرها مانند مشک، عود، عنبر و زعفران جایز نیست (1). چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد، گرچه قبلاً عطر به آن مالیده شده باشد.

مسأله ۲۶۸ - اگر در غذا و مانند آن چیز خوش بویی مانند زعفران باشد خوردن آن جایز نیست.

مسأله ۲۶۹ - بوییدن چیزهای خوش بو حرام است و چنانچه ناچار به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد گردد، باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۲۷۰ - اجتناب از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهد لازم است مگر بعضی انواع صحرائی؛ مانند بومادران، درمنه و خزامی که می گویند خوش بوترین گلها است (2).

مسأله ۲۷۱ - اجتناب از میوه های خوش بو؛ مانند سیب و به، لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد (گرچه احتیاط ترک آن است).

مسأله ۲۷۲ - بر محرم لازم نیست از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند.

مسأله ۲۷۳ - گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی فرار کردن از آن به تند رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۴ - خرید و فروش عطرها اشکال ندارد ولی نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال نماید.

مسأله ۲۷۵ - استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان، اگر صدق بوی خوش کند،

1- آیه الله تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استحبابی است (از اینجا نظر ایشان در مسائل بعدی روشن می شود).

2- آیه الله مکارم: البته سبزی هایی مانند ریحان و نعناع اشکالی ندارد.

صفحه

۹۰

جایز نیست. (1)

مسأله ۲۷۶ - کفاره خوردن چیزی که در آن بوی خوش به کار رفته، در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است.

«سرمه کشیدن»

مسأله ۲۷۷ - سرمه سیاه کشیدن اگر برای زینت باشد، حرام است هر چند قصد زینت نکند.

مسأله ۲۷۸ - سرمه غیر سیاه کشیدن، اگر زینت حساب شود حرام است هر چند قصد زینت نکند (2).

مسأله ۲۷۹ - اگر سرمه بکشد به چیزی که بوی خوش داشته باشد داخل در مسأله استعمال بوی خوش می شود که حکم آن گذشت.

مسأله ۲۸۰ - در حرمت سرمه کشیدن، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۲۸۱ - سرمه کشیدن به چیزی که در آن بوی خوش (3) نباشد کفاره ندارد.

مسأله ۲۸۲ - سرمه کشیدن در صورتی که ناچار باشد اشکال ندارد.

«زینت کردن»

مسأله ۲۸۳ - محرم باید از هر چیزی که زینت حساب می شود اجتناب کند، هر چند قصد (4) او زینت نباشد.

مسأله ۲۸۴ - انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست اما برای استحباب یا غرض دیگر مانعی ندارد*(5).

1- آیه الله تبریزی: بلکه جایز است.

2- آیات عظام: خوئی، تبریزی، بهجت: اگر قصد زینت نکند جایز است.

3- آیه الله فاضل: یا بوی خوش آن هنگام سرمه کشیدن قابل استشمام نباشد.

4- آیه الله فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد مانعی ندارد.

5- آیه الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

صفحه

۹۱

مسأله ۲۸۵ - حنا بستن در حال احرام، اگر زینت حساب شود، جایز نیست ولو قصد زینت نداشته باشد و در غیر این صورت مانعی ندارد و همینطور حنا بستن قبل از احرام مانع ندارد هر چند به قصد زینت باشد و اثرش تا زمان احرام باقی بماند.

مسأله ۲۸۶ - عینک زدن اگر (1) زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست (2).

مسأله ۲۸۷ - پوشیدن زیور برای زن محرم به جهت زینت حرام است بلکه اگر زینت باشد حرمت آن بدون قصد زینت نیز خالی از قوت نیست (3).

مسأله ۲۸۸ - زیورهایی را که زن عادت به پوشیدن آن قبل از احرام داشته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد. (4) ولی (5) نباید آنها را به مرد (6) نشان دهد حتی به شوهر خود.

«روغن مالیدن»

مسأله ۲۸۹ - مالیدن روغن و پماد چرب (7) حرام است، اگر چه بوی خوش نداشته باشد.

مسأله ۲۹۰ - اگر در روغن بوی خوش باشد، چنانچه بوی خوش آن تا وقت احرام باقی بماند قبل از احرام نیز نباید استعمال کند.

مسأله ۲۹۱ - روغن مالیدن به جهت ضرورت و احتیاج عیبی ندارد (8).

- 1- آية الله بهجت: اگر به قصد زینت نباشد، بنا بر اقوي عیبي ندارد.
- 2- آية الله فاضل: در صورتی که به قصد زینت استفاده کند.
- 3- آية الله فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است.
- 4- آية الله فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد.
- 5- آية الله مکارم: باید آنها را بپوشاند.
- 6- آية الله سیستانی: بنا بر احتیاط مستحب آنها را برای مَحَرَم خود هم ظاهر نسازد.
- 7- آية الله مکارم: بلکه مطلقاً حرام است ولو چرب نباشد.
- 8- آية الله سیستانی: محرم می تواند روغنی که بوی خوش ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوش بو است یا بوی خوش در آن است.

صفحه

۹۲

- مسأله ۲۹۲ - خوردن روغنی که در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد مانعی ندارد.
- مسأله ۲۹۳ - اگر در روغن بوی خوش نباشد مالیدن آن کفاره ندارد و اگر در آن بوی خوش باشد (1) کفاره اش یک گوسفند است هر چند از روی اضطرار باشد(2).
- «گرفتن ناخن»
- مسأله ۲۹۴ - جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد حتی بعض آن را و فرقی نیست با ناخن ناخن باشد یا هر وسیله دیگر بلکه زائل کردن ناخن با دندان یا سوهان نیز جایز نیست.
- مسأله ۲۹۵ - گرفتن ناخن دیگری عیبي ندارد گر چه دیگری نیز محرم باشد بنا بر این محرم می تواند ناخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.
- مسأله ۲۹۶ - اگر بقای ناخن موجب اذیت و آزار باشد مثل اینکه بعض آن جدا شده و بعض دیگر مانده و موجب ناراحتی می شود گرفتن آن جایز است لکن باید (3) کفاره بدهد.
- مسأله ۲۹۷ - برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همینطور است در ناخن های پا.
- مسأله ۲۹۸ - اگر تمام ناخن های دست ها و پاها را در یک مجلس بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد.
- مسأله ۲۹۹ - اگر تمام ناخن های دست را در یک یا چند مجلس بگیرد و در مجلس دیگر یا چند مجلس دیگر تمام ناخن پاها را بگیرد باید دو گوسفند کفاره بدهد.
- مسأله ۳۰۰ - اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده تا بگیرد یک

1- آية الله خامنه اي: اگر روغن را معطر کرده باشند مانند کرمهای معطر و امثال آن بعید نیست که کفاره نداشته باشد.

2- آیه الله فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

3- آیه الله فاضل: می تواند برای هر ناخن یک کف طعام بدهد.

صفحه

۹۳

گوسفند برای ناخن دستها و برای هر یک از ناخن های پا یک مد طعام بدهد و همچنین است اگر تمام ناخن پاهای را بگیرد و ناخن دست ها را کمتر از ده ناخن بگیرد. (1)

مسئله ۳۰۱ - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و همه آنها را گرفت برای هر ناخن یک مد طعام بدهد. (2).

«زائل کردن مو»

مسئله ۳۰۲ - بر محرم حرام است زائل کردن موی خود یا دیگری هر چند دیگری محرم نباشد و در این حکم فرقی نیست میان موی کم و زیاد بلکه (3) زایل کردن بعضی از یک مو نیز حرام است.

مسئله ۳۰۳ - در ازاله مو، فرقی میان تراشیدن یا کندن یا قیچی کردن یا استفاده از موبر نیست، همانطور که فرقی میان اعضای بدن نیست.

مسئله ۳۰۴ - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد جایز است مثل مویی که چشم را اذیت می کند.

مسئله ۳۰۵ - اگر در وقت غسل یا وضو یا تطهیر، (4) مویی بدون قصد کندن شود اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

مسئله ۳۰۶ - کفاره زایل کردن موی سر، به جهت ضرورت، دوازده (5) مد طعام است

1- آیه الله فاضل: در هر دو فرض غیر از گوسفند کفاره ای ثابت نیست.

2- آیه الله فاضل: برای مجموع ناخن ها یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خوئی متعرض این فرع نشده اند.

3- آیه الله مکارم: این مقدار حرام نیست.

4- آیه الله خامنه ای، آیه الله سیستانی: یا تیمم (آیه الله سیستانی اضافه فرموده اند: یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن).

5- آیه الله بهجت و آیه الله گلپایگانی: اطعام ده مسکین به هر کدام یک مد داده شود. (آیه الله بهجت اضافه فرموده اند: بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند بدهد، اگرچه بیش از یک مد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشباع است).

صفحه

۹۴

که باید به شش مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و یک مد تقریباً ده سیر است.

مسئله ۳۰۷ - كفاره زایل كردن موي سر، بدون ضرورت، يك گوسفند است (1).

مسئله ۳۰۸ - كفاره ازاله موي زیر هر دو بغل یا يك بغل يك گوسفند است (2).

مسئله ۳۰۹ - ازاله مو از دیگری، محرم باشد یا غیر محرم، حرام است لکن كفاره ندارد (3).

مسئله ۳۱۰ - اگر عمداً به سر یا ریش خود دست کشید و يك مو یا بیشتر افتاد، باید يك كف طعام صدقه بدهد (4). هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد و حکم جدا شدن مو در موقع وضو و مانند آن گذشت.

«سایه قرار دادن (برای مردان)»

مسئله ۳۱۱ - سایه قرار دادن بر سر، برای مردان جایز نیست ولی برای زنان و کودکان اشکالی ندارد.

مسئله ۳۱۲ - حرمت سایه قرار دادن بالای سر، مختص به زمان طی مسافت است. پس در حالیکه در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن و با چتر و مانند آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد. بنابراین، مانعی ندارد در منا از چادر تا محلی که رمی جمرات را انجام می دهد با چتر برود و نیز جایز است. بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله های جدید مکه برای رفت و آمد به مسجد الحرام در ماشین های سقف دار سوار شود یا زیر سایه برود.

1- آیه الله بهجت: حکم آن مانند مسئله قبل است.

2- آیه الله بهجت: كفاره ازاله موي يك بغل آن است که سه مسکین را اطعام دهد.

3- امام خمینی: ظاهر کلام ایشان این است که فرقی میان ازاله مو از خود یا دیگری، در لزوم كفاره نیست.

4- آیه الله خامنه ای: این كفاره گر چه مطابق احتیاط است و لکن وجوبش معلوم نیست.

صفحه

۹۵

مسئله ۳۱۳ - قرار گرفتن در سایه چیزی که بالای سر نباشد؛ مانند دیواره اتومبیل، مانعی ندارد* (1).

مسئله ۳۱۴ - در حرمت زیر سقف رفتن، تفاوتی میان سواره و پیاده نیست.

مسئله ۳۱۵ - حکم مزبور اختصاص دارد به سایه متحرکی که با انسان حرکت می کند؛ مثل چتر و سقف ماشین و مانند آن و شامل سایه های ثابت مانند پلها (2) و تونلها و پمپ بنزین نمی شود لذا عبور از زیر آنها اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۶ - نشستن در زیر سقف، در حال طی منزل در شب و بین الطلوعین اشکال ندارد* (3). بنابراین جایز است نشستن محرم در ماشینی که سقف دارد و شب حرکت می کند.

مسئله ۳۱۷ - نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است. می تواند سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود.

مسئله ۳۱۸ - کسانی که در مسجد الحرام برای حج محرم می شوند تا عرفاً در منزل و

1- آیه الله خوئی: اظهر حرمت است.

2- آیات عظام امام خمینی و صافی: زیر سایه ثابت رفتن هم جایز نیست ولی اگر ماشین از زیر پل یا تونل عبور کند و بناچار محرمین از زیر پلها عبور کنند. و یا در محل پمپ بنزین متوقف شوند اشکال ندارد.

3- آیه الله مکارم: مگر در شب های بارانی که باید کفاره بدهد.

آیه الله خوئی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد است پس اگر هیچ یک از آنها نباشد به طوری که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین شب و روز نیست.

آیه الله سیستانی: در شبهای بارانی باید کفاره بدهد.

صفحه

۹۶

مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال کنند(1).

مسئله ۳۱۹ - سایه قرار دادن به غیر سر، مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد.

مسئله ۳۲۰ - محرم به محض رسیدن به مکه می تواند استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد.

مسئله ۳۲۱ - سایه قرار دادن برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی اشکالی ندارد ولی کفاره ساقط نمی شود.

مسئله ۳۲۲ - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

مسئله ۳۲۳ - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل، یک گوسفند است؛ چه با عذر سایه قرار داده یا بدون عذر.

مسئله ۳۲۴ - اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسئله، سوار اتومبیل سقف دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد کفاره ندارد ولی اگر در حال حرکت متوجه شد برای مقداری که تا زمان ایستادن اتومبیل بناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد(2).

«عقد کردن»

مسئله ۳۲۵ - ازدواج در حال احرام جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت و در این حال اگر عقد بخواند عقد او باطل است. همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد.

مسئله ۳۲۶ - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به محرم بودن، آن زن بر او حرام ابدی می شود.

1- آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشند.

2- آیه الله مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد.

مسئله ۳۲۷ - اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است. و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرقی نیست بین آن که زن و عاقد محلّ باشند یا محرم و اگر بعضی از آنها عالم باشند و بعضی جاهل بر عالم کفاره است.

مسئله ۳۲۸ - جایز نیست محرم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند ولی جایز است * (1) برای انجام عقد ازدواج شهادت دهد.

مسئله ۳۲۹ - اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم بوده، موجب حرمت ابدی نیز می شود.

مسئله ۳۳۰ - خواستگاری در حال احرام جایز است، گرچه احتیاط استحبابی در ترک آن است.

مسئله ۳۳۱ - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانعی ندارد.

«نگاه کردن به همسر از روی شهوت»

مسئله ۳۳۲ - جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند (2).

مسئله ۳۳۳ - اگر محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود کفاره اش یک شتر است ولی اگر منی خارج نشود (3) یا از روی شهوت نگاه نکند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسئله ۳۳۴ - اگر محرم به زن اجنبی نگاه کند (4) و منی از او خارج شود کفاره اش یک شتر است اگر متمول باشد و اگر متوسط الحال باشد یک گاو بدهد و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

1- آیات عظام: گلپایگانی، صافی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

2- آیه الله سیستانی: در صورتی که موجب خروج منی شود.

3- آیه الله مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند یک گوسفند کفاره دارد.

4- آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: در صورتی که نگاه او حرام باشد.

«لمس کردن»

مسئله ۳۳۵ - محرم نمی تواند زن خود را با شهوت لمس کند و کفاره اش یک گوسفند * (1) است اگر چه منی از او خارج نشود.

مسئله ۳۳۶ - اگر محرم با زن خود ملاحظه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد.

«بوسیدن زن»

مسئله ۳۳۷ - جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه بوسید لازم است یک شتر کفاره بدهد (2). و اگر از روی شهوت نباشد کفاره اش یک گوسفند است (3).

مسئله ۳۳۸ - شخص محلّ می تواند (4) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

«جماع کردن»

نزدیکی با زن در حال احرام حرام است.

مسئله ۳۳۹ - اگر کسی در حال احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن، چه در قبل و چه در دبر جماع کند (5) عمره و حجش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد، *ولی باید

1- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: کفاره، در صورت خروج منی، یک شتر است.

2- آیات عظام: تبریزی، فاضل، سیستانی: اگر منی خارج نشود کفاره اش یک گوسفند است.

3- آیه الله فاضل: بوسیدن بدون شهوت حرام نیست و کفاره هم ندارد - آیه الله گلپایگانی: بوسیدن حتی بدون شهوت یک شتر کفاره دارد.

4- آیه الله سیستانی: جایز نیست.

5- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت: اگر قبل از سعی باشد عمره اش باطل است و لکن باید عمره را تمام کند و دوباره اعاده نماید. (لزوم اتمام به نظر آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی احتیاطی است) و اگر وقت (برای اعاده) تنگ باشد حج او مبدل به افراد می شود و باید بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده.

صفحه

۹۹

کفاره بپردازد و کفاره اش یک شتر است* (1).

مسئله ۳۴۰ - اگر در احرام حج، قبل از وقوف در مشعر الحرام از روی علم و عمد جماع نماید باید حجش را تمام کند و در سال بعد دوباره حج بجا آورد، اگر چه حجش مستحبی بوده است و نیز باید یک شتر کفاره بدهد و در صورت عجز از شتر یک گوسفند کافی است. (2)

مسئله ۳۴۱ - اگر این عمل بعد از وقوف به مشعر الحرام باشد لازم نیست دوباره حج بجا آورد لکن باید همان کفاره را بدهد. مگر این که این عمل بعد از شوط پنجم طواف نساء (3) باشد که در این صورت کفاره نیز ندارد اگر چه گناه کرده است.

مسئله ۳۴۲ - در احکام مذکور فرقی میان زن و مرد نیست مگر آنکه مرد زن را مجبور به جماع کرده باشد که در این صورت بر زن چیزی نیست و کفاره او بر مرد است.

مسأله ۳۴۳ - اگر کسی از روی علم و عمد در عمره مفرده جماع نماید (4) باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند (5) یک گوسفند کافی است و چنانچه این عمل پیش از سعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری (6) بعد در مکه بماند سپس به یکی از مواقیع

1- آیه الله تبریزی و آیه الله فاضل: یک گوسفند کافی است.

آیه الله خوئی: اگر متوسط الحال باشد و نتواند شتر تهیه کند یک گاو و اگر معسر باشد و نتواند گاو تهیه کند یک گوسفند کافی است.

2- آیه الله بهجت: در فرض عجز از شتر یک گاو و در صورت عجز از گاو یک گوسفند کافی است.

آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، صافی، گلپایگانی برای کفاره یک شتر ذکر کرده اند و فرض عجز را ذکر نکرده اند.

3- بعضی از فقها بعد از شوط سوم و بعضی دیگر بعد از شوط چهارم کفاره را واجب نمی دانند.

4- آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، گلپایگانی، صافی متذکر این مسأله نشده اند.

5- آیه الله بهجت: اگر نمی تواند یک گاو و اگر نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله فاضل و آیه الله مکارم متعرض فرض عجز از شتر نشده اند.

6- آیه الله بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمری بعد از قید نفرموده اند.

صفحه

۱۰۰

پنجگانه رفته (1) و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره اش صحیح است.

«استمنا»

مسأله ۳۴۴ - استمنا با عضو تناسلی حرام و حکم آن از نظر کفاره و لزوم تکرار حج و عمره حکم جماع است.

مسأله ۳۴۵ - اگر استمنا به وسیله بازی کردن یا بوسیدن یا نگاه یا لمس یا فکر و خیال چنین صحنه هایی باشد و منی خارج شود حرام است و کفاره (2) دارد (3). ولی تکرار حج و عمره لازم نیست.

«کندن دندان»

مسأله ۳۴۶ - کندن دندان اگر موجب خون آمدن شود جایز نیست (4). و بدون خونریزی مانعی ندارد* (5).

مسأله ۳۴۷ - کندن دندان دیگری گر چه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد.

مسأله ۳۴۸ - کندن دندان کفاره ندارد.

1- آیه الله فاضل: محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی از مواقیت معروفه محرم شده همانجاست و الا از ادنی الحل کافی است.

آیه الله مکارم و آیه الله بهجت: و برای اعاده عمره، رفتن به ادنی الحل کفایت می کند.

2- آیه الله سیستانی: کفاره استمنا در این فرض همان کفاره بوسیدن زن و دست زدن و ملاعبه و نگاه کردن است که گذشت.

3- آیه الله سیستانی: با فکر و خیال و نحو آن باشد کفاره لازم نیست.

4- آیات عظام خوئی، سیستانی و تبریزی: جایز است.

آیه الله مکارم: مکروه است.

5- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: بر محرم حرام است دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

صفحه

۱۰۱

«بیرون آوردن خون از بدن خود»

مسأله ۳۴۹ - بیرون آوردن خون از بدن خود برای محرم حرام است (1). همچنین جایز نیست به مثل خاراندن بدن و مسواک نمودن (2) خون بیرون آورد.

مسأله ۳۵۰ - بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حمامت کردن او یا دندان او را کشیدن، حرام نیست.

مسأله ۳۵۱ - خون در آوردن از بدن در موارد ضرورت یا رفع ناراحتی؛ مثل حمامت برای درمان یا تزریقات یا بیرون آوردن خون دُمَل مانعی ندارد.

مسأله ۳۵۲ - خون در آوردن از بدن کفاره ندارد.

«جدال: یعنی گفتن «لا والله» و «بلی والله»»

مسأله ۳۵۳ - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد (3). بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است (4).

مسأله ۳۵۴ - قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی (5) جدال است. و اما قسم به غیر خدا به هر کس که باشد جدال نیست.

مسأله ۳۵۵ - قسم خوردن به سایر اسماء الله مثل رحمن و رحیم جدال محرم محسوب می شود (6).

1- آیه الله مکارم: مکروه است.

2- آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مساواک کردن عیبی ندارد گر چه بدانند خون خارج می شود.

3- آیه الله فاضل: ظاهراً در جدال محرّم لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

4- سیستانی: به گفته بعضی از فقهاء جدال با قسم راست محقق نمی شود مگر این که سه بار پی در پی باشد و این گفته خالی از وجه نیست گر چه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

5- آیه الله فاضل: مرادف «الله» به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی باشد.

6- آیه الله بهجت: جدال محسوب نمی شود.

صفحه

۱۰۲

مسأله ۳۵۶ - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی قسم خوردن جایز است (1).

مسأله ۳۵۷ - اگر مراد قسم خوردن نباشد بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد مثل اینکه بگوید (تو را به خدا زحمت نکشید) اشکال ندارد.

مسأله ۳۵۸ - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست ولی باید استغفار کند و در سه مرتبه یا بیشتر (2) یک گوسفند کفاره بدهد مگر اینکه بعد از سه مرتبه کفاره داده باشد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد (3).

مسأله ۳۵۹ - اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد در همان مرتبه اول یک گوسفند کفاره بدهد و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر بدهد (4).

مسأله ۳۶۰ - اگر یکبار قسم دروغ خورد و کفاره داد سپس دوباره قسم دروغ خورد بعید نیست (5) کفاره آن یک گوسفند باشد (6).

1- آیه الله سیستانی: از حرمت جدال استثنا می شود موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلف باشد؛ مثلاً حق او را پایمال کنند.

2- آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی باشد و الا کفاره ندارد.

آیه الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

3- آیه الله سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی جدال بکند و پس از فاصله سه مرتبه دیگر یا بیشتر پی در پی جدال بکند برای هر سه مرتبه پی در پی یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خوئی: در جدال راست از مرتبه سوم به بعد هر بار که جدال می کند یک گوسفند باید بدهد (معتمد جلد ۴، ۱۱۷)

4- آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی: در دومرتبه دو گوسفند و در سه مرتبه دروغ یک گاو بدهد.

آیه الله بهجت: در سه مرتبه تخیر بین گاو و شتر خالی از وجه نیست.

5- آیه الله مکارم: بعید است.

6- آیه الله فاضل: کفاره آن یک گاو است.

نظر آیه الله گلپایگانی در این مسأله و مسأله بعد در دست نیست.

صفحه

۱۰۳

مسأله ۳۶۱ - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و کفاره آن را داد و بعد یک مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد (1) ظاهراً یک گوسفند کافی است (2) و اگر بعد از ذبح کفاره دو مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد کفاره دو مرتبه جدال کردن را دارد که گذشت (3).

«فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن)»

مسأله ۳۶۲ - دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است ولی در حال احرام بخصوص نهی شده است و همچنین محرم باید از فخر کردن به دیگران اجتناب نماید (4).

مسأله ۳۶۳ - فسوق کفاره ندارد ولی باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره دهد و بهتر است گاو ذبح کند.

«کشتن جانوران و حشرات»

مسأله ۳۶۴ - کشتن حشرات مانند پشه و مگس و شپش و امثال آن جایز نیست بلکه جایز نیست هیچ جنبنده ای را به قتل برساند (5).

مسأله ۳۶۵ - کشتن مگس و پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند مانعی ندارد.

1- آیه الله خوئی: در جدال دروغ از مرتبه سوّم به بعد برای هر بار یک گاو باید بدهد و فرقی نمی کند که بین آن کفاره داده باشد یا نه (معمتد جلد ۴، ص ۱۱۷).

2- آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره آن شتر باشد.

3- آیه الله فاضل: بعید نیست کفاره آن دو شتر باشد.

آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

4- آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی، بهجت: فخر کردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست.

5- امام خمینی و آیه الله فاضل: کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران از محرمات احرام محسوب نمی شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه مایه آزار او شوند، یا حیوانات مودّی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشد.

صفحه

۱۰۴

مسأله ۳۶۶ - انداختن شپش و کک و نقل آنها از مکانی که محفوظ است به جای دیگری از بدن که ساقط شود و بیفتد یا به محلی که در معرض افتادن است جایز نیست و اما نقل آنها به محل دیگری از بدن که در معرض افتادن نیست جایز است*(1).

مسأله ۳۶۷ - بعید نیست در کشتن یا نقل این حشرات کفاره نباشد، ولی احتیاط آن است که یک کف از طعام صدقه بدهد، بلکه در قتل زنبور باید چیزی از طعام صدقه بدهد(2).

«شکار کردن حیوانات صحرائی»

مسأله ۳۶۸ - شکار کردن حیوانی که در اصل وحشی است، هر چند فعلاً اهلی شده باشد، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت و همینطور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن حرام است.

مسأله ۳۶۹ - جایز نیست شکار کردن و کشتن حیوانات وحشی مگر در صورت ترس از آزار آنها.

مسأله ۳۷۰ - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسأله ۳۷۱ - نشان دادن شکار به شکار کننده و هر گونه کمک دیگر به او نیز از محرمات احرام است.

مسأله ۳۷۲ - احکام مذکور شامل حیوان دریایی، مانند ماهی نیست.

مسأله ۳۷۳ - ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

۱ آیات عظام خوئی، تبریزی: به طور مطلق فرموده اند نقل آنها اشکالی ندارد.

آیات عظام گلپایگانی، صافی: نباید آنها را از محلی به محل دیگر از بدن نقل داد اگر مکان او محفوظ تر باشد.

۲ کفاره قتل زنبور را فقط آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی متعرض شده اند.

صفحه

۱۰۵

مسأله ۳۷۴ - پرندگان، جزو شکار صحرائی هستند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

مسأله ۳۷۵ - کشتن ملخ برای محرم جایز نیست، بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می تواند راه خود را تغییر دهد و اگر نمی تواند باید مواظب باشد ملخ ها را پایمال ننماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۶ - هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است.

مسأله ۳۷۷ - نگهداشتن صیدی که با خود آورده، حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

«سلاح در برداشتن»

مسأله ۳۷۸ - در برداشتن سلاح مثل شمشیر و تفنگ و مانند آنها، از وسایل جنگی، جایز نیست مگر برای ضرورت.

«بعضی از محرمات حرم الهی»

مسئله ۳۷۹ - کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روبیده، جایز نیست حتی برای غیر محرم، مگر درخت های میوه و درخت خرما (1) و گیاه اذخر که گیاه معروفی است (حکم درخت ها و گیاهانی که در منزل شخصی است، نظر به این که مورد حاجت حجاج سایر کشورها نیست ذکر نشد).

مسئله ۳۸۰ - اگر به طور متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکال ندارد.

مسئله ۳۸۱ - اگر درختی را که کندنش جایز نیست از بیخ بکند کفاره اش قیمت همان

1- آیه الله فاضل: میوه ها و شاخه هایی از آن ها را که در کیفیت و کمیت میوه تأثیر می گذارد می تواند قطع کند اما خود آنها را نمی تواند قطع کند.

آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشند خالی از اشکال نیست.

صفحه

۱۰۶

درخت است و اگر مقداری از آن را قطع کند کفاره اش قیمت همان مقدار است.

مسئله ۳۸۲ - در قطع گیاهان کفاره نیست بجز استغفار.

مسئله ۳۸۳ - شکار کردن حیوان صحرائی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست.

«ارتکاب محرمات احرام به جهت جهل یا فراموشی»

مسئله ۳۸۴ - کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام، با علم و عمد انجام شود ولی اگر به جهت جهل به مسئله یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

1- صید که در هر صورت کفاره دارد.

2- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و با زن نزدیکی نموده چنانچه در مسئله ۸۳۸ می آید.

3- کسی که در عمره تمتع مقداری از سعی را فراموش کند و به تصور این که سعی او تمام شده برای تقصیر ناخن بگیرد یا جماع نماید (تفصیل این حکم و نظر آیات عظام در مسئله ۶۰۷ می آید)

4- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد (1).

«مستحبات ورود به حرم»

1- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت ورود به حرم، غسل نماید.

2- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق - جلّ و علا - پابرنه شده و کفش های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

3- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ { وَأَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً

. 1 نظر آیات عظام در محرّمات احرام، زائل کردن مو، گذشت.

صفحه

۱۰۷

وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ { اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَقَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَعِي بِذَلِكَ الرَّزْقَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارَ وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. »

4- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام اذخر گرفته و بجود.

«مستحبات ورود به مکه معظمه»

مسأله ۳۸۵ - برای ورود به مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می رود، از بالای مکه وارد شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

«آداب ورود به مسجدالحرام»

مسأله ۳۸۶ - مستحب است مکلف برای ورود به مسجدالحرام غسل نماید (1). و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بني شيبه» وارد شود و گفته اند که باب بني شيبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أُنْبِيَاءَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

. 1 آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد.

صفحه

۱۰۸

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

مسأله ۳۸۹ - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد (1) احرامش نیز باطل می شود و باید در سال بعد حج واجب خود را اعاده نماید و لازم نیست در این سال حج افراد و عمره مفرده بجا آورد. هر چند موافق احتیاط است*.

کسی که جهلاً طواف عمره را ترک کند تا وقت آن فوت شود باید یک شتر

. 1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله بهجت: حج او مبدل به افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.

صفحه

۱۱۰

قربانی کند. (1)

مسأله ۳۹۰ - وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند (2).

مسأله ۳۹۱ - اگر سهواً طواف را ترک نماید لازم است آن را انجام دهد هر وقت که باشد (3) و اگر به وطن خود برگشته و نتواند به مکه بازگردد یا مشقت داشته باشد باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد و در این صورت اگر با زن نزدیکی کرده باید یک گوسفند در مکه قربانی کند.

مسأله ۳۹۲ - در فرض سابق باید بعد از انجام طواف سعی را اعاده نماید (4) مگر این که بعد از گذشتن وقت عمره متذکر شود که در این صورت اعاده سعی لازم نیست.

مسأله ۳۹۳ - اگر طواف عمره را فراموش کند یا ناقص انجام دهد و بعد از وقت و در اثناء اعمال حج متوجه شود واجب نیست فوراً آن را تدارک کند بلکه می تواند بعد از اعمال منی آنرا تدارک کند.

مسأله ۳۹۴ - اگر کسی طواف عمره تمتع را فراموش نماید و بعد از وقت آن متوجه شود (5) می تواند آنرا در غیر ماه های حج قضا نماید.

مسأله ۳۹۵ - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده، باید رها کند و طواف نماید و پس از آن سعی را اعاده کند.

. 1 آیات عظام تبریزی، خوئی، مکارم: لازم نیست.

. 2 آیه الله بهجت: میزان در تنگی وقت... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است.

آیات عظام: تبریزی، خوئی، فاضل: یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف - مسمای وقوف اختیاری - به عرفات برساند.

آیه الله سیستانی: آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

. 3 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضا کند.

. 4 آیه الله مکارم: اگر بعد از سعی متذکر شود اعاده سعی لازم نیست.

5 آیات عظام: سیستانی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اگر بعد از ذی الحجه متوجه شود.

صفحه

۱۱۱

مسأله ۳۹۶ - اگر محرم به واسطه بیماری یا پیری نتواند طواف کند و تا وقت تنگ شود توانایی پیدا نکند باید خود او را طواف دهند (1) هر چند با به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نائب بگیرند.

مسأله ۳۹۷ - شرائط و احکام طواف باید در بیمار و پیری که او را طواف می دهند تا جایی که ممکن است رعایت شود.

مسأله ۳۹۸ - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و حتی بدون لیکن بهتر است میانه روی را مراعات کند.

مسأله ۳۹۹ - در طواف لازم نیست پیاده طواف نماید بنابراین می تواند سوار بر صندلی چرخدار طواف نماید به شرط آنکه اگر معذور نیست خودش آنرا حرکت دهد.

«شرائط طواف»

اول: نیت

دوم: طهارت

سوم: مختون بودن

چهارم: ستر عورت

پنجم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

ششم: بودن کعبه در طرف چپ طواف کننده.

هفتم: داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

هشتم: رعایت محدوده طواف

نهم: طواف نکردن روی شاذروان

دهم: موالات.

یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

1 [آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی، به طوری که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او را به دوش گرفته یا با چیز دیگر طواف دهند و اگر ممکن نشود نائب بگیرند.]

صفحه

۱۱۲

«اول: نیت»

یعنی انجام طواف برای خداوند متعال با قصد خالص

مسئله ۴۰۰ - در طواف باید تعیین کند که برای عمره است یا حج و یا طواف مستحب است و قصد نیابت کند اگر طوافش نیابتی است.

مسئله ۴۰۱ - به زبان آوردن نیت و گذراندن آن به قلب لازم نیست بلکه همین که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد پس همان طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده.

مسئله ۴۰۲ - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند، یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن باشد علاوه بر معصیت طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است.

مسئله ۴۰۳ - اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگر را هم دخالت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

مسئله ۴۰۴ - ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود.

مسئله ۴۰۵ - در صحیح بودن عمل کافی است آن را برای خدا بیاورد یا اطاعت امر او یا ترس از جهنم یا رسیدن به بهشت و ثواب(1).

«دوم: طهارت»

یعنی طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر به اینکه با وضو باشد و همین طور پاک بودن لباس و بدن.

مسئله ۴۰۶ - در طواف واجب طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر شرط است چه

1 آیه الله سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود.

صفحه

۱۱۳

طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسئله ۴۰۷ - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست*(1) لیکن کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً (2) طواف مستحب کرد صحیح است.

مسئله ۴۰۸ - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسئله باشد.

مسئله ۴۰۹ - کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره ای هست می‌تواند برای طواف و نماز آن به همان اکتفا کند.

مسأله ۴۱۰ - اگر از انجام طواف واجب با وضو یا غسل، معذور باشد باید بدل از وضو یا غسل تیمم کند.

مسأله ۴۱۱ - کسی که فعلاً از وضو یا غسل معذور است اگر بداند که عذرش برطرف می شود و می تواند طواف را با وضو یا غسل بجآورد باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا از برطرف شدن آن مأیوس شود. و اگر احتمال می دهد عذرش تا آخر باقی باشد لازم نیست*(3) صبر کند و می تواند به تیمم اکتفا نماید ولی اگر بعداً معلوم شود که می تواند با وضو یا غسل طواف را در وقت بجآورد باید آن را اعاده کند.

مسأله ۴۱۲ - اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید طهارت تحصیل کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط

1 آیه الله تبریزی: طهارت از مثل حدث جنابت و حیض و نفاس لازم است.

2 آیه الله فاضل: یا جهلاً.

3 آیه الله سیستانی: در این فرض نیز باید صبر کند مگر این که احتمال بدهد که اگر صبر کند از تیمم هم عاجز می شود.

آیه الله خوئی: اگر عذرش نبود آب است باید فحص کند به تفصیلی که در رساله عملیه آمده است.

صفحه

۱۱۴

مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند*(1).

مسأله ۴۱۳ - اگر در اثنای طواف حدثی عارض شود طواف باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را اعاده نماید مگر این که حدث بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد که در این صورت طواف را قطع و پس از تحصیل طهارت از همان جا طواف را تمام کند و صحیح است*(2).

مسأله ۴۱۴ - اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۴۱۵ - اگر حدثی که عارض شده حدث اکبر باشد مانند جنابت و حیض باید فوراً از مسجد خارج شود و به تفصیلی که در مسأله قبل گفته شده عمل نماید و اگر وقت برای حیض تنگ باشد به طوری که پس از پاک شدن نتواند بقیه اعمال عمره را انجام دهد احکام خاصی دارد که در مسائل طواف حیض خواهد آمد.

مسأله ۴۱۶ - اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسأله ۴۱۷ - اگر مُحَدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

1 آیه الله تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگر برای حدث اکبر دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیه الله خوئی: لازم است تیمم بدل از غسل کند.

2. آیه الله بهجت: و همین طور است اگر پس از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم حدث از روی سهو و غفلت باشد.

آیه الله خامنه ای: و همینطور اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و موالات بهم نخورد.

صفحه

۱۱۵

مسئله ۴۱۸ - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آن را با وضو به جا آورده یا نه یا شک کند که آن را با غسل به جا آورده (1) یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسئله ۴۱۹ - در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاء غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

مسئله ۴۲۰ - اگر در اثنای طواف شک کند که طهارت از حدث داشته یا نه، اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است تحصیل طهارت نموده و طواف را از سر بگیرد*(2).

مسئله ۴۲۱ - هر گاه در اثنای طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید تیمم کند و سپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد چه قبل از شوط چهارم باشد و چه بعد از آن*(3).

مسئله ۴۲۲ - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بیوضو بجا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

«طهارت بدن و لباس»

مسئله ۴۲۳ - لباس و بدن کسی که می خواهد طواف کند واجب است پاک باشد حتی از خون کمتر از درهم نیز باید اجتناب شود بلی نجس بودن چیزهایی که نمی تواند به

1. آیه الله خوئی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.

2. امام خمینی، آیه الله سیستانی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها نموده تحصیل طهارت نماید و از همانجا بقیه طواف را بجا آورد.

3. آیه الله سیستانی، امام خمینی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها کند و تحصیل طهارت نماید و از همان جا تتمه طواف را بجا آورد.

صفحه

۱۱۶

تنهایی ساتر در نماز باشد مانند جوراب و عرقچین و انگشتر مانعی ندارد.

مسئله ۴۲۴ - تطهیر از خون قروح و جروح اگر مشقت داشته باشد لازم نیست و می توان با آن طواف نمود ولی اگر با تأخیر در طواف بتواند بدون مشقت تطهیر نماید احتیاط واجب است که تأخیر اندازد به شرط آن که وقت تنگ نشود.

مسئله ۴۲۵ - خون قروح و جروح، تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسئله ۴۲۶ - اگر بعد از طواف آگاه شود که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده است طوافش صحیح است و همین طور اگر نجاست را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید*(1).

مسئله ۴۲۷ - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لیکن اگر بداند که قبلاً نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسئله ۴۲۸ - اگر در اثناء طواف بدن او نجس شود چنانچه تطهیر آن بدون رها کردن طواف ممکن نباشد باید آن را رها کند و پس از تطهیر، طواف را از همانجا تمام نماید و طوافش صحیح است خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن*(2) و همینطور است اگر لباس او نجس شود و تعویض و تطهیر آن همانجا ممکن نباشد.

مسئله ۴۲۹ - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده حکم مسئله قبل را دارد و همین طور است اگر در بین طواف علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء

1 آیه الله گلپایگانی: در فرض فراموش کردن نجاست، باید طواف اعاده شود.

2 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف باطل است و باید بعد از تطهیر آن را از سر بگیرد.

صفحه

۱۱۷

طواف یادش بیاید*(1).

مسئله ۴۳۰ - همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد.

«سوم: مختون بودن»

مسئله ۴۳۱ - طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل است حتی اگر بالغ نباشند(2).

مسئله ۴۳۲ - اگر بچه ختنه شده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

مسئله ۴۳۳ - شخص مستطیع که ختنه نشده اگر بتواند ختنه کند هر چند با تأخیر حج تا سال آینده باید این کار را بکند(3) و اگر اصلاً متمکن از ختنه نباشد یعنی برای او ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال بجا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف نائب نیز بگیرد(4) ولی خودش نماز طواف را بجا آورد و در صورتی که هر دو طواف با هم صورت بگیرد خودش یک نماز بخواند کافی است.

«چهارم: ستر عورت»

مسأله ۴۳۴ - طواف بدون ساتر عورت باطل است.

مسأله ۴۳۵ - لباس طواف کننده باید مباح باشد پس طواف در لباس غضبي باطل است هر چند ساتر عورت نباشد (5) بلکه احتیاط آن است که همه شرائط لباس نمازگزار مراعات شود.

1 آية الله گلپایگانی: در صورت فراموشي نجاست باید طواف را اعاده نماید حتي اگر بعد از شوط چهارم يادش بيايد.

2 آية الله سيستاني: در غير ممیز اعتبار ختان مبني بر احتیاط استحبابي است.

3 آیات عظام: امام خميني، فاضل، مكارم: اگر در سال استطاعت نتواند ختنه كند باید حج به جا آورد. (فتوای آية الله خامنه اي به دست نیامد)

4 آية الله مكارم: نائب گرفتن لازم نیست.

5 آية الله سيستاني، آية الله فاضل: غير ساتر اگر غضبي باشد طواف صحيح است.

صفحه

۱۱۸

مسأله ۴۳۶ - زن باید در حال طواف تمام بدن خود را به جز صورت (1) و دستها تا مچ از نامحرم بپوشاند و اگر عمداً این مقدار را نپوشاند معصیت کرده لکن طواف او صحیح است.

«طواف در لباس غضبي و غير مخمس»

مسأله ۴۳۷ - کسی که سال خمسي براي خود قرار نداده اگر از درآمد كسب، پولي دارد که معلوم نیست ربح بين سال است یا سال بر آن گذشته است بدون تخميس آن حكم غضب را دارد بنابراین اگر با آن پول لباس احرام یا قرباني تهیه کند، طواف و قرباني او صحيح نیست مگر آنکه همانطوریکه متعارف است بزمه خریداري کرده باشد که در این صورت طواف و قرباني او صحيح است.

مسأله ۴۳۸ - اگر انجام طواف و نماز در لباسي که با عين پول غضبي یا غير مخمس تهیه شده از روي علم و عمد نباشد طواف و نماز صحيح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارك نماید. (2)

مسأله ۴۳۹ - پولي که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه؟ لازم نیست تخميس شود و مي توان آنرا در حج صرف نمود.

مسأله ۴۴۰ - همراه داشتن مال غضبي مثل پول خمس نداده موجب بطلان طواف نمي شود. (3)

«پنجم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن»

مسأله ۴۴۱ - طواف باید از مقابل حجر الاسود شروع شود و از هر جاي حجر الاسود که شروع کند به طوري که در عرف گفته شود از حجر الاسود شروع کرده كافي

1 آیه الله مکارم: و صورتش را با نقاب نپوشاند.

2 آیه الله بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده باشد.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.

صفحه

۱۱۹

است (1) چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسط یا آخرش ولی از هرکجا شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند.

مسأله ۴۴۲ - برای شروع از حجر الاسود می تواند قبل از رسیدن به حجر الاسود قصد کند که طواف را از مقابل حجر الاسود شروع می کنم و زاید بر آن مقدمه علمیه است و همچنین در دور آخر می تواند قدری از حجر الاسود بگذرد با این قصد که زبیدی مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۴۴۳ - در طواف همان طوری که مسلمین طواف می کنند از محاذات حجر الاسود بدون دقت های صاحبان و سوسه شروع کند و در دورهای دیگر لازم نیست مقابل حجر الاسود توقف نماید و تجدید نیت کند. بلکه می تواند بدون توقف دور بزند تا هفت شوط تمام شود.

مسأله ۴۴۴ - کاری که بعضی افراد نادان انجام می دهند که مقابل حجر الاسود می ایستند و برای رعایت محاذات عقب و جلو می روند موجب اشکال و گاهی حرام است.

مسأله ۴۴۵ - اگر اشتبهاً طواف را از غیر حجر الاسود مانند رکن یمانی شروع کند طوافش باطل است هر چند دور آخر را به حجر الاسود ختم نماید (2) و همینطور اگر دورهای طواف را از حجر الاسود شروع کند ولی به موضعی قبل از حجر الاسود مانند رکن یمانی ختم نماید.

1 آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: طواف باید از اول جزء حجر الاسود شروع شود و چون تحقق آن معنی بر وجه حقیقت متعسر و بلکه متعذر است، در تحقق آن اکتفا می شود به این که پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند و قصد کند که ابتدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر قصد و شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را به قصد طواف تمام کند صحیح است.

صفحه

۱۲۰

«ششم: قرار دادن کعبه در طرف چپ»

مسأله ۴۴۶ - در طواف باید سمت چپ طواف کننده به طرف کعبه باشد و اگر سمت راست یا پشت یا روبروی او به کعبه باشد و در این حال طواف کند صحیح نیست.

مسأله ۴۴۷ - معیار در شرط مذکور این است که طوری طواف کند که در عرف گفته شود کعبه در طرف چپ اوست و لازم نیست در تمام حالات طواف حقیقتاً کعبه در سمت چپ او باشد بنابراین در موقع دور زدن

حجر اسماعیل و گوشه های کعبه به نحو متعارف اگر سمت چپ او از محاذات کعبه خارج شود بلکه خانه متمایل به پشت او شود اشکالی ندارد.

مسئله ۴۴۸ - اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شود مثلاً رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد باید برگردد و آن مقدار را جبران کند و اگر نمی تواند برگردد بدون قصد طواف دور بزند (۱) تا جایی که باید طواف را از آنجا تدارک کند برسد و از آنجا جبران نماید.

«هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل(علیه السلام) در طواف»

مسئله ۴۴۹ - حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده از بیرون آن طواف کند.

مسئله ۴۵۰ - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند پس اگر اینکار عمدی باشد حکم ابطال عمدی طواف را دارد و اگر سهوی باشد حکم ابطال سهوی را دارد که حکم آن دو خواهد آمد.

مسئله ۴۵۱ - اگر در بعضی از شوطها از داخل حجر اسماعیل دور زد، باید آن شوط را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

مسئله ۴۵۲ - کسی که یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل(علیه السلام) انجام داده و

۱ آیه الله سیستانی و آیه الله فاضل: و تا حجر الاسود برود و آن شوط را کاملاً اعاده نماید.

صفحه

۱۲۱

بقیه طواف را ادامه داده باید یک شوط دیگر بجا آورد (۱) و اگر نماز و بقیه اعمال را انجام داده آنها را نیز اعاده نماید. (۲)

مسئله ۴۵۳ - اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه مسئله شد و بجای اعاده آن شوط آنرا از آنجایی که وارد حجر شده تکمیل نموده طوافش باطل نیست و باید آن شوط را اعاده نماید.

مسئله ۴۵۴ - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل(علیه السلام) (برود اعاده همان مقدار از شوط کافی است).

مسئله ۴۵۵ - در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل(علیه السلام) (جایز است و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است).

«هشتم: رعایت محدوده طواف»

مسئله ۴۵۶ - بهتر است طواف بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم(علیه السلام) (انجام شود و این مسافت که تقریباً ۵ / ۲۶ ذراع است در همه اطراف کعبه مراعات شود (۳) ولی طواف خارج

۱ آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگر موالات فوت شده طوافش باطل است و باید آنرا و اعمال مترتب بر آنرا تدارک نماید و اگر وقت تدارک گذشته حجتش باطل است آیه الله سیستانی اضافه فرمودند: ولی در فرض سهو و نسیان اعاده یک شوط و اعمال مترتبه کافی است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را بجا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را بجا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۶۰)

2 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر به اعتقاد صحت بقیه اعمال را انجام داده اعاده آن شوط و نماز کافی است.

3 آیات عظام امام خمینی، فاضل: واجب است طواف در محدوده مذکور انجام شود مگر در صورتیکه حتی در وقت خلوت نتواند در این محدوده طواف کند که در این صورت طواف خارج از این حد با مراعات الاقرب فالاقرب جایز است.

آیه الله فاضل اضافه فرمودند: همینطور اگر ضرورت عرفی اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند

صفحه

۱۲۲

این حد تا هر کجا که (1) طواف خانه صدق کند جایز است خصوصاً در مواردی که طواف در محدوده مذکور ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد*.

تذکر: بنابر نظر امام خمینی و آیه الله فاضل اگر شخصی در طواف از محدوده لازم خارج شد باید آن مقدار را اعاده کند و همین طور بنابر نظر آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی اگر در محدوده ای طواف کند که اتصال به جمعیت نداشته باشد باید آن مقدار را اعاده کند.

مسأله ۴۵۷ - محدوده مذکور در مسأله قبل در قسمتی که حجر اسماعیل علیه السلام (وجود دارد از کعبه حساب می شود و با کاسته شدن مقدار حجر تقریباً از مطاف ۶/۵ ذراع باقی می ماند(2)).

تذکر ۲: بنابر نظر مراجع مذکور اگر به جهت نظافت مسجد و مانند آن از انجام طواف در محدوده ممانعت شود اگر امکان دارد که در محدوده طواف کند باید صبر نماید و در محدوده طواف کند و اگر خارج آن طواف کند صحیح نیست آیه الله فاضل اضافه فرمودند: اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفیه اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند و صبر کردن برای طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج باشد در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

تذکر ۳: بنابر نظر مراجع مذکور زنی که قادر به طواف کردن نیست اگر کسی حتی

1 آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: تا جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند صحیح است.

2 آیات عظام: گلپایگانی، صافی، فاضل: در طرف حجر اسماعیل محدوده طواف ضیق نمی شود و از حجر اسماعیل به مقدار ۲۶/۵ ذراع محدوده طواف است.

صفحه

۱۲۳

نامحرم حاضر شود او را بدوش بگیرد و در محدوده طواف دهد نمی تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفا کند.

تذکر ۴: کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه؟ طوافش صحیح است ولی اگر در ابتدا طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟ نمی تواند به آن اکتفا نماید.

تذکر ۵: یقین به این که در حال طواف او را بی اختیار می برند مجوز طواف در خارج حد نیست و باید همان مقدار را که بی اختیار شده تدارک کند، و همینطور یقین به برخورد با نامحرم برای طواف خارج محدوده عذر محسوب نمی شود.

«نهم: طواف نکردن روی شاذروان»

مسئله ۴۵۸ - در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» می گویند و طواف بر روی آن صحیح نیست.

مسئله ۴۵۹ - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن روی شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید آن را اعاده کند.

مسئله ۴۶۰ - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آن جایی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

«دهم: موالات»

مسئله ۴۶۱ - مراعات موالات عرفیه در طواف لازم است (۱) یعنی باید هفت دور آن پشت سر هم آورده شود و در بین آن بقدری فاصله نشود که از صورت یک طواف خارج گردد.

تذکر: موارد استثناء این شرط در مسائل مربوط به قطع طواف خواهد آمد.

مسئله ۴۶۲ - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشینند یا دراز

۱. [آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: این شرط در طواف مستحب لازم نیست.]

صفحه

۱۲۴

بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و الا طوافش باطل است و باید طواف را اعاده کند. (۱)

«یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر»

«کم کردن دورهای طواف»

مسئله ۴۶۳ - اگر طواف کننده از ابتداء عمداً قصد کند که کمتر از هفت دور طواف کند طوافش باطل است اگر چه هفت دور بزند (۲) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسئله ۴۶۴ - اگر از روی جهل به مسئله بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است (۳) و باید طواف و نماز و اعمال بعد از آن را اعاده کند (۴).

مسأله ۴۶۵ - اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند کمتر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است (5) و باید اعاده کند.

مسأله ۴۶۶ - اگر عمداً از طواف واجب یک دور یا کمتر یا بیشتر از آن کم کند اگر پیش از فوت موالات عرفیه آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است* (6) و اگر تکمیل ننماید تا موالات فوت شود حکم قطع عمدی طواف را دارد که خواهد آمد.

1 آیه الله خامنه ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

2 آیات عظام: تبریزی، خوبی، سیستانی: در فرضی که هفت دور بزند با تحقق قصد قربت طوافش صحیح است.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت طوافش صحیح است.

4 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر با اعتقاد صحت بقیه اعمال را آورده اعاده طواف و نماز کافی است.

5 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود طواف اشکال پیدا می کند.

6 آیه الله سیستانی: اگر بی دلیل قبل از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده که عرفاً صدق کند که طوافش را قطع کرده طواف باطل است.

صفحه

۱۲۵

مسأله ۴۶۷ - در فرض مسأله قبل اگر طواف را تکمیل نکرد تا موالات فوت شد باید آنرا اعاده کند* (1) و اگر آنرا اعاده نکند حکم ترک عمدی طواف را دارد که در مسائل قبل گذشت و در این مسأله و مسأله قبل فرقی بین عالم و جاهل نیست.

مسأله ۴۶۸ - اگر سهواً از طواف کم کند چنانچه پیش از فوت موالات آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است و همینطور است اگر بعد از فوت موالات متذکر شود و مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد و اما اگر بعد از فوت موالات متذکر شود که بیش از سه شوط کم کرده باید طواف را اعاده نماید. گر چه تکمیل طواف و اعاده آن در تمام موارد مذکور موافق احتیاط است.

مسأله ۴۶۹ - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده نماید.

«زیاد کردن دورهای طواف»

مسأله ۴۷۰ - اگر طواف کننده از ابتدا عمداً قصد کند که بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است هر چند به هفت دور اکتفا کند (2) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۴۷۱ - انجام یک دور یا بیشتر بقصد احتیاط، زیاده در طواف محسوب نمی شود و جبران نقص احتمالی را نیز نمی کند

مسأله ۴۷۲ - اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند زیادتر

1 آية الله گلبايگاني: اقوي آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعداً احتیاطاً اعاده نماید.

2 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: با تحقق قصد قربت طوافش صحیح است.

صفحه

۱۲۶

بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است و باید اعاده کند (1) و اگر با این قصد زیادتز از هفت دور انجام دهد اصل طواف باطل است (2)

مسأله ۴۷۳ - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

مسأله ۴۷۴ - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم به دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است خواه آن یک دور را انجام دهد یا انجام ندهد.

مسأله ۴۷۵ - اگر بعد از هفت دور طواف واجب عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید به قصد این که زیاده جزء آن طواف باشد، طواف او باطل می شود و باید اعاده کند.

مسأله ۴۷۶ - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتز است احوط (3) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز طواف واجب را قبل از سعی بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از سعی دو رکعت نماز برای طواف مستحب به جا آورد.

مسأله ۴۷۷ - اگر قسمتی از شوط را که صحیح بوده به تصور این که باطل انجام داده اعاده نموده، طوافش صحیح است.

«قران در طواف»

مسأله ۴۷۸ - قران در طواف (یعنی دو طواف پشت سر یکدیگر بدون انجام نماز

1 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف باطل می شود.

2 آية الله بهجت: آنچه با قصد زیاده آورده باطل است.

3 آية الله گلبايگاني، آية الله صافي: این احتیاط مستحب است.

صفحه

۱۲۷

طواف بین آن دو) در طواف واجب حرام است ولی طواف اول صحیح است (1) مگر آن که از ابتداء یا در اثناء طواف اول قصد قرآن کرده باشد. بلی قرآن در طواف مستحب، مکروه است*.

مسئله ۴۷۹ - اگر بعد از انجام طواف و قبل از نماز طواف یک شوط یا کمتر یا بیشتر بیاورد بقصد این که آنرا جزء طواف دیگر قرار دهد داخل در قرآن بین دو طواف است که حکمش در مسئله قبل گذشت. (2)

مسئله ۴۸۰ - اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهدش صحیح است قبل از خواندن نماز به قصد احتیاط اعاده نماید و سپس نماز طواف را بخواند عملش صحیح است هر چند به واسطه قرآن (3) معصیت کرده است.

«قطع طواف»

مسئله ۴۸۱ - قطع طواف یعنی رها کردن آن به طوری که موالات عرفیه فوت شود (4)، بدون عذر در طواف مستحب جایز و در طواف واجب مکروه است* (5).

مسئله ۴۸۲ - اگر بدون عذر طواف را قطع کند باطل است و باید آنرا اعاده نماید چه قبل از شوط چهارم باشد یا بعد از آن (6) ولی اگر طواف را رها کند و قبل از فوت موالات

1 آیات عظام: سیستانی، خوئی، تبریزی: طواف باطل است.

2 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، بهجت: اگر طواف دوم را به اتمام نرساند نه قرآن است و نه زیاده در طواف.

3 آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: این عمل قرآن محسوب نمی شود.

4 آیه الله سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری شود که عرفاً گفته شود طواف را قطع کرده است.

5 آیات عظام: صافی، گلپایگانی، خوبی: در طواف واجب جائز نیست.

6 آیه الله گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به جا آورده باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

برگردد و آنرا تمام نماید طوافش صحیح است (1).

مسئله ۴۸۳ - اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم طواف را به جهت عذری مانند مرض و حیض قطع نماید و بعد از رفع عذر طواف را از همانجا که قطع کرده کامل کند صحیح است. ولی اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آنرا اعاده نماید (2).

مسئله ۴۸۴ - اگر شخصی به جهت عذری طواف را قطع کند و تا وقت تنگ شود از انجام طواف عاجز باشد پس اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند. تا طوافش را تکمیل نماید یا اگر قطع قبل از اتمام شوط چهارم بوده اعاده نماید و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند که به تفصیل مذکور عمل نماید (3).

مسأله ۴۸۵ - اگر در اثناء طواف به جهت برپا شدن نماز جماعت یا نظافت مسجد و مانند آن، شخص از ادامه طواف معذور شد حکم مسأله قبل را دارد

«قطع طواف جهت نماز»

مسأله ۴۸۶ - اگر در اثنای طواف وقت نماز واجب تنگ شود واجب است آنرا رها کند و نماز بخواند و سپس طواف را از همانجا که قطع کرده تمام کند (4) و صحیح است مگر این که قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و بقدری فاصله شود که موالات عرفیه به هم بخورد. که در این صورت باید طواف را اعاده کند.

مسأله ۴۸۷ - قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است و بعد از نماز از همانجا که طواف را قطع کرده ادامه دهد و طوافش صحیح است گر چه احتیاط مستحب آن است که به تفصیل مسأله قبل عمل نماید.

1 نظر آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی، خامنه ای ذیل مسأله ۴۶۷ گذشت.

2 آیه الله سیستانی: بجز طواف مستحب که می تواند تکمیل نماید مطلقاً.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بعید نیست گفته شود که نائب باید در هر صورت همه طواف را انجام دهد.

4 آیه الله فاضل، آیه الله خامنه ای: می تواند طواف را از اول شروع نماید.

صفحه

۱۲۹

«شک در طواف»

مسأله ۴۸۸ - اگر بعد از طواف شک کند که آن را صحیح به جا آورده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل (علیه السلام) طواف کرده، اعتناء نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقصه.

مسأله ۴۸۹ - اگر در اثناء طواف شک کند که طواف را به نیت منوب عنه شروع کرده یا برای خود، نمی تواند به این طواف اکتفا کند و می تواند صبر کند تا موالات فوت شود سپس آنرا از سر بگیرد (1).

مسأله ۴۹۰ - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که هفت دور آورده یا بیشتر به شک خود اعتناء نکند و همینطور است اگر شک کند در این که هفت دور آورده یا کمتر (2).

مسأله ۴۹۱ - اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادت، اعتناء به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۹۲ - اگر در طواف در عدد شوطها شک نمود و با این حال و بامید این که شک او را از بین برود طواف را ادامه داد و پس از آن یقین کرد که هفت دور را کامل کرده طوافش صحیح است.

مسأله ۴۹۳ - اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است*(3).

1 آية الله بهجت: مي تواند طواف را به نيت منوب عنه تمام کند.

آية الله سيستاني: و بايد طواف را به نيت نيابت از سر بگيرد.

2 آية الله تبريزي، آية الله خوئي: اگر قبل از مشغول شدن به نماز چنين شكي کند بايد طواف را اعاده کند.

3 آية الله فاضل، آية الله مكارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحيح است.

صفحه

۱۳۰

مسأله ۴۹۴ - اگر در آخر دور يا اثنای آن شك کند میان شش و هفت و هر چه پاي نقيصه در کار است، طواف او باطل است(1).

مسأله ۴۹۵ - در مواردی که شك در دورهاي طواف موجب بطلان طواف است اگر طواف ديگري شروع کرد و در اثناء آن يقين به دورهاي طواف اول برایش حاصل شد، طواف دوم صحيح است.

مسأله ۴۹۶ - اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل بگذارد و طوافش صحيح است.

مسأله ۴۹۷ - کسی که در عدد دورهاي طواف كثير الشك است به شكش اعتنا نکند(2) و بنا بر اكثر بگذارد، مگر اين که بنا بر اكثر موجب بطلان طواف باشد که در اين صورت به احتمال اكثر اعتناء نکند و احتياط مستحب آن است که كثير الشك کسی را وادار کند که عدد را برایش حفظ کند.

مسأله ۴۹۸ - معيار در كثير الشك (3) در طواف اين است که عرفاً بگویند در طوافش زياد شك مي کند.

مسأله ۴۹۹ - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (4) و حکم شك را دارد.

بطلان طواف يا بعض آن

مسأله ۵۰۰ - اگر پس از انجام حج تمتع متوجه شود که چند شوط از طواف عمره تمتع، يا حج را سهواً باطل انجام داده مثل اين که از داخل حجر اسماعيل طواف کرده

1 آیات عظام خوئي، تبريزي، سيستاني: اگر شك در پايان شوط بين شش و هفت باشد و بنا را بر شش گذاشت و از روي جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحيح است.

2 آية الله خوئي: اگر به حد وسواس نرسیده بايد به شك خود اعتنا کند.

3 آية الله سيستاني: معيار اين است که شكي که براي او حاصل مي شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواس پرتي مانند او هستند، به مقدار معتنا به بیشتر باشد.

4 آية الله بهجت: گمان در دورهاي طواف معتبر است و بايد به آن عمل شود.

صفحه

۱۳۱

چنانچه مقداري که باطل انجام داده سه شوط يا کمتر باشد همان مقدار را اعاده نمايد با نماز طواف و اگر بيشتر باشد بايد اصل طواف را اعاده نمايد و در هر دو صورت اعمال عمره و حج او صحيح است و اگر از روي جهل به حکم، و در عمره تمتع بوده، عمره و حج او باطل است و بايد در سال بعد آنرا اعاده نمايد*(1). و اگر در حج بوده طواف او باطل است و احکام آن در مسائل حج خواهد آمد.

مسأله ۵۰۱ - اگر در عمره تمتع بعد از تقصير متوجه شود که طوافش را سهواً باطل انجام داده است مثل اين که بدون وضو طواف کرده يا وضویش باطل بوده پس اگر قبل از گذشتن وقت يادش آمد بايد طواف و نماز و سعي و تقصير را اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده از محرّمات احرام اجتناب نمايد و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجه شود اعاده طواف و نماز کافي است*(2).

مسأله ۵۰۲ - اگر از روي جهل به مسأله طواف عمره تمتع را باطل انجام دهد چنانچه قبل از تنگي وقت متوجه شود بايد طواف و نماز آنرا اعاده نمايد و اگر سعي و تقصير کرده آنها نيز بايد اعاده شود و تا اعاده ننموده در احرام باقي مي ماند و اگر بعد از وقت تدارک متوجه شود حج او باطل است*(3).

1 آية الله گلپايگاني، آية الله صافي: اگر از روي جهل در عمره بوده حج او بدل به افراد شده بايد عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد حج تمتع را انجام دهد.

آيات عظام امام خميني، فاضل، خامنه اي: اگر با اعتقاد به صحت اعمال را تمام کرده عمره و حج او صحيح است و از احرام خارج شده و فقط بايد طواف و نماز آن را اعاده کند.

2 آيات عظام: خوئي، تبريزي، سيستاني: اگر بعد از وقت تدارک يادش بيابد حش باطل است.

آيات عظام: امام خميني، خامنه اي، فاضل: در هر دو صورت اعاده طواف و نماز کافي است و شخص با تقصير از احرام خارج شده است.

3 آية الله گلپايگاني، آية الله صافي: حج او مبدل به افراد مي شود و بايد احتياطاً پس از آن عمره مفرده انجام دهد و سال بعد دوباره عمره و حج تمتع را بجا آورد.

آيات عظام: امام خميني، فاضل، خامنه اي: در هر دو صورت اگر با اعتقاد به صحت اعمال را تمام کرده از احرام خارج شده و عمره و حج او صحيح است و فقط بايد طواف و نماز را تدارک نمايد.

صفحه

۱۳۲

مسأله ۵۰۳ - در فرض مذکور در مسأله قبل اگر بعد از آن حج، عمره يا حج ديگري انجام داده و در آن خللي ايجاد نکرده باشد آن عمره و حج محکوم به صحت است.

«رها کردن طواف و از سر گرفتن آن»

مسأله ۵۰۴ - کسي که در اثناء طواف آنرا رها مي کند و از سر مي گيرد طوافش صحيح است خواه قبل از اكمال شوط چهارم آنرا رها کند يا بعد از آن (1) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سومي را انجام دهد همين حکم را دارا است*.

«نيابت در طواف»

مسأله ۵۰۵ - اگر کسي از ابتدا بدانند که حتي با کمک ديگري قادر بر انجام بعضي از شوطهاي طواف نيست بايد براي طواف کامل نائب بگيرد و همينطور اگر قبل

از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می تواند برای بقیه نایب بگیرد*(2).

مسئله ۵۰۶ - انجام طواف به نیابت از دیگری قبل از طواف عمره یا حج یا طواف نساء جایز است.

«طواف با لباس دوخته»

مسئله ۵۰۷ - اگر محرم طواف و سعی خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و

1 امام: اگر قبل از شوط چهارم بوده باید یک طواف دیگر بجا آورد.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مذکور مجزی است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده واجب است نقصان طواف قطع شده را بجا آورد و نماز آنرا نیز بخواند.

2 آیات عظام: صافی، گلپایگانی، مکارم: در تمام صور باید برای طواف کامل نایب بگیرد.

امام خمینی، آیه الله بهجت: بعضی از دورهای طواف قابل نیابت است مطلقاً

صفحه

۱۳۳

سعی او صحیح است هر چند بواسطه پوشیدن لباس دوخته (در غیر موارد عذر) معصیت کرده است.

«طواف حائض و مستحاضه»

مسئله ۵۰۸ - زن اگر در ایام عادت خون دیده و سپس پاک شده و مجدداً خون دیده چنانچه قبل از ده روز پاک شود آن خون محکوم به حیض است (1) و اگر در فاصله ای که پاک بوده طواف و نماز را انجام داده باید آنها را اعاده نماید(2).

مسئله ۵۰۹ - زن اگر به جهتی مانند استفاده از قرص نظم عادت ماهانه اش بهم خورده چنانچه یقین دارد خونی که می بیند سه روز استمرار دارد هر چند به این نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل نماید(3).

مسئله ۵۱۰ - زن اگر برای عمره تمتع محرم شده اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند باید صبر کند و پس از پاک شدن طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند در وقت، اعمال عمره را انجام دهد از موارد عدول به افراد است (4) که مسائل آن خواهد آمد.

مسئله ۵۱۱ - اگر زن در اثناء طواف قبل از اتمام شوط چهارم حایض شود طوافش باطل است پس اگر وقت دارد صبر می کند تا وقتی که پاک شد طواف و نماز و بقیه اعمال

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر خون دوم به صفات حیض باشد.

2. آیه الله مکارم: اعاده طواف و نماز لازم نیست.

3. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر به صفات حیض باشد یا در ایام عادت، احتمال استمرار کافی است و حیض محسوب می شود. آیه الله سیستانی اضافه فرموده اند: اگر به صفات حیض نباشد و در ایام عادت هم نباشد باید جمع کند بین تروک حائض و اعمال مستحاضه.

4. آیات عظام: خوئی، تبریزی، خامنه ای، سیستانی: اگر بعد از احرام حیض شد مخیر است بین عدول و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از حج تمتع و قبل از طواف آن قضای طواف و نماز عمره تمتع را بجا آورد.

صفحه

۱۳۴

را انجام دهد و اگر وقت ندارد مورد عدول به افراد است*(1).

مسئله ۵۱۲ - اگر زن در اثناء طواف بعد از اتمام دور چهارم (2) حیض شد چنانچه وقت دارد صبر کند و پس از پاک شدن تحصیل طهارت کرده و بقیه طواف و سایر اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج تمتع محرم می شود و بعد از حج قبل از طواف آن (3) بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را انجام می دهد (4).

مسئله ۵۱۳ - اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حیض شد و تا آخر وقت عذرش باقی است (5) سعی و تقصیر را انجام می دهد (6) و برای حج محرم می شود و پس از حج و برطرف شدن عذر، طواف و نماز آن را انجام می دهد.

مسئله ۵۱۴ - زن مستحاضه چنانچه استحاضه اش قلیله باشد باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه وضو بگیرد و اگر متوسطه باشد باید علاوه بر این، یک غسل برای

1. آیه الله خامنه ای: اگر قبل از سه شوط و نیم باشد مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن باشد حکم مسئله بعد را دارد.

آیات عظام: خوئی، بهجت، سیستانی: مخیر است بین عدول و بین اتمام عمره تمتع به این صورت که سعی و تقصیر را انجام می دهد و برای حج تمتع محرم می شود و بعد از حج و قبل از طواف آن، طواف عمره تمتع و نمازش را به جا می آورد. آیه الله خوئی: فرمودند: طواف عمره را به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

2. آیه الله خامنه ای: بعد از سه شوط و نیم.

3. آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، مکارم: یا بعد از آن.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید بعد از اعمال مکه بقیه طواف و نماز عمره را بجا آورد.

4. آیه الله خوئی: و می تواند عدول به افراد کند مانند مسئله قبل.

5. آیه الله سیستانی: در این فرض مخیر است بین عدول و انجام حج تمتع به نحوی که در مسئله قبل گذشت.

6. امام، آیه الله خامنه ای: اگر بعد از تقصیر متوجه شد که طوافش باطل است لازم نیست سعی و تقصیر را اعاده نماید.

طواف و نماز انجام دهد (1) و اگر کثیره باشد یک غسل دیگر هم برای نماز انجام دهد (2). این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد طهارتی که برای طواف تحصیل کرده کافی است.

مسئله ۵۱۵ - اگر زن در اثناء طواف مستحاضه شد، حکم حدث در اثناء طواف را دارد که در مسئله ۴۱۳ گذشت.

مسئله ۵۱۶ - زن مستحاضه اگر پاک شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید حکم مسئله قبل را دارد ولی اگر خون مستمر است و به وظیفه اش عمل کرده با تحفظ از خروج آن طواف او صحیح است.

مسئله ۵۱۷ - مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجد الحرام انجام دهد.

مسئله ۵۱۸ - اگر مستحاضه در اثناء طواف بجهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد باید مجدداً برای طواف تحصیل طهارت نماید و طواف را اعاده نماید* (3).

مسئله ۵۱۹ - زن غیر سیده (4) خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری می بیند حکم

1 آیه الله مکارم: اگر مستحاضه متوسطه و کثیره و وظیفه غسل خود را برای نمازهای یومیه انجام دهد غسل دیگری برای طواف و نماز لازم ندارد.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: غسل دیگر لازم نیست.

آیه الله خوئی: در کثیره اگر محدث به حدث اصغر نباشد احتیاجی به وضو نیست.

3 آیه الله تبریزی: در فرضی که نماز جماعت برگزار شده و مستحاضه نمازش را خوانده فرمودند بعید نیست تمام کردن همان طواف سابق کافی باشد و همچنین آیه الله سیستانی در این فرض فرمودند اگر قطع پس از پایان شوط چهارم بوده اتمام همان طواف کافی است.

4 آیه الله مکارم: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست ملاک تمام شدن پنجاه سال قمری است.

آیه الله سیستانی: یائسگی در مسئله حیض در سیده و غیر سیده با اتمام شصت سال قمری شروع می شود.

استحاضه را دارد هر چند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن منبور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیر یائسه را دارد*.

مسئله ۵۲۰ - زنی که حیض شده اگر با استفاده از دار و کاری کند که خون کاملاً قطع گردد بطوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند آن خون حکم استحاضه را دارد و با تحصیل طهارت مستحاضه، می تواند طواف و نماز خود را انجام دهد.

مسأله ۵۲۱ - شخصی که بعد از اعمال عمره یا حج متوجه می شود که غسل واجبی مانند غسل مس میت یا غسل نفاس بر عهده اش بوده است چنانچه پس از وجوب آن غسل، غسل واجب یا مستحبی (که استحباب آن ثابت است مانند غسل احرام یا جمعه) انجام داده کفایت می کند و عملش صحیح است والا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده که در مسائل قبل گذشت*(1).

«دائم الحدث»

مسأله ۵۲۲ - بیماری که حدث (بول، غائط، ریح) پی در پی از او خارج می شود اگر فرصتی دارد که می تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد باید پس از وضو و طهارت بدن طواف را در آن وقت انجام دهد و اگر چنین فرصتی ندارد تا وقتی حدث متعارف از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است*(2).

1 آیات عظام امام خمینی، خامنه ای، صافی: اگر غسل جنابت انجام داده کفایت می کند و الا کفایت نمی کند.

آیه الله فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده کفایت می کند والا کفایت نمی کند.

2 امام خمینی: اگر مشقت ندارد باید هر بار که از او حدث سر می زند تجدید وضو نماید هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد، و طواف و نمازش صحیح است.

نظر آیه الله خامنه ای در حدث بول مانند نظر امام است و در مورد حدث غائط و ریح نظر ایشان در دست نیست.

آیه الله بهجت: اگر حدث بول یا ریح است خود طواف می کند و اگر مشقت ندارد هر بار که حدث از او سر می زند وضو را تجدید کند کافی است و اگر حدث غائط است برای طواف نائب بگیرد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر حدث بول است چنانچه می تواند باید برای هر بار که حدث سر می زند تجدید وضو کند. آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: و اگر این را هم نمی تواند، وضو بگیرد و چهار شوط آن را بجا آورد و سپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد) و اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند.

صفحه

۱۳۷

مسأله ۵۲۳ - کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود واجب است تا آنجا که می تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیتی که در نماز انجام می دهد.

مسأله ۵۲۴ - اگر حدث از غیر مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می شود حکم حدثی را دارد که از مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می شود که در دو مسأله قبل گذشت.

«طواف مستحب»

مسأله ۵۲۵ - طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط استحبابش ثابت نیست(1).

مسأله ۵۲۶ - طواف عملی است مستحب و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است و سزاوار است زائران هر چقدر می توانند طواف کنند اما تلاش کنند مزاحم افرادی که مشغول طواف واجب هستند نشوند.

مسأله ۵۲۷ - انجام طواف مستحب برای بانوان با علم به این که نگاه آنان بی اختیار به نامحرم می افتد و در فشار جمعیت قرار می گیرند اشکالی ندارد ولی بهتر است در موارد ازدحام مراعات نمایند.

مسأله ۵۲۸ - شرائطی که در طواف واجب ذکر شد به جز طهارت از حدث (2) در

1] آیه الله سیستانی: یک شوط نیز از خود یا از غیر مستحب است.

2] آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: و موالات

صفحه

۱۳۸

طواف مستحب نیز معتبر است.

مسأله ۵۲۹ - انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات و پیش از طواف حج یا طواف نساء اشکالی ندارد گر چه احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسأله ۵۳۰ - هر شوط از طواف مستحب را نمی توان به نیت یک نفر انجام داد ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد (1).

«مسائل متفرقه طواف»

مسأله ۵۳۱ - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۵۳۲ - اگر معاذ الله در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی شود.

مسأله ۵۳۳ - پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیائی که از افراد در مطاف می افتد مانند ساعت و غیر آن موجب بطلان طواف نمی شود.

مسأله ۵۳۴ - اگر از قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در وقتی که می خواهد تدارک کند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارک باید از چند قدم جلوتر شروع کند با این قصد که طواف او از همانجائی که نادرست بوده ادامه پیدا کند و بقیه مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۵۳۵ - در مواردی که احتیاط اقتضا می کند که طواف را تکمیل کند و نماز را بخواند سپس آنرا با نمازش اعاده کند، می تواند یک طواف کامل به قصد تمام و اتمام

1] آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

آیه الله مکارم: و نیز می تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

بجا آورد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده تمام هفت شوط طوافش باشد و چنانچه صحیح بوده از طواف دوم بمقدار نقصان طواف اول، طواف باشد) و بعد دو رکعت نماز بخواند این عمل کافی است*(1).

مسئله ۵۳۶ - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسئله ۵۳۷ - در حال طواف تکلم کردن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسئله ۵۳۸ - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند اعاده آن مقدار لازم است (2) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است(3).

مسئله ۵۳۹ - هر گاه چند قدم از طواف اشکال پیدا کند مثل این که بی اختیار انجام شود به نحوی که در مسئله قبل گذشت اگر بتواند باید برگردد و آن مقدار را اعاده نماید وگرنه بدون نیت طواف، دور بزند تا به محلی که طوافش اشکال پیدا کرده برسد و از آنجا طواف را ادامه دهد و اگر از حجر الاسود شروع کند اشکال دارد.(4)

1 آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی: این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

آیات عظام مکارم، خامنه ای: چون از اول نیت می کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هر چند او را ببرند، اعاده لازم نیست.

3 آیه الله سیستانی: بی اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود.

4 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می تواند تا حجر الاسود برود و آن شوط را اعاده نماید و جایز نیست بدون قصد طواف، تا جایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا ادامه دهد.

مسئله ۵۴۰ - اگر قسمتی از یک شوط طواف نادرست انجام شود و شخص بخواهد آنرا تدارک کند لازم نیست از همان مکانی که طواف اشکال پیدا کرده آنرا ادامه دهد بلکه می تواند از محاذی آن در طرف راست یا چپ آن مکان طواف را تدارک کند و همینطور است مواردی که طواف در نقطه ای قطع می شود و شخص می خواهد آنرا تکمیل نماید.

مسئله ۵۴۱ - اگر از روی جهل به مسئله به جای تدارک آن مقدار از شوط که اشکال پیدا کرده آنرا رها کند و شوط دیگری بجا آورد طوافش صحیح است.

مسأله ۵۴۲ - در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده اگر جهلاً بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد زیاده‌ای که انجام داده طواف را باطل نمی‌کند و چنانچه قبل از فوت موالات آن قسمتی که خلل پیدا کرده تدارک کند طوافش صحیح است.

مسأله ۵۴۳ - در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگهای رمی در صورتی می‌توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود (۱).

مسأله ۵۴۴ - نایب در طواف حج یا عمره لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در بر داشته باشد بلکه می‌تواند طواف نیابی را در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد.

مسأله ۵۴۵ - کسی که از احرام خارج شده و می‌خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد.

مسأله ۵۴۶ - کسی که در بین طواف شخصی را از زمین بلند می‌کند یا چیزی را بر می‌دارد و در آن حال بدون توجه به طواف یک یا چند قدم به جلو بر می‌دارد چنانچه در وقت پیمودن این مسافت قصد طواف را داشته و لو اجمالاً کفایت می‌کند و اگر شک دارد چنین قصدی داشته یا نه به شک خود اعتنا نکند.

. [آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیه الله سیستانی: در خصوص طواف می‌تواند به کسی که یقین به عدد دورها داشته باشد اعتماد کند.

صفحه

۱۴۱

مسأله ۵۴۷ - اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کرد باید همان مقدار تدارک شود و ادامه طواف بدون تدارک آن، موجب اشکال در طواف است و آوردن آن قسمت از طواف بقصد احتیاط پس از اتمام طواف اشکال را برطرف نمی‌کند.

«مستحبات طواف (۱)»

مسأله ۵۴۸ - در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشِي بِهِ عَلَيَّ طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشِي بِهِ عَلَيَّ جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرَسُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا)»

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَفِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و این دعا را بخواند:

«سَائِلُكَ، فَفِيرُكَ، مِسْكِينُكَ بِيَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ النَّبِيْتُ بَيْنَكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِثْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

. [آیه الله مکارم : این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد.

صفحه

۱۴۲

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجْرِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست به دعا بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَّفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلِيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةَ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.»

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (1) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْعَبْدُ عِبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ.»

. 1 [مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

صفحه

۱۴۳

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرَجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ فَتَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي.»

و براي طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نمايد و در وقت استلام حجر بگويد: (1)

«أمانتي أدبئها وميثاقي تعاهدته لئنهد لي بالمؤافاة.»

. [آية الله مكارم: انجام بعضي از اين مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعيت براي بسياري از مردم غير ممكن است، بنا بر اين آنچه را ممكن است انجام مي دهد و آنچه را نمي توان انجام داد، هرگاه نيت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نيتش پاداش به او خواهد داد، بنا بر اين اصرار بر مزاحمت ديگران نبايد داشته باشد.

صفحه

۱۴۴

فصل پنجم: نماز طواف

سوم از واجبات عمره تمتع نماز طواف است.

مسأله ۵۴۹ - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح بخواند.

مسأله ۵۵۰ - در اين نماز سوره خاصي واجب نيست گر چه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحيد (قل هو الله احد) و در رکعت دوم سوره کافرون { قل يا أيها الکافرون } بخواند.

مسأله ۵۵۱ - نماز طواف را مي توان مثل نماز صبح بلند يا مثل نماز ظهر آهسته خواند.

مسأله ۵۵۲ - اين نماز در احکام مانند نمازهاي يوميه است بنا بر اين شک در رکعات، آنرا باطل مي کند و گمان در رکعات، معتبر است ولي در افعال، گمان، حکم شک را دارد* (1).

مسأله ۵۵۳ - بايد پس از طواف به نماز آن مبادرت نمايد (2) به طوري که به نظر عرف بين آن دو فاصله نشود ولي فاصله انداختن به مقدار چنددين دقيقه براي استراحت و يا پيدا

1 آية الله بهجت: در افعال نیز گمان معتبر است و حکم یقین را دارد.

2 آية الله فاضل: و در صورتی که عالماً عامداً اخلال به فوریت کند، ظاهراً طواف باطل می شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

صفحه

۱۴۵

کردن جای مناسب اشکالی ندارد و اگر به قدری فاصله انداخت که موالات عرفیه بهم بخورد معصیت کرده ولی طواف و نمازش صحیح است*(1).

مسأله ۵۵۴ - انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن تا وقتی که موالات عرفیه بهم نخورده مانعی ندارد.

مسأله ۵۵۵ - واجب است این نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام (و در پشت آن خوانده شود بطوری که مقام بین او و خانه کعبه واقع شود و هر چه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است ولی نه بطوری که با سائرین مزاحمت کند.

مسأله ۵۵۶ - در این که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است یعنی باید بطوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام خوانده است و حد مشخصی ندارد.

مسأله ۵۵۷ - اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند باید آنرا در نزدیکی مقام در طرف راست یا چپ آن بجا آورد (2) و اگر این هم ممکن نشد نماز در پشت مقام کافی است. ولی هر چه می تواند به مقام نزدیکتر بایستد. و چنانچه تا بعد از فوت موالات عرفیه عذرش باقی باشد اعاده آن نماز واجب نیست هر چند نتواند آنرا در پشت مقام و نزد آن بجا آورد*.

مسأله ۵۵۸ - اگر با علم و عمد نماز طواف را ترک کرد یا آنرا باطل انجام داد و سعی و تقصیر نمود باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر در وقت اعاده ننمود حج تمتع او باطل است(3).

1 آية الله خوئی: طواف باطل است و باید در وقت، طواف و نماز را اعاده نماید.

2 آية الله تبریزی، آية الله خوئی: نماز باید پشت مقام باشد و اگر نتواند نزد آن بخواند در نقطه دورتری پشت مقام بجا آورد و بنا بر احتیاط هر چه می تواند به مقام نزدیکتر بایستد.

آية الله خامنه ای: اگر نتواند پشت مقام نزد آن بخواند در هر نقطه ای که صدق کند پشت مقام است کافی است بلکه در این صورت در هر جای مسجد الحرام که باشد صحیح است.

3 آية الله بهجت: اگر کسی عمداً چنین کند عمره و حجش باطل نیست و وظیفه دارد که به دستور ترک سهوی نماز طواف عمل کند.

صفحه

۱۴۶

مسأله ۵۵۹ - اگر نماز طواف فراموش شود باید هر وقت که یادش آمد نماز را در مسجد الحرام به همان ترتیبی که در مسائل قبل گذشت انجام دهد (1) و اگر برگشتن به مسجد الحرام برایش مشکل باشد باید هر جا که

یادش آمد بجا آورد هر چند در شهر دیگری غیر از مکه باشد و بازگشتن به حرم واجب نیست گر چه آسان باشد (2) و اگر نماز مذکور نماز طواف نساء باشد تا وقتی آنرا انجام نداده همسرش بر او حرام است.

مسئله ۵۶۰ - اگر نماز را فراموش کرد و در اثناء سعی متوجه شد باید آنرا رها کند و برگردد و نماز را انجام دهد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بپایان رساند (3) و اگر بعد از سعی و تقصیر متوجه شود اعاده آنها لازم نیست.

مسئله ۵۶۱ - در احکام ذکر شده جاهل به مسئله با ناسی مشترک است.

مسئله ۵۶۲ - اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد بر پسر بزرگ او واجب است که آنرا قضا کند به همان تفصیلی که در رساله عملیه در مسائل نماز قضا ذکر شده و اگر دیگری بجا آورد کافی است.

مسئله ۵۶۳ - حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز طواف باید به صورت صحیح خوانده شود و اگر مکلف نتواند بطور صحیح بخواند در صورت امکان باید آنرا یاد بگیرد.

مسئله ۵۶۴ - اگر نتواند قرائت و ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد هر مقدار که خود می تواند بخواند کافی است*(4).

1 آیه الله خامنه ای: این در صورتی است که از مکه دور نشده باشد والا برگشتن به مسجد الحرام لازم نیست.

2 آیه الله فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه والا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز نائب گرفتن هم بعید نیست.

3 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را و در کمتر از نصف همه آنرا مجدداً بجا آورد.

4 آیه الله بهجت: اگر قرائت او صحیح نیست به شخص عادل اقتدا کند و اگر نتواند به جماعت بخواند عمل به وظیفه نمازهای یومیه کافی است.

صفحه

۱۴۷

مسئله ۵۶۵ - کسی که حمد و سوره نمازش را نمی تواند بطور صحیح تلفظ کند اگر برای عمره تمتع یا عمره مفرده و یا حج محرم شد اگر وقت دارد و می تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند و در تأخیر آن عسر و حرجی نیست، لازم است طواف را تأخیر بیاندازد (1) و قرائت را تصحیح نماید ولی چنانچه زودتر طواف نماید و قبل از فوت موالات عرفیه نتواند غلطهای خود را تصحیح نماید به هر نحوی که می تواند بخواند کافی است (2) هر چند معصیت کرده است*.

مسئله ۵۶۶ - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت نماز یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسئله ۵۶۷ - اگر نماز طواف را در غیرموضعی که باید بجا آورد انجام داد مثل این که در حجر اسماعیل(علیه السلام) نماز خواند و بعد از آن متوجه شد باید نماز را اعاده نماید ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.

مسأله ۵۶۸ - اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد چنانچه وقت وسعت دارد صبر می کند تا پاک شود و پس از تحصیل طهارت نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر می کند و برای حج تمتع محرم می شود و پیش از طواف حج، نماز طواف عمره را قضائ نماید.

مسأله ۵۶۹ - اگر زن نماز طواف را فراموش کرد یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آنرا باطل انجام داد و پس از آنکه متوجه شد حایض گردید در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجا می آورد و در ضیق وقت قبل از طواف حج نماز طواف عمره را قضا کند. و در هر دو صورت اگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شده که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.

1 امام خمینی، آیه الله گلپایگانی: تأخیر طواف لازم نیست.

آیه الله بهجت: یا نماز را به جماعت بخواند.

2 آیه الله بهجت: اگر نتواند در مقام به جماعت بخواند عمل به وظیفه یومیه کافی است.

صفحه

۱۴۸

مسأله ۵۷۰ - انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (1) ولی اگر کسی که حمد و سوره اش درست نیست بخواهد برای احتیاط نماز طوافش را به جماعت بخواند می تواند در طواف واجب به شخص عادل که نماز طواف واجبش را می خواند اقتدا کند (2) هر چند طواف امام غیر طواف مأوم باشد مثل این که در نماز طواف حج به نماز طواف نساء اقتدا کند و مانند این که کسی که نایب نیست به نایب اقتدا کند.

مسأله ۵۷۱ - کسی که نمی تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را بطور صحیح تلفظ کند جایز نیست از طرف دیگری، برای حج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و اگر نایب شد احرامش باطل است * (3) بلی کسی که می تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند نیابتش جایز است (4) و اگر نایب شد باید حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود.

مسأله ۵۷۲ - اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که حمد و سوره یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است چنانچه احتمال نمی داده است که آنچه ادا کرده غلط بوده است

1 آیه الله بهجت: کافی بلکه مستحب است.

2 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: اگر امکان نداشت به نماز طواف واجب اقتدا کند می تواند به رجاء مطلوبیت به نماز یومیه اقتدا کند.

3 آیه الله سیستانی: احرامش صحیح است و باید حج را به نیت منوب عنه تمام کند هر چند احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.

آیه الله بهجت: شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه به این مطلب از طرف دیگری محرم شده و در وسط اعمال یا بعد از عمره تمتع متوجه شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد؛ در این صورت نیابتش صحیح است، هر چند از اول نمی توانسته نایب شود.

4 آیه الله فاضل: اگر هنگام قبول نیابت، احتمال تصحیح قرائت را می داده و امکان آن نیز وجود داشته باشد با تصحیح قرائت و انجام اعمال از احرام خارج می شود و الا اصل احرام باطل بوده است و در صورت بطلان احرام نیابی، می تواند برای خودش محرم شود.

نمازش صحیح است (1). وگرنه باید آنرا اعاده کند.

مسأله ۵۷۳ - کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب را صحیح ادا نمی کند می تواند جهت انجام عمره یا حج برای خودش محرم شود هر چند حبش استحبایی باشد و بر او لازم است اگر می تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح و بطور صحیح ادا نماید

مسأله ۵۷۴ - اگر در حال قرائت یا اداء ذکر واجب او را حرکت دادند بطوری که استقرار از بین برود باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آنرا اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آنچه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آنکه وسوسه نباشد.

مسأله ۵۷۵ - در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله ای باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح است. (2)

مسأله ۵۷۶ - در مواردی که مکلف می ترسد اگر نماز طواف شروع کند در اثناء او را حرکت دهند و نمازش را قطع کنند اگر به امید این که بتواند آنرا بطور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را پایان برساند نمازش صحیح است.

۱ آیات عظام: گلپایگانی، صافی، بهجت: نماز باطل است و باید اعاده شود

آیه الله خوئی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است و الا اعاده نماید.

۲ آیه الله خویی، آیه الله خامنه ای: اگر بین آنان فاصله باشد ولو بمقدار یک وجب رعایت تقدم لازم نیست در غیر این صورت لازم است.

آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

فصل ششم: سعی بین صفا و مروه

چهارم از واجبات عمره تمتع سعی است.

مسئله ۵۷۷ - بعد از انجام نماز طواف، واجب است بین صفا و مروه که دو کوه معروفند سعی کند یعنی فاصله میان این دو کوه را بپیماید.

مسئله ۵۷۸ - سعی بین صفا و مروه باید هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط می گویند به این معنی که رفتن از صفا به مروه یک شوط و بازگشت از مروه به صفا شوط دیگر است.

مسئله ۵۷۹ - واجب است سعی را از صفا شروع کند و در دور هفتم به مروه ختم نماید، پس اگر از مروه شروع کند سعیش باطل است و باید آنرا اعاده کند و اگر در اثناء متوجه شد از سر بگیرد. (1)

مسئله ۵۸۰ - همه فاصله بین دو کوه باید سعی شود یعنی از اولین جزء پائین کوه صفا تا رسیدن به اولین جزء پائین کوه مروه پیموده شود و برای احراز آن می توان بر قسمتی از کوه صفا و کوه مروه بالا رفت و بطور متعارف سعی نمود و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از دو کوه سنگ فرش شده و بالا رفتن بر آن کافی است و لازم نیست به سنگهایی که از کوه باقی مانده برسد.

[آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل نماید بعید نیست کفایت کند.]

صفحه

۱۵۱

مسئله ۵۸۱ - حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط بعد بصورت هلالی شکل یا مستقیم چنانچه متعارف است ضرری به سعی نمی زند.

مسئله ۵۸۲ - رفت و برگشت بین صفا و مروه باید از راه متعارف باشد پس اگر از راه غیر متعارف سعی کند باطل است.

مسئله ۵۸۳ - سعی بین صفا و مروه را می توان حتی در حال اختیار سواره انجام داده ولی راه رفتن افضل است.

مسئله ۵۸۴ - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت و ختان در سعی معتبر نیست گر چه با طهارت از حدث موافق احتیاط است.

مسئله ۵۸۵ - اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند بواسطه ترک حجاب معصیت نموده است.

مسئله ۵۸۶ - سعی را باید پس از طواف و نماز آن انجام داد و اگر سعی را قبل از آنها بجا آورد باید پس از طواف و نماز، سعی را اعاده نماید خواه مقدم نمودن آن عمدی باشد یا بجهت فراموشی یا جهل به مسئله. بلی

اگر طواف عمره تمتع را فراموش کند و پس از گذشت وقت عمره تمتع متوجه شود یا طواف حج را فراموش کند و پس از ذی الحجه متوجه شود اعاده سعی لازم نیست

مسئله ۵۸۷ - نظر به این که طبقه دوم سعی بین دو کوه صفا و مروه نیست سعی در آن کفایت نمی کند (1).

مسئله ۵۸۸ - اگر برای سعی طبقه زیرزمینی درست شود و سعی در بین ریشه دو کوه واقع شود کافی است گر چه احتیاط در سعی در طبقه همکف می باشد.

مسئله ۵۸۹ - در وقت رفتن به مروه واجب است متوجه به مروه و در بازگشت به صفا متوجه به صفا باشد پس اگر عقب عقب برود یا به پهلو حرکت کند باطل است ولی نگاه

1] آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به این که از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه می شود کفایت می کند.

صفحه

۱۵۲

کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد (1).

مسئله ۵۹۰ - اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدار را تدارک نماید و نباید بدون تدارک آن قسمت به سعی خود ادامه دهد.

مسئله ۵۹۱ - در فرض مسئله قبل اگر به جهت عدم توجه به مسئله بدون تدارک آن قسمت به سعی ادامه داد و سپس متوجه شد برگردد و از همان جا که سعیش اشکال پیدا کرده سعی را تمام کند مگر این که در شوط اول بوده و موالات فوت شده که در این صورت سعی را از سر بگیرد.

مسئله ۵۹۲ - نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه یا بین آنها برای استراحت و رفع خستگی جایز است هر چند عذر خاصی نداشته باشد، ولی اگر در بین شوط اول است بنا بر احتیاط نباید بقدری فاصله شود که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسئله ۵۹۳ - تأخیر سعی از طواف و نماز آن تا شب جایز است هر چند عذری نداشته باشد ولی نمی تواند آنرا بدون عذری مانند بیماری تا روز بعد تأخیر اندازد و اگر به روز یا روزهای بعد تأخیر انداخت معصیت کرده (2) ولی طواف و نمازش صحیح است*.

مسئله ۵۹۴ - کسی که می خواهد در شب طواف و نماز آن را انجام دهد اگر بداند که برای انجام سعی پیش از اذان صبح وقت ندارد می تواند طواف و نماز را انجام دهد و پس از اذان و در روز سعی نماید و اما اگر قبل از اذان صبح وقت برای انجام سعی داشته باشد نباید سعی را تأخیر بیندازد.

مسئله ۵۹۵ - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای خداوند متعال بجا آورد (3).

1] آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد.

2] آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تأخیر انداختن به روز یا روزهای بعد تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده کند.

3 آية الله سيستاني: بايد براي تذلل و کرنش در پيشگاه خداوند انجام شود.

صفحه

۱۵۳

مسأله ۵۹۶ - سعي مانند طواف ركن است و حكم ترك عمدي و سهوي آن همان است كه در طواف گذشت.

مسأله ۵۹۷ - اگر عمداً بيش از هفت مرتبه سعي نمايد سعي او باطل است به تفصيلي كه در طواف گذشت.

مسأله ۵۹۸ - اگر سهواً بيش از هفت دور سعي نمايد سعیش صحيح است خواه مقدار زياده يك شوط باشد يا کمتر يا بيشتر، و بهتر است زائد را رها كند گر چه بعيد نيست بتواند آنرا به هفت مرتبه برساند(1).

«كم كردن سعي»

مسأله ۵۹۹ - اگر سعي را سهواً ناقص انجام دهد سپس چنانچه يك شوط يا بيشتر آورده و بقيه را ترك کرده بايد باقيمانده را هر وقت يادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال حج تدارك نمايد و همينطور اگر کمتر از يك شوط انجام دهد و قبل از فوت موالات متوجه شود بقيه سعي را انجام دهد كافي است و اما اگر بعد از فوت موالات متوجه شد احتياط آن است كه سعي را از سر بگيرد و در موارد مذكور اگر به وطن خود مراجعت کرده چنانچه مشقت ندارد بايد برگردد و اگر نمي تواند يا مشقت دارد نائب بگيرد كه سعیش را تكميل كند و اگر کمتر از يك شوط آورده يك سعي كامل بر ايش بجا آورد.

«شك در سعي»

مسأله ۶۰۰ - اگر پس از تقصير شك كند كه سعي را انجام داده يا نه، بنا مي گذارد كه سعي کرده و همينطور اگر در روز بعد از انجام طواف و نماز شك كند كه سعي کرده (2) يا نه

1 آيات عظام: خوئي، سيستاني، بهجت: اگر يك شوط يا بيشتر انجام داده مستحب است آن را به هفت مرتبه برساند.

2 آية الله فاضل: چنان چه شك دارد كه با عذر تأخير انداخته يا نه، وجهي براي بناگذاري بر اين كه آورده شده نيست.

صفحه

۱۵۴

و اما اگر قبل از اين وقت و پيش از تقصير چنين شكي نمايد بايد سعي را انجام دهد*.

مسأله ۶۰۱ - اگر در حال سعي در عدد شوطهاي آن شك كند و به اميد اين كه شك او مبدل به يقين شود به سعي خود ادامه دهد و سپس يقين كند كه هفت مرتبه سعي نموده سعیش صحيح است.

مسأله ۶۰۲ - اگر پس از پايان سعي يا شوطي از آن، شك كند كه آنرا درست انجام داده يا نه، به شك خود اعتنا نكند و سعیش صحيح است و همينطور اگر در اثناي يك شوط شك كند كه قسمت قبلي را درست انجام داده يا نه به شك خود اعتنا نمي كند.

مسئله ۶۰۳ - اگر در مروه شک کند هفت شوط آورده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است هر چند شک او قبل از تقصیر باشد و اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این شوط هفتم است یا نهم سعی باطل است و باید از سر بگیرد.

مسئله ۶۰۴ - اگر پس از تقصیر شک کند که هفت شوط از سعی را آورده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است و اما اگر پیش از آن چنین شکی نماید سعیش باطل است خواه پس از فراغت از سعی و انصراف از آن باشد (۱) یا قبل از آن و همینطور است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مثل یک و سه و یا دو و چهار.

احکام سعی

مسئله ۶۰۵ - اگر به تصور این که مجموع رفت و برگشت یک شوط است چهارده مرتبه بین صفا و مروه سعی نمود سعی او صحیح است و اگر در اثناء متوجه شد چنانچه قبل از انجام هفت شوط باشد آنرا تا هفت شوط کامل نماید و اگر بیشتر از هفت شوط انجام داده است و سپس متوجه شده حکم زیاده سهویه را دارد که گذشت و در هر

. [آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: در این صورت به شک خود اعتنا نکند

امام خمینی، آیه الله فاضل: در این صورت احتیاط آن است که آنچه را احتمال می دهد نیاورده انجام دهد و سعی او صحیح است بلکه در فرضی که احتمال می دهد که برای حاجتی عمداً سعی را ناقص گذاشته و موجب اتمام بعید نیست.

صفحه

۱۵۵

صورت سعیش صحیح است.

مسئله ۶۰۶ - با تمام نمودن سعی محرمات احرام بر او حلال نمی شود.

مسئله ۶۰۷ - کسی که در عمره تمتع قبل از تمام شدن سعی به تصور این که هفت شوط آن تمام شده و از احرام خارج شده جماع کرد باید علاوه بر تکمیل سعی یک گاو (۱) برای کفاره ذبح کند بلکه اگر برای تقصیر ناخن گرفته باید کفاره مذبور را بدهد هر چند جماع نکرده باشد (۲) و اما در غیر عمره تمتع کفاره واجب نیست و همینطور * (۳) در عمره تمتع اگر موی خود را چیده و جماع ننموده است.

مسئله ۶۰۸ - هر گاه در اثناء سعی متوجه شود که طوافش بیش از هفت شوط بوده می تواند این گونه احتیاط کند که سعی را تمام نماید (۴) و بعد از فوت موالات بین شوط زائد طواف و مقدار باقی مانده آن تا چهارده شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده نماید و بعد تقصیر کند.

مسئله ۶۰۹ - اگر در اثناء سعی برای نوشیدن آب از مسیر خود منحرف شد باید سعی را از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن ادامه دهد ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشیدن آب سعی را ادامه دهد مانعی ندارد.

مسئله ۶۱۰ - با توجه به این که محل سعی مسجد نیست زنان حایضی که مجبورند برای طواف نائِب بگیرند سعی را باید خودشان پس از این که نائِب طواف و نماز را بجا آورد انجام دهند.

مسئله ۶۱۱ - در زمان حاضر که مسیر رفت و برگشت و محل ویژه حرکت چرخها از

1 آية الله بهجت: كفاره آن كفاره جماع است.

2 امام خميني: اگر جماع نکرده كفاره ندارد.

3 آية الله خوئي: در عمره تمتع اگر به غير ناخن هم تقصير نمود كفاره مذبور را بايد بدهد.

4 آية الله سيستاني: احتياط آن است که برگردد به مسجد الحرام و شوط اضافي را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکميل نمايد و براي آن نماز طواف بخواند، سپس سعیش را تمام کند و احتياط مستحب اين است که آنرا اعاده نمايد.

آية الله فاضل: احتياطاً سعي را رها کند تا موالات عرفيه از بين برود پس از آن همه را اعاده کند.

صفحه

۱۵۶

هم تفکیک شده اگر سعي را در محل عبور چرخها، بر خلاف جهت سائر سعي کنندگان سعي نمايد اشکال ندارد ولي نبايد مزاحم ديگران شود.

مسأله ۶۱۲ - زيادي در سعي از روي جهل سعي را باطل نمي کند و حکم زيادي سهوي را دارد.

مسأله ۶۱۳ - اگر کسي در حال سعي بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان اين که هروله لازم بوده برگردد و مقداري را که به صورت عادي سير کرده با هروله تکرار کند سعي او صحيح است.

مسأله ۶۱۴ - اگر در حال سعي به جهت کنترل همراهان و مانند آن چند قدمي به عقب برگردد و بدون توجه آن مقدار را مجدداً سعي نمايد سعیش صحيح است.

مسأله ۶۱۵ - شخصي که نمي تواند بدون استفاده از صندلي چرخدار سعي کند اگر امکان تهيه آنرا دارد هر چند با فروش بعضي از اجناسي که براي سوغاتي تهيه کرده و در اين کار حرج و مشقتي نيست بايد آنرا تهيه کند و خود سعي نمايد و نائب گرفتن جائز نيست.

مسأله ۶۱۶ - اگر کسي سعي خود را رها کرده و از ابتدا یک سعي کامل انجام داده سعي او صحيح است.

مسأله ۶۱۷ - اگر پس از سعي متوجه شود که طواف را باطل انجام داده بايد پس از انجام طواف و نماز آن سعي را اعاده نمايد و اگر در اثناء سعي متوجه شد آنرا رها کند و پس از طواف و نماز آن سعي را اعاده نمايد.

مسأله ۶۱۸ - افراي که بر روي چرخ و امثال آن سعي مي نمايند بايد در حال سعي بيدار باشند.

صفحه

۱۵۷

پنجم از واجبات عمره تمتع تقصیر است:

مسأله ۶۱۹ - بعد از انجام سعی واجب است تقصیر کند یعنی قدری از ناخن یا موی سر یا شارب و یا ریش خود را بچیند و تراشیدن سر کافی نیست بلکه حرام است و همینطور است کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن.

مسأله ۶۲۰ - در تقصیر کردن مو کافی نیست بلکه باید آنرا کوتاه کند و با هر وسیله ای که باشد صحیح است.

مسأله ۶۲۱ - تقصیر از عبادات است و باید آنرا با نیت خالص برای خداوند انجام بدهد و اگر در آن ریا کند تقصیرش باطل و کار حرامی انجام داده است.

مسأله ۶۲۲ - اگر تقصیر را عمداً ترک کند و برای حج محرم شود عمره او باطل می شود و حج او به افراد مبدل می گردد و چنانچه بر او واجب بوده باید پس از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب (۱) حج را در سال بعد اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که عالم به مسأله باشد یا جاهل.

مسأله ۶۲۳ - اگر عمداً تقصیر خود را باطل انجام داده مثل این که بجای کوتاه کردن مو، آنرا بکند حکم مسأله قبل را دارد.

۱ آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

صفحه

۱۵۸

مسأله ۶۲۴ - اگر تقصیر را فراموش نمود و برای حج احرام بست عمره اش صحیح است و مستحب است یک گوسفند فدیة بدهد بلکه مطابق احتیاط است.

مسأله ۶۲۵ - پس از تقصیر همه محرمات احرام حتی نزدیکی با همسر حلال می گردد بلی سر تراشیدن جایز نیست (۱)

مسأله ۶۲۶ - کسی که تقصیر را سهواً یا از روی جهل به مسأله باطل انجام داده و محرمات احرام غیر از صید را مرتکب شده کفاره ندارد.

مسأله ۶۲۷ - اگر بعد از تقصیر شک کند که تقصیرش صحیح است یا نه. چنانچه به مسأله آگاه بوده و احتمال می دهد در حین انجام تقصیر التفات داشته به شک خود اعتنا نکند (۲).

مسأله ۶۲۸ - کسی که تقصیر عمره مفرده را انجام نداده یا تقصیرش باطل بوده است و برای عمره تمتع یا عمره مفرده دیگری محرم شده احرامش باطل است و باید با تقصیر از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک تقصیر یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی.

مسأله ۶۲۹ - تقصیر عمره مفرده یا تمتع را لازم نیست بلافاصله پس از سعی انجام دهد بلکه در وسعت وقت می تواند آنرا با تأخیر و در هر جایی که خواست انجام دهد بنابراین کسی که تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن پادش آمد در همانجا تقصیر کند ولی برای طواف نساء (۳) اگر نمی تواند برگردد یا مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۶۳۰ - لازم نیست تقصیر را بدست خود انجام دهد بلکه می تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد.

مسأله ۶۳۱ - کسی که هنوز از احرام خارج نشده می تواند ناخن دیگری را برای

۱ آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: تراشیدن سر نیز جایز است.

آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده تراشیدن سر تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است.

۲ آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: در هر صورت به شک خود اعتنا نکند.

۳ آیه الله بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر بجهت ضرورت یا نسیان یا جهل مقدم داشته مجزی است.

صفحه

۱۵۹

تقصیر بگیرد ولی چیدن موی او جایز نیست و از تقصیر کفایت نمی کند (۱).

مسأله ۶۳۲ - کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بعد از طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست ولی باید بعد از سعی تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد.

مسأله ۶۳۳ - اگر سعی را ترک کند یا آنرا ناقص انجام دهد یا سعیش باطل باشد و با این حال تقصیر نماید باید پس از انجام سعی یا تدارک آن تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمان اجتناب کند و حکم کفاره تقصیری که انجام داده قبلاً گذشت و در مسأله فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست (۲).

مسأله ۶۳۴ - اگر پس از تقصیر بفهمد طواف یا بعضی از دورهای آنرا باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز و سعی تقصیر را نیز اعاده کند (۳).

«احکام خاص بین عمره تمتع و حج»

در بین عمره تمتع و حج آن باید از کارهایی اجتناب شود که عبارتند از:

۱- انجام عمره مفرده

۲- خروج از مکه

3- تراشیدن سر، و تفصیل آنها در مسائل آتی بیان خواهد شد.

مسئله ۶۳۵ - انجام عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج جایز نیست و صحیح

1 امام خمینی، آیه الله بهجت: کفایت می کند.

2 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر این کار بجهت جهل یا فراموشی بوده تقصیرش صحیح است و از احرام خارج شده.

3 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده تقصیرش صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

آیه الله فاضل: اگر بطلان طواف در اثر فراموشی بعضی از شروط یا بجهت جهل به برخی از شرائط و خصوصیات باشد تقصیرش صحیح و از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

صفحه

۱۶۰

نیز نمی باشد ولی اگر انجام داد عمره تمتع و حج آن باطل نمی شود*(1).

مسئله ۶۳۶ - کسی که عمره تمتع بجا آورده اگر مطمئن است که با خارج شدن از مکه حج از او فوت نمی شود و می تواند به موقع برگردد و برای حج محرم شود جایز است بدون احرام از مکه خارج شود*(2) و در غیر این صورت جایز نیست خارج شود مگر برای ضرورت یا حاجتی که در این فرض باید برای حج تمتع محرم شود و سپس خارج شود. از آنچه ذکر شد وظیفه خدمه کاروانها و کارگزاران حج که عمره تمتع انجام داده اند و می خواهند برای انجام وظائف به منی و عرفات و امثال آن بروند روشن شد.

مسئله ۶۳۷ - رفتن به محله های جدید مکه بلکه اطراف و توابع*(3) آن مانند غار ثور پس از انجام عمره تمتع اشکالی ندارد.

مسئله ۶۳۸ - کسی که پس از عمره تمتع بدون این که برای حج محرم شود از مکه خارج شود چنانچه در همان ماهی که در آن برای عمره تمتع محرم

1 آیه الله تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر این که از حرم خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می شود.

آیه الله سیستانی: اگر در بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده بجا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره مفرده اش تمتع به حساب می آید و می تواند برای حج محرم شود.

آیه الله فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده بجا آورده شود اما اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی الحجه در مکه بماند این عمره مفرده، عمره تمتع محسوب می شود و حج تمتع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

2 آیات عظام خوئی، گلپایگانی، تبریزی: خروج جایز نیست مگر آنکه برای حاجتی باشد و بیم آن نرود که اعمال حجش فوت گردد که در این صورت واجب است برای حج خود از مکه احرام حج را بسته و برای کاری که دارد از مکه بیرون رود.

3 آیه الله گلپایگانی: خروج از مکه جایز نیست.

آیه الله فاضل: رفتن به اطراف شهر مکه با توجه به توسعه آن تا جایی که صدق کند از مکه است مانعی ندارد.

صفحه

۱۶۱

شده (1) بازگردد می تواند (2) بدون احرام به مکه مراجعت نماید خواه پس از خروج از مکه از میقات عبور کرده باشد یا نه و همینطور است اگر در ماه بعد بازگردد و از میقات عبور نکرده (3) و اما اگر در ماه بعد بازگردد و پس از خروج از مکه از میقات عبور کرده باید مجدداً از میقات برای عمره تمتع محرم شود.

مسأله ۶۳۹ - تراشیدن سر بعد از تقصیر عمره تمتع جایز نیست (4) ولی ماشین کردن آن مانعی ندارد و اگر سر را بتراشد کفاره ندارد.

مسأله ۶۴۰ - تراشیدن صورت پس از تقصیر عمره تمتع مانند تراشیدن آن در اوقات دیگر است و حکم خاصی ندارد.

«تبدیل حج تمتع به افراد»

مسأله ۶۴۱ - شخصی که برای عمره تمتع محرم شده اگر بواسطه عذری، زمانی وارد مکه شد که می داند یا ترس دارد که اگر بخواد عمره تمتع بجا آورد وقت و قوف به عرفات می گذرد باید به حج افراد عدول کند و چنانچه حج واجب را انجام می دهد پس از آن باید عمره مفرده بجا آورد و حج او صحیح و از حجة الاسلام کفایت می کند و اگر حج او مستحبی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۴۲ - اگر زنی محرم به احرام عمره تمتع شود ولی به واسطه حیض یا نفاس نتواند طواف بجا آورد و اگر بخواد بماند تا پاک شود ترس آن را دارد که وقت و قوف به عرفات بگذرد باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد عمل نماید (5).

1 آیه الله خوئی: ماهی که در آن عمره را انجام داده.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید بدون احرام به مکه مراجعت نماید.

3 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: در این فرض باید برای عمره تمتع محرم شود مانند فرض بعد.

4 نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: در مسأله ۶۲۲ گذشت.

5 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از احرام حیض شود مخیر است بین عمل به دستور مسأله قبل و بین این که سعی و تقصیر را انجام داده و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

صفحه

۱۶۲

مسأله ۶۴۳ - کسی که بواسطه عذري بدون احرام وارد مکه شده و وقت براي عمره تمتع ندارد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۴۴ - اگر زن در میقات می داند یا احتمال می دهد که بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست می تواند به قصد ما فی الذمه محرم شود (قصد کند محرم می شوم به احرامی که وظیفه من است خواه تمتع باشد یا حج افراد) پس چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شود عمره تمتع بجا آورد و اگر پاک نشد حج افراد بجا آورده و پس از آن باید عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است و از حجه الاسلام کفایت می کند و اگر حج او استحبابی است انجام عمره مفرده لازم نیست.

مسأله ۶۴۵ - اگر زن بداند بواسطه حیض یا نفاس متمکن از عمره تمتع در وقت خود نیست و با این حال برای عمره تمتع محرم شد چنانچه قصدش انجام وظیفه فعلیه بوده و خیال می کرده که وظیفه اش عمره تمتع است احرامش صحیح است و باید حج افراد انجام دهد(1).

مسأله ۶۴۶ - اگر زن قبل از طواف خون دید و چون خیال می کرد حیض است و وقت برای انجام عمره تمتع ندارد عدول به حج افراد کرد و بعد در عرفات فهمید حیض نبوده اگر وقت برای عمره تمتع باقی نمانده (2) و تأخیرش عمدی نبوده حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است یک عمره مفرده نیز انجام دهد(3).

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر بعد از احرام حیض شود مخیر است بین این که عدول کند به حج افراد و بعد از حج اگر حجش واجب است عمره مفرده بجا آورد و بین این که سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

2 آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر وقت نداشته باشد به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده اعمالش را تمام می کند و چنانچه استطاعتش باقی بود یا بعد از آن مستطیع شد باید در سالهای آینده حج بجا آورد.

3 آیه الله سیستانی: اگر وقت عمره تنگ باشد، پس اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعیه باشد، مثلاً خونی که دیده در ایام عادتش بوده، ولی قبل از سه روز قطع شود، در این صورت احتیاط واجب آن است که اعمال حج افراد را تمام کند و اگر حج در ذمه او مستقر بوده و یا اگر مستقر نبوده، بعداً مستطیع شود احتیاطاً باید دوباره حج نماید، ولی اگر مستقر نبوده و مستطیع هم نشود، چیزی بر او نیست و اگر اعتقاد به حیض از روی موازین شرعیه نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

آیه الله فاضل: اگر با علم به حائض شدن تأخیر نینداخته.

صفحه

۱۶۳

مسأله ۶۴۷ - کسی که وظیفه اش حج تمتع است چنانچه در وقت احرام بداند برای انجام عمره تمتع وقت ندارد می تواند برای حج افراد محرم شود و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و حج او صحیح است(1).

مسأله ۶۴۸ - محرمی که حائض بوده اگر بعد از گذشتن ایام عادتش پاک شود و پس از غسل اعمال عمره تمتع را انجام دهد و احرام حج بسته به عرفات و مشعر برود و آنجا قبل از گذشتن ده روز از اول حیضش لک ببیند پس اگر بداند حیض است و تمکن از تدارک عمره تمتع ندارد باید عدول به افراد نماید ولی اگر نداند که آیا ادامه دارد تا بعد از ده روز تا این مازاد بر عادتش استحاضه باشد یا قطع می شود تا حیض باشد باید (2) احتیاط کند پس اعمال بعدی را به قصد ما فی الذمه و بدون تعیین تمتع یا افراد انجام دهد و احتیاطاً در منی قربانی نموده و بعد از اعمال حج یک عمره مفرده انجام دهد و چنانچه قصد تمتع نماید و بعد از انجام بعض اعمال کشف خلاف شود اکتفا به این حج نکند مگر

1 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، فاضل: وظیفه اش مبدل به افراد نمی شود و اگر حج تمتع بر او مستقر شده یا استطاعتش باقی باشد باید در سال بعد حج تمتع انجام دهد بلی جایز است فعلاً برای عمره مفرده یا حج استحبابی محرم شود.

آیه الله گلپایگانی: باید حج افراد به جا آورد و بعد عمره مفرده و بنابر احتیاط واجب در سال بعد حج تمتع به جا آورد.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: چنانچه آن لک به وصف حیض نباشد زن مذبور مستحاضه است.

آیه الله مکارم: چنانچه کاملاً پاک شده باشد، عمره او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی زند، زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد، بنابراین منظور از ده روز، مجموع دو خون است نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

صفحه

۱۶۴

این که قصد انجام وظیفه فعلی داشته که کافی است، بلی پس از گذشت ده روز از اول حیض وظیفه اش روشن می شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده و الا استحاضه بوده و حج تمتع او صحیح است.

مسأله ۶۴۹ - کسی که عمداً عمره تمتع خود را باطل کند مثل این که احرام را تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد حج او باطل است و از موارد عدول (1) به افراد نیست*. البته می تواند برای عمره مفرده یا حج افراد استحبابی احرام ببندد.

مسأله ۶۵۰ - کسی که حج تمتع او مبدل به افراد شده باید بعد از حج فوراً (2) عمره مفرده انجام دهد ولی اگر به هر دلیل عمره را تأخیر انداخت و در وقت دیگر انجام داد صحیح و مجزی است حتی اگر عمره را در سال بعد و بعد از حج و عمره دیگر انجام دهد به صحت حج و عمره ضرر نمی زند.

«تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع»

مسأله ۶۵۱ - کسی که عمره مفرده را در ماه های حج بجاء آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده (3) می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج بجاء آورد و در این حکم فرقی بین واجب و مستحب نیست*(4).

1 آیه الله بهجت: این شخص گرچه بواسطه ابطال عمره معصیت نموده است ولی باید به حج افراد عدول کند و سپس عمره مفرده انجام دهد و احتیاطاً در سال بعد حج تمتع بجا آورد.

آیه الله گلپایگانی: حج او مبدل به افراد می شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند.

2 آیه الله سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

3 آیه الله سیستانی: اگر تا روز هشتم ذی الحجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره اش تمتع محسوب می شود.

آیه الله تبریزی: کسی که از یکی از مواقبت معروفه (نه مسجد تنعیم) محرم به عمره مفرده شده و اعمال آن را بجاء آورد هر چند از اول قصد تبدیل داشته باشد تبدیل به عمره تمتع می شود.

4 آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: این حکم در مورد حج مستحبی است (آیه الله صافی و آیه الله گلپایگانی اضافه فرمودند: و عمره مفرده ای که انجام داده بر او واجب نبوده)

صفحه

۱۶۵

مسئله ۶۵۲ - کسی که قصد بیرون رفتن از مکه را داشت به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده محرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجا آورد بعداً از خروج از مکه منصرف شد حکم مسئله قبل را دارد.

مسئله ۶۵۳ - کسی که در غیر ماه های حج عمره مفرده انجام داده نمی تواند برای حج تمتع به عمره انجام شده اکتفا نماید و باید عمره تمتع بجا آورد.

مسئله ۶۵۴ - در موارد مذکوره در مسائل قبل اگر بخواهد عمره تمتع انجام دهد باید به یکی از مواقیب پنج گانه برود و نمی تواند از ادنی الحل مانند تنعیم محرم شود.

مسئله ۶۵۵ - اگر قبل از خارج شدن از احرام عمره مفرده به تقصیر، برای عمره تمتع محرم شود احرامش صحیح نیست و همچنان در احرام عمره مفرده باقی می ماند و باید اعمال آن را تمام کند و برای احرام عمره تمتع مجدداً به میقات برود مگر این که عمره مفرده اش در ماه های حج همان سالی که می خواهد حج به جا آورد واقع شده باشد که در این صورت می تواند آن را عمره تمتع خویش قرار دهد به تفصیلی که گذشت و اگر اعمال عمره اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی بماند که می تواند آن را عمره تمتع خویش قرار دهد. و اگر اعمال عمره مفرده را انجام داده و فقط طواف نساء را ترک کرده احرام او برای عمره تمتع صحیح است و باید پس از انجام عمره تمتع یا قبل از آن طواف نساء عمره مفرده را انجام دهد.

«سایر موارد عدول»

مسئله ۶۵۶ - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسئله ۶۵۷ - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین بوده و به همین نیت در یکی از مواقیب محرم شده نمی تواند عدول به حج تمتع یا عمره مفرده بنماید.

صفحه

۱۶۶

«پایان وقت عمره تمتع»

مسئله ۶۵۸ - وقت عمره تمتع که در مسائل گذشته به آن اشاره شد تا وقتی باقی است (1) که با انجام دادن عمره تمتع خوف نرسیدن (2) به وقوف اختیاری عرفه (که از ظهر روز نهم ذی الحجة است تا غروب آن) نداشته باشد.

1 آیه الله سیستانی: که بتواند قبل از زوال روز عرفه اعمال عمره را تمام کند.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: به جزء رکنی از وقوف اختیاری عرفه را نداشته باشد.

صفحه

بخش سوم:

اعمال حج تمتع

صفحه

١٦٨

صفحه

١٦٩

فصل اول: احرام حج :

اول از واجبات حج احرام بستن است.

مسأله ۶۵۹ - واجب است پس از اتمام عمره تمتع برای حج تمتع احرام ببندد.

مسأله ۶۶۰ - کیفیت احرام بستن برای حج تمتع و گفتن لبیک و واجبات احرام همانگونه است که در احرام عمره تمتع گذشت با این تفاوت که در احرام حج قصد می کند احرام حج تمتع را.

مسأله ۶۶۱ - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام نیز حرام است و آنچه از محرمات که کفاره داشت به همان ترتیب ذکر شده کفاره دارد.

مسأله ۶۶۲ - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله برای حج محرم نشد و پس از خروج از مکه یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت سه صورت دارد:

1- قبل از وقوف به عرفات یادش بیاید یا مسأله را یاد بگیرد که در این صورت باید برگردد و در مکه محرم شود مگر آنکه بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر امکان بازگشت نداشته باشد که باید در همانجا محرم شود.

2- بعد از وقوف به عرفات یا در اثناء اعمال قبل از حلق یا تقصیر یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت که در این صورت (1) باید فوراً در همانجا محرم شود

. [آیه الله مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجتش صحیح است.

صفحه

۱۷۰

3- بعد از حلق یا تقصیر یادش آمد یا مسأله را یاد گرفت که در این صورت عملش صحیح است و لازم نیست تلبیه بگوید.

«زمان احرام»

مسأله ۶۶۳ - جایز است احرام حج تمتع را تا وقتیکه بتواند بعد از آن وقوف اختیاری عرفات را درک کند تأخیر اندازد و تأخیر بیش از این مقدار جایز نیست (1) و مستحب است روز هشتم ذی حجه که به آن یوم ترویبه گفته می شود محرم شود بلکه موافق احتیاط است.

مسأله ۶۶۴ - کسی که می خواهد پس از عمره تمتع برای حاجتی از مکه خارج شود و مطمئن نیست (2) که بتواند برای احرام حج به مکه بازگردد باید قبل از خروج برای حج تمتع محرم شود و با همان احرام اعمال حج را انجام دهد هر چند خروج او قبل از یوم الترویبه باشد.

«مکان احرام حج»

مسأله ۶۶۵ - محل احرام حج تمتع شهر مکه است و در تمام مناطق شهر می توان محرم شد مگر این که خارج حرم باشد مثل تنعیم و افضل آن است که در مسجد الحرام نزد مقام ابراهیم (علیه السلام) یا در حجر اسماعیل (علیه السلام) محرم شود.

مسأله ۶۶۶ - احرام در مناطق جدید الاحداث مکه که در محدوده حرم است اگر عرفاً جزء شهر مکه است جایز می باشد هر چند به توسط رشته کوهها و مانند آن از سایر قسمتهای شهر جدا باشد ولی در جایی که مشکوک است که جزء مکه است یا نه نمی توان محرم شد.

1 آیه الله سیستانی: برای کسی که می تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند.

2 نظر آیات عظام خوئی، تبریزی، گلپایگانی و احتیاط آیات عظام امام و صافی ذیل مسأله ۶۳۶ گذشت.

صفحه

۱۷۱

مسأله ۶۶۷ - اگر احرام را از روی علم و عمد ترک کند تا وقت وقوف اختیاری عرفات فوت شود، حجش باطل است و اگر به مقدار رکن از وقوف را درک کند، حجش صحیح است اگر چه گناه کرده است.

مسأله ۶۶۸ - اشخاص معذوری که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می دارند باید این اعمال را بعد از محرم شدن برای حج انجام دهند و اگر قبل از احرام انجام دهند کفایت نمی کند و باید بعد از احرام حج، قبل یا بعد از وقوفین آن اعمال را اعاده نمایند.

مسأله ۶۶۹ - کسی که عمره تمتع انجام داده نباید برای حج افراد محرم شود و چنانچه در احرام حج قصد حج افراد نمود پس اگر از مکه خارج شده و در میقات محرم به احرام حج افراد شده بعید نیست * (1) صحت حج او، ولی تمتع واقع نمی شود ولی اگر در مکه احرام بسته حج او صحیح نیست مگر این که از باب اشتباه در تطبیق بوده باشد که حج او صحیح است و تمتع واقع می شود.

مسأله ۶۷۰ - کسی که نمی دانسته باید برای احرام حج افراد به یکی از مواقیع معروفه برود و در حرم محرم شده چنانچه ممکن نیست به میقات برود و در آنجا محرم شود و به وقوف برسد در همان محلی که هست محرم شود (2) و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده حج او صحیح است.

«مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات(3)»

مسأله ۶۷۱ - اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

1 آیه الله سیستانی: عدول جایز نیست ولی اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

2 آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: و اگر می تواند به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

3 آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجا آورد.

صفحه

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْ تُبَيِّتَ لِي فَايَمًا أَوْ نَا عِبْدَكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.»

و مستحب است (1) شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت (2) آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح (3) مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لِلنِّيكِ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تُجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

1 آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است، بنابراین نباید اصراری بر آن داشته باشد و در دسر برای خود و دیگران ایجاد کند، هرگاه نیتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می دهد.

2 آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی: بلکه احوط.

3 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام.

فصل دوم: وقوف به عرفات

دوم از واجبات حج وقوف به عرفات است.

مسئله ۶۷۲ - پس از احرام بستن برای حج تمتع واجب است وقوف در سرزمین عرفات که محلی است معروف با حدود شناخته شده و این وقوف، چون سایر عبادات باید با قصد قربت و نیت خالص آورده شود.

مسئله ۶۷۳ - مقصود از وقوف، بودن در آن مکان است به هر حالی که باشد خواه در حال حرکت باشد یا ساکن، سواره باشد یا پیاده، یا نشسته یا خوابیده.

مسئله ۶۷۴ - اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد (۱) وقوف او باطل است ولی اگر بعد از داخل شدن وقت وقوف نیت کند و سپس بخوابد یا بیهوش شود اشکال ندارد*.

مسئله ۶۷۵ - حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی با تابلوهای مخصوص مشخص شده اگر موجب اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است (۲).

۱ آیه الله تبریزی: اگر قبل از خواب قصد وقوف کرده ولو در هنگام وقوف خواب باشد مانعی ندارد.

آیه الله مکارم: هرگاه قبلاً به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و به همین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود صحت وقوف او بعید نیست.

۲ آیه الله سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود.

آیه الله مکارم: معمولاً مورد قبول اهل محل است. بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده اند معتبر است.

صفحه

۱۷۴

مسئله ۶۷۶ - جبل الرحمه جزء موقف عرفات است ولی وقوف بر آن کراهت دارد (۱) اما در غیر حال وقوف کراهت ندارد.

«وقوف اختیاری عرفه»

مسأله ۶۷۷ - در حال اختیار باید از ظهر روز عرفه تا غروب شرعی (۲) که وقت نماز مغرب است در عرفات وقوف نماید و از ظهر شرعی تأخیر نیندازد بلی تأخیر به مقدار خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم و مقدمات آن (۳) مانعی ندارد.

مسأله ۶۷۸ - توقف در تمام مدت مذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولیکن تمام آن رکن نیست که با ترک آن حج باطل شود بلکه آنچه رکن است مسمای وقوف است بنابراین اگر مقدار کمی هم در عرفات بماند که عرفاً گفته شود قدری در عرفات بوده هر چند یک یا دو دقیقه باشد و سپس خارج شود یا مثلاً دقائقی پیش از غروب به عرفات بیاید و وقوف کند حج او صحیح است هر چند این کار با علم و عمد انجام شود.

مسأله ۶۷۹ - اگر با علم و عمد (۴) وقوف رکنی را ترک کند یعنی از ظهر تا غروب هیچ در عرفات نباشد حجتش باطل است و وقوف در شب عید که وقوف اضطراری عرفه است برای او کفایت نمی کند.

مسأله ۶۸۰ - اگر پیش از غروب از عرفات کوچ کند و از محدوده آن خارج شود باید

۱ آیه الله سیستانی: جبل الرحمه جزء موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.

۲ آیه الله سیستانی: تا غروب آفتاب

۳ آیه الله سیستانی: و یک غسل

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تأخیر تا یک ساعت مانعی ندارد.

۴ آیه الله سیستانی: یا جهل تقصیری

صفحه

۱۷۵

مجدداً مراجعت نماید و تا غروب وقوف نماید هر چند خروجش از عرفات سهوی باشد.

مسأله ۶۸۱ - اگر پس از آنکه خارج شد مجدداً به عرفات باز نگردد چنانچه خروجش از روی علم و عمد بوده باید یک شتر در منی (۱) روز عید قربانی کند و اگر از قربانی متمکن نباشد باید هیجده روز روزه بگیرد و لازم نیست این هیجده روز پشت سر هم باشد و اگر خروجش سهوی بوده کفاره ندارد هر چند بواسطه عدم مراجعت معصیت کرده است

«وقوف اضطراری عرفه»

مسأله ۶۸۲ - اگر کسی بواسطه عذری مانند فراموشی و تنگی وقت (۲) و مانند آن (۳) از ظهر روز نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از این زمان را درک نکند کافی است که مقداری از شب عید تا طلوع فجر (۴) را هر چند اندک در عرفات باشد (۵) و این زمان را وقت وقوف اضطراری عرفه می گویند.

مسأله ۶۸۳ - کسی که بواسطه عذری روز عرفه را در عرفات وقوف نکرد اگر عمداً و بدون عذر شب دهم را در عرفات وقوف نکند حج او باطل می شود هر چند وقوف مشعر را درک کند.

مسأله ۶۸۴ - اگر بواسطه عذری مانند فراموشی یا غفلت وقوف اختیاری و اضطراری

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: در هر جایی می تواند قربانی کند (مرحوم امام مقید به روز عید هم نکرده اند).

آیه الله فاضل: اگر قربانی صرف فقراء مومنین نمی شود جایز است در وطن قربانی نماید.

2 آیه الله سیستانی: همچنین جاهل قاصر

3 آیه الله فاضل: مثل جهل به موضوع یا حکم یا مریضی یا شدت گرما و سرما.

4 آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: تا طلوع آفتاب

5 آیه الله سیستانی: و اگر خوف این باشد که با درک و قوف اضطراری عرفه و قوف مشعر قبل از طلوع آفتاب از او فوت بشود واجب است اکتفا کند به و قوف مشعر و حجتش صحیح است.

صفحه

۱۷۶

عرفه را با هم ترک کند ولی و قوف اختیاری مشعر را درک کند حج او صحیح است چنانچه خواهد آمد

«مستحبات و قوف به عرفات(1)»

در و قوف به عرفات چند چیز مستحب است:

1- با طهارت بودن در حال و قوف.

2- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

3- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

4- نسبت به قافله ای که از مکه می آید، و قوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

5- و قوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است(2).

6- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

7- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْذَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَنْدِرْ جَنِّي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

1 آیه الله مکارم : این مستحبات را به قصد رجاء انجام می دهد.

2 آیه الله سیستانی : وقوف در پایین کوه افضل است.

صفحه

۱۷۷

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُ بِهَا لَمْ يَصُرْ نِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتُنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَقِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيَّتَهَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَذَلَّتْ عَلَيْهَا نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ)»

8- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرٌ أَمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَتُسْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ ثِرَاتِي (بِرَاءَتِي خَل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَفْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

9- آنکه رو به کعبه نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ «صد مرتبه» اللَّهُ أَكْبَرُ «صد مرتبه» مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «صد مرتبه» أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «صد مرتبه»

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را

صفحه

۱۷۸

بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.»

پس سوره « قل أعوذ برب الفلق » (و سوره) « قل أعوذ برب الناس » را بخواند.

پس آنچه از نعم الهي بياد داشته باشد، يکايک ذکر نموده و حمد الهي نمايد و همچنين بر اهل و مال و ساير چيزهايي که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنمايد و بگويد:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصِي بَعْدَ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ.»

و به آياتي از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نمايد و به آياتي که در آنها ذکر تسبيح شده است خدا را تسبيح نمايد و به آياتي که در آنها ذکر تهليل شده است خدا را تهليل نمايد و بر محمد و آل محمد عليهم الصلاة والسلام زياد صلوات بفرستد و به هر اسمي از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهي که در ياد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهي که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ.»

و اين دعا را بخواند:

صفحه

۱۷۹

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.»

و هر حاجت که داري بخواه و از حق سبحانه و تعالي طلب کن که توفيق حج بيابي در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» وَ هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.»

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فَكَّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

10- آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمَنْ تَشْتَبِ الْأُمُورَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِي دُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.»

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء (و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

صفحه

۱۸۰

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُقْلَبًا مُنْجَبًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَأَجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبِرْكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفُورَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي.»

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ.»

صفحه

۱۸۱

فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام

سوم از واجبات حج تمتع وقوف به مشعر الحرام است.

مسأله ۶۸۵ - بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسأله ۶۸۶ - پس از حرکت از عرفات واجب است شب عید (۱) را تا صبح در مشعر الحرام با نیت خالص و قصد قربت بماند.

مسأله ۶۸۷ - از طلوع فجر روز دهم تا طلوع آفتاب وقت وقوف اختیاری (۲) مشعر الحرام است پس باید در تمام این مدت با قصد قربت و نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف نماید بلی کوچ کردن از مشعر کمی قبل از طلوع آفتاب اگر بنحوی باشد که قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر نگذرد جایز (۳) بلکه مستحب است و اگر بگذرد گناه کرده ولی کفاره ندارد.

مسأله ۶۸۸ - وقوف در مشعر در مدت مذکور در مسأله قبل گر چه واجب است ولی

۱ آیه الله سیستانی: مقداری از شب عید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بیتوته در مشعر را در شب عید قبل از طلوع فجر واجب نمی دانند.

۲ آیه الله سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب و بین الطلوعین است.

۳ آیه الله خویی، آیه الله مکارم: جایز نیست. آیه الله مکارم اضافه فرمودند: و کفاره آن یک گوسفند است.

صفحه

۱۸۲

تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف مقدار کمی از این زمان است هر چند یک دقیقه باشد.

مسأله ۶۸۹ - زنان و بچه ها و پیرمردان و اشخاص ضعیف و بیماران و دیگر معذورین و کسانی که لازم است همراه آنان باشند جایز است قدری از شب عید را در مشعر وقوف کنند و سپس به سوی منی حرکت کنند هر چند قبل از نیمه شب باشد (۱).

مسأله ۶۹۰ - صاحب عذري که مي تواند اکتفا به وقوف شبانه مشعر الحرام نمايد کسي است که عذر براي خودش حاصل شده باشد اگر چه بواسطه اطمینان از گفته ديگري مثل مدير کاروان باشد.

مسأله ۶۹۱ - کسي که وقوف به عرفه را درک کرده و شب دهم يا مقداري از آن را در مشعر بوده اگر قبل از طلوع فجر از مشعر خارج و تا طلوع آفتاب برنگردد حجش صحيح است (2). بلي اگر عمداً و بدون عذر چنين کرده معصيت کرده و بايد يک گوسفند كفاره بدهد*(3).

«وقوف اضطراري مشعر الحرام»

مسأله ۶۹۲ - براي مشعر الحرام دو وقوف اضطراري وجود دارد

1. آية الله خوئي، آية الله تبريزي: کساني که همراه معذورين هستند بايد قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند و اگر اتفاقاً نتوانستند تا قبل از طلوع آفتاب برگردند، قبل از ظهر روز عيد به آنجا برگردند و لحظاتي قصد وقوف اضطراري نمايند.

آية الله فاضل: بلي لازم است همراهان معذورين و کساني که عذر آنها برطرف شده در صورت امکان براي درک وقوف اختياري به مشعر برگردند.

2. آية الله خوئي، آية الله تبريزي: حجش باطل است و مبدل به عمره مفرده مي شود بلي اگر جاهل به حکم بوده و پس از علم ممکن نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عيد به مشعر برگردد حجش صحيح است و بايد يک گوسفند كفاره دهد.

3. آية الله فاضل: بايد حج را تمام کند و يک گوسفند كفاره دهد و بنا بر اقوي سال ديگر حج را اعاده نمايد.

صفحه

۱۸۳

1- وقوف در شب عيد (1) براي معذورين که در مسأله ۶۸۶ گذشت

2- وقوف در روز عيد از طلوع آفتاب تا ظهر

مسأله ۶۹۳ - از آنچه گذشت معلوم شد که عرفات و مشعر الحرام داراي وقوف اختياري و اضطراري است و درک بعض اين مواقع براي مکلف صوري دارد که آنچه مورد ابتلاء است از اين صور بيان مي شود:

1- وقوف اختياري عرفات و مشعر الحرام هر دو را درک نمايد که بدون شک حج او صحيح است.

2- هيچ يک از دو موقف را درک نکند نه اختياري و نه اضطراري آنها را و در اين صورت حج او بدون شک باطل است و بايد با همان احرام عمره مفرده انجام دهد و اگر گوسفند همراه داشته باشد آن را ذبح نمايد و لازم نيست نيت عدول به عمره مفرده نمايد گرچه مطابق احتياط است و در اين احکام فرقي نيست که درک نکردن دو وقوف به واسطه عذر باشد يا بدون عذر. بلي اگر درک نکردن موقف از روي عذر بوده باشد اعاده حج در سال بعد بر او واجب نيست مگر اين که شرائط استطاعت او باقي بماند يا حج از قبل بر او مستقر شده باشد و اگر بدون عذر و از روي تقصير بوده حج بر او مستقر مي شود و بايد در سال بعد اعاده نمايد حتي اگر شرائط استطاعت را نداشته باشد.

3- وقوف اختياري عرفه و اضطراري شب مشعر را درک کند که در اين صورت حجش صحيح است هر چند وقوف اختياري مشعر را بدون عذر ترک نموده باشد. بلي در اين فرض بايد يک گوسفند كفاره بدهد*(2).

4- وقوف اختیاری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کند پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده حج او باطل (3) و الاً صحیح است.

1 آیه الله سیستانی: این وقوف اختیاری است.

2 نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: در ذیل مسأله ۶۸۱ گذشت.

3 آیه الله سیستانی: چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کند حجش صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفاره است.

صفحه

۱۸۴

5- فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کرده باشد که در این صورت حج او باطل و به عمره مفرده مبذّل می شود (1) هر چند که وقوف مشعر را با عذر ترک کرده باشد* (2).

6- وقوف اضطراری عرفه با اختیاری مشعر را درک نماید در این صورت حجش صحیح است مگر این که وقوف اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده باشد.

7- اضطراری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند پس چنانچه اختیاری عرفه را عمداً و بدون عذر ترک کرده حج او باطل است و در غیر این صورت حج او صحیح است بلی اگر وقوف اختیاری مشعر را بدون عذر ترک کرده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد (3).

8- اضطراری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کرده باشد پس چنانچه وقوف اختیاری عرفه یا مشعر را عمداً و بدون عذر ترک کرده حجش باطل است وگرنه بعید نیست حجش صحیح باشد گرچه احتیاط آن است که اگر شرائط استطاعت باقی باشد آن را در سال بعد اعاده نماید.

9- فقط اضطراری عرفه را درک کند که در این صورت حجش باطل می شود و باید عمره مفرده بجا آورد تا از احرام خارج گردد.

10- فقط اختیاری مشعر را درک نماید که حجش صحیح است مگر این که وقوف به عرفات را عمداً و بدون عذر ترک نکرده باشد.

11- فقط اضطراری شب مشعر را درک کند که در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده و از کسانی است که وقوف شب مشعر برای آنها کافی است مانند زنان و بیماران، حج او صحیح است* (4) وگرنه باطل است.

1 آیه الله سیستانی: مگر این که هنگام عبور از عرفات به منی در مشعر در وقت اختیاری (از شب تا طلوع آفتاب) گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجش صحیح است. هر چند به جهت جهل قصد وقوف نکرده باشد.

2 آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، مکارم: اگر از روی عذر بوده حجش صحیح است.

3 نظر آیات عظام تبریزی، خوئی، فاضل در ذیل مسأله ۶۹۱ گذشت.

4 آیه الله سیستانی: بلکه هر چند از صاحبان عذر نباشد.

12- فقط اضطراري روز مشعر را درک کند که در این صورت حج او باطل است*(1).

مسأله ۶۹۴ - اگر کسی به جهت اغماص یکی از وقوفین را ترک کند (2) پس اگر از مواردی است که ترک آن از روی عذر ضرری به حج نمی زند (که در مسائل قبل گذشت) باید پس از به هوش آمدن اعمال حج را تمام کند و اگر از مواردی است که حج او باطل شده باید عمره مفرده انجام دهد و در صورتی که پس از مراجعت به وطن به هوش آمده باید برای انجام عمره بازگردد یا اگر مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۶۹۵ - اگر در محلی به تصور این که موقف عرفات یا مشعر است وقوف نمود و پس از گذشت وقت وقوف یقین به خلاف پیدا کرد حکم ترک وقوف از روی عذر را دارد که در مسائل قبل گذشت.

مسأله ۶۹۶ - اگر بواسطه ندانستن مسأله وقوف را ترک کند چنانچه در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده عذر محسوب می شود و حکم ترک وقوف با عذر را دارد که گذشت مثلاً کسی که بواسطه ندانستن مسأله وقوف اختیاری مشعر الحرام را ترک کرده و وقوف اضطراری آن را انجام داده چنانچه جهل او قصوری و عذری بوده حج او صحیح است.

مسأله ۶۹۷ - کسی که وقوف به عرفه را درک کرده و در شب دهم قدری در مشعر بوده و سپس برای انجام کاری به منی رفته باید برای درک وقوف اختیاری به مشعر بازگردد و اگر به جهت عذری نتواند به مشعر برگردد چنانچه مقداری که در مشعر بوده قصد وقوف داشته کفایت می کند وگرنه باید اضطراری مشعر را درک کند.

مسأله ۶۹۸ - کسی که حج او به واسطه ترک وقوفین باطل شده و باقی اعمال را

1 آیات عظام: فاضل، خوئی، تبریزی، صافی: حجش صحیح است اگر معذور باشد.

2 آیه الله فاضل: در فرضی که بعد از درک وقوف اختیاری عرفه بیهوش شده و تا بعد از ظهر روز عید به هوش نیامده فرموده اند: رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن بقیه اعمال را خودش انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب عمره مفرده ای بجآورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقی مانده حج را اعاده کند.

بجآورده به احرام باقی است و باید برای خروج از احرام، عمره مفرده انجام دهد (1) و اگر به وطن بازگشته و نمی تواند برگردد نائب بگیرد.

«مستحبات وقوف به مشعر الحرام» (2)

مسأله ۶۹۹ - مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ (3) تَوْفُفِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.»

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشاء را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد (4) و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسر باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا

1 آیه الله سیستانی: طواف و سعی حج، به جای عمره او کافی است پس باید تقصیر کند و طواف نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشکل است برای طواف نائِب بگیرد پس از آنکه نائِب طواف نساء را بجا آورد و خود منوب عنه هر کجا که هست نماز طواف را بخواند.

2 آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجاء بیاورند.

3 آیه الله بهجت: اللهم ارحم موقفي و زد في عملي.

4 آیه الله مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالاً منظور از آن با پای برهنه قدم گذاشتن در سرزمین مشعر است.

صفحه

۱۸۷

تُؤَيِّسُنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تُقَيِّبَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد و به هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأُ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَأَنْ تُجَاوِرَ عَنِّي حَظِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلْ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است (1) و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

1. آية الله مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی کند بهتر است بیشتر جمع آوری کند.

صفحه

۱۸۸

فصل چهارم: اعمال منی

«رمی جمره عقبه»

چهارم از واجبات حج رمی جمره عقبه است.

مسأله ۷۰۰ - واجب است پس از وقوف در مشعر الحرام هفت سنگریزه به جمره عقبه که در منی واقع شده است بزند و غیر سنگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات کافی نیست و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

«شرائط سنگ ریزه»

مسأله ۷۰۱ - در سنگی که می خواهد به جمره بزند چهار شرط معتبر است:

1- به قدری باشد که به آن ریگ گفته شود.

بنابراین سنگ ریزه های کوچک که به آن شن می گویند و سنگهای بزرگ که ریگ به آن صدق نمی کند کافی نیست.

2- از منطقه حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که بردارد کافی است حتی از منی و مکه مگر از مسجدالحرام و مسجد خیف. بلکه سایر مساجد بنا بر احتیاط واجب. و مستحب است از مشعر الحرام بردارد.

3- بکر باشد یعنی خودش یا شخص دیگر هر چند در سالهای قبل، از آنها برای

صفحه

۱۸۹

رمی صحیح (1) استفاده نکرده باشد.

4- مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست (2).

مسئله ۷۰۲ - اگر شک کند که سنگ را دیگری برای رمی استفاده نموده یا نه می تواند با آن رمی کند (3).

مسئله ۷۰۳ - سنگی که در حرم است اگر احتمال بدهد از خارج حرم آورده شده می تواند با آن رمی کند.

مسئله ۷۰۴ - سنگ ریزه هایی را که معلوم است از خارج مشعر به آنجا آورده شده است اگر طوری است که عرفاً جزء مشعر محسوب می شود می توان از آن برای رمی استفاده کرد و در غیر این صورت باید احراز شود که از حرم آورده شده و الا نمی توان با آن رمی نمود.

مسئله ۷۰۵ - سنگی که معلوم نیست به آن ریگ گفته می شود یانه برای رمی کافی نیست.

مسئله ۷۰۶ - سنگی که به جمره می زنند لازم نیست پاک باشد.

«زمان رمی»

مسئله ۷۰۷ - وقت رمی جمره عقبه از طلوع آفتاب روز عید تا غروب آن است و چنانچه به جهت جهل یا فراموشی یا عذر دیگر در روز عید رمی نکرد باید تا روز

1 در عبارت آیات عظام: خوئی، گلپایگانی، مکارم قید «صحیح» موجود نمی باشد.

2 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: اگر اعتقاد داشت سنگها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیه الله سیستانی: مگر آن که نداند غصبی است یا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

3 آیه الله سیستانی: مگر این که در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

صفحه

۱۹۰

سیزدهم به تفصیلی که در مسائل رمی جمرات سه گانه می آید جمره را رمی کند و در صورتی که به مکه آمده لازم است برای انجام رمی به منی برگردد و اگر پس از روز سیزدهم عذرش برطرف شد باید در سال بعد اگر می تواند خودش و اگر نمی تواند نائیش آن را قضا کند*(1).

مسأله ۷۰۸ - زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند شب عید از مشعرالحرام به منی بروند اگر از رمی در روز معذورند می توانند همان شب یا شب بعد از آن*(2) هر وقت که باشد رمی کنند بلکه زنها می توانند بدون عذر در شب عید رمی نمایند(3).

«واجبات رمی»

مسأله ۷۰۹ - در رمی شش امر واجب است:

1- نیت: یعنی قصد کند هفت سنگ به جمره بزند برای خداوند تعالی با نیت خالص.

2- سنگریزه ها باید پرتاب شوند و گذاشتن آنها بر جمره کافی نیست.

3- سنگها را با دست بیاندازد و اگر با پا یا دهان بیاندازد کافی نیست ولی بعید نیست با فلاخن کافی باشد.

4- با انداختن او، سنگ به جمره برسد (4) بنابراین اگر سنگ را انداخت و سنگ

1. آیه الله سیستانی: اگر بعد از روز سیزدهم عذرش برطرف شد همین حکم را دارد مگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود که در این صورت لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب آن است که در سال بعد خود یا نائیش رمی کند.

2. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: باید در شب عید رمی نمایند و شب بعد کافی نیست.

3. آیه الله مکارم: زنان و پیران می توانند در شب رمی کنند و همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرقی نمی کند در شب قبل یا شب بعد.

4. آیه الله مکارم: در مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به ستون ها لازم نیست بلکه کافی است سنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کنند و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.

صفحه

۱۹۱

دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید یا سنگ به جایی خورد و کمانه کرد و به جمره رسید کافی نیست(1).

5- هفت سنگ به جمره بزند

6- سنگها را به تدریج و یکی پس از دیگری بزند و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانعی ندارد و اگر همه یا چند سنگ را با هم بیاندازد کافی نیست و یک رمی محسوب می شود هر چند با هم به جمره نرسد.

مسأله ۷۱۰ - اگر سنگی که انداخت به جمره نرسید باید دوباره بیاندازد (2) اگر چه در وقت رمی گمانش آن بوده که رسیده است.

مسأله ۷۱۱ - رمی را می تواند سواره و پیاده انجام دهد(3).

مسأله ۷۱۲ - رمی در طبقه دوم جمرات نیز کافی است و لازم نیست در طبقه اول رمی کند.

مسأله ۷۱۳ - در موقعیت فعلی که جمرات توسعه یافته به هر جای آن رمی شود کفایت می کند (4).

مسأله ۷۱۴ - در انداختن سنگها طهارت از حدث و خبث شرط نمی باشد.

1] آیه الله بهجت: ظاهر این است که اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقای صدق رمی در ابتدا و انتهای آن.

امام خمینی، آیه الله سیستانی: در صورت اخیر ظاهراً کافی است.

2] آیه الله مکارم: همان گونه که گفتیم کافی است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.

3] آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: مستحب است در حال رمی پیاده باشد.

4] آیات عظام: تبریزی، سیستانی، خویی: اگر دیوار موجود مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هر چند با کمک اهل خبره قبل از رمی میسر باشد باید همان قسمت را رمی کند و اگر میسر نباشد به احتیاط واجب باید رمی را تکرار کند مگر مقداری که مستلزم عسر و حرج یا ضرر است.

صفحه

۱۹۲

«شک در رمی»

مسأله ۷۱۵ - اگر وقتی که مشغول رمی است شک کند که چند سنگ زده باید آن قدر بزند که مطمئن شود هفت سنگ زده است و همین طور اگر شک کند، سنگی که زده به جمره رسیده یا نه باید مجدداً بزند تا مطمئن شود که به جمره رسیده است.

مسأله ۷۱۶ - اگر شک کند که هفت سنگ زده یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و رمی او صحیح است.

مسأله ۷۱۷ - اگر پس از رمی و انصراف از محل آن و قبل از ذبح و حلق یا تقصیر شک کند که هفت سنگ زده یا کمتر (1) باید برگردد و مقداری را که احتمال می دهد زده تکمیل نماید.

مسأله ۷۱۸ - اگر پس از ذبح و یا حلق و یا تقصیر یا پس از فرارسیدن شب شک کند که رمی کرده یا نه یا این که هفت سنگ زده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۷۱۹ - اگر پس از رسیدن سنگی به جمره شک کند که رمی آن صحیح بوده یا نه مثل این که نداند سنگ مستعمل زده یا غیر آن به شک خود اعتنا نکند و همین طور اگر پس از فراغت از رمی شک کند که سنگ ریزه ها به جمره خورده (2) یا نه، بلی اگر در رسیدن آخرین سنگ به جمره شک نماید باید آن را اعاده کند (3).

مسأله ۷۲۰ - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

1] آیه الله بهجت: به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک نماید.

2. آیه الله خوئی: اگر شک کند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگر بزند مگر آن که شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد.

3. آیه الله بهجت: اگر از محل رمی منصرف شده به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند مطلقاً

آیه الله فاضل: لازم نیست اعاده نماید.

صفحه

۱۹۳

«مستحبات رمی جمرات» (1)

مسأله ۷۲۱ - در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

1- با طهارت بودن در حال رمی.

2- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأُحْصِيَنَّ لِي وَارْفَعُنَّ فِي عَمَلِي.»

3- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

4- هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بَكِتَابِكَ وَعَلِي سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَدَنْبًا مَغْفُورًا.»

5- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

6- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

7- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

8- پس از برگشتن به جای خود در منی، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بَكَ وَتَقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.»

«ذبح (قربانی)»)

پنجم از واجبات حج تمتع قربانی است.

مسئله ۷۲۲ - کسی که حج تمتع انجام می دهد واجب است پس از رمی جمره عقبه یک شتر یا گاو و یا گوسفند قربانی نماید و ذبح شتر افضل و پس از آن ذبح گاو بهتر است

۱ آیه الله مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

صفحه

۱۹۴

و غیر از این سه نوع حیوان کافی نیست مگر گاو میش که گفته اند کراهت دارد.

مسئله ۷۲۳ - قربانی کردن از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود.

مسئله ۷۲۴ - کمتر چیزی که برای قربانی کافی است یک گوسفند است و هرچه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صد شتر همراه آوردند، سیوچهار شتر برای حضرت امیر (علیه السلام) نحر کردند و شصت و شش شتر را برای خودشان نحر کردند.

مسئله ۷۲۵ - تأخیر قربانی از روز عید تا آخر روز سیزدهم جایز است و احتیاط مستحب آن است که از روز عید تأخیر نیندازد.

مسئله ۷۲۶ - هر حاجی باید مستقلاً یک قربانی ذبح نماید و نمی تواند در آن با دیگری شریک گردد مگر در حال ضرورت.

مسئله ۷۲۷ - واجب است مقداری از قربانی را به فقیر مؤمن (۱) صدقه دهد (۲) و مستحب است قسمتی از آن را هدیه بدهد و قدری از آن را خودش *بخورد و بهتر است هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد (۳).

مسئله ۷۲۸ - اگر سهم فقیر را صدقه ندهد بنا بر احتیاط واجب ضامن است (۴).

مسئله ۷۲۹ - فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است بنا بر این، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر سهم فقیر را از قربانی به خود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست. بلی می تواند از فقیر وکالت در قبول و تصرف بگیرد و بعد از قربانی از طرف او قبول و قبض کرده و تصرف نماید هر چند به

۱ آیه الله سیستانی: صدقه به فقیر مسلمان کافی است.

آیه الله مکارم: قید ایمان را ذکر نکرده اند.

2 امام خمینی، آیه الله فاضل: صدقه دادن واجب نیست بلکه مستحب موافق احتیاط است.

3 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: هدیه دادن مقداری از قربانی و خوردن مقداری از آن واجب است.

4 نظر امام خمینی، آیه الله فاضل: از مسأله قبل فهمیده می شود.

صفحه

۱۹۵

اعراض از آن باشد.

مسأله ۷۳۰ - قربانی باید در منی انجام شود (1) ولی اگر نتواند تا آخر ذی حجه (2) در منی قربانی کند یا این که موجب عسر و حرج (3) یا خوف ضرر باشد قربانی در خارج منی در وادی محسّر و غیر آن کافی است.

مسأله ۷۳۱ - قربانی در شب کفایت نمی کند مگر برای خانف (4).

مسأله ۷۳۲ - محرم می تواند قبل از حلق یا تقصیر بلکه قبل از قربانی برای خود، قربانی دیگری را ذبح کند.

مسأله ۷۳۳ - قیمت قربانی را باید از مال حلال بپردازند و در غیر این صورت قربانی کفایت نمی کند مگر این که به ثمن کلی خریده باشد بنابراین اگر با عین مال غیرمخمس قربانی را خریداری نماید این قربانی کفایت نمی کند ولی اگر همان گونه که متعارف است

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: ولی اگر در مسلخ های خارج منی قربانی کند کافی است.

آیه الله سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه ذبح در منی یا وادی محسّر تا آخر ایام تشریق میسر نبود در هر کجای حرم بخواهد می تواند ذبح کند و جواز اکتفاء در حال اختیار به ذبح در مکانی که مشکوک است از منی یا وادی محسّر می باشد به علت شک در صحت علائم منصوبه در آن مکانها محل اشکال است.

2 آیه الله مکارم: تا پایان روز سیزدهم.

آیه الله سیستانی: رجوع به حاشیه قبل شود.

آیه الله فاضل: اگر در روز عید در منی نتوانست قربانی کند می تواند در همان روز در خارج منی در مذابح جدید قربانی کند.

3 آیه الله بهجت: عسر و حرج نوعی

4 امام خمینی: اگر ذبح را از روز عید عمداً یا جهلاً تأخیر انداخت ذبح در شب کفایت می کند.

آیه الله بهجت: در صورتی که به دلایلی نتواند تا غروب روز عید قربانی کند بعد از اذان مغرب هم می تواند قربانی کند.

صفحه

۱۹۶

به ثمن کلي بخرد کفایت مي کند. اگرچه با مال فوق الذکر قیمت آن را بپردازد لکن ضامن خمس است.

مسأله ۷۳۴ - ذبح با کارد استیل صحیح (1) و کافي است*.

مسأله ۷۳۵ - هر گاه در حج تمتع قرباني را فراموش کند یا به دیگری نیابت دهد و او فراموش کند و سپس حلق یا تقصیر و اعمال مترتبه را انجام دهد حج او صحیح است پس اگر در ماه ذی حجه فهمید قرباني را انجام دهد و اگر بعد از ذی حجه فهمید در سال آینده قرباني کند.

مسأله ۷۳۶ - کسی که به جهتي مثل اعتقاد به این که گوشت قرباني تلف مي شود قرباني را انجام نداده و اعمال مترتبه را با اعتقاد صحت انجام داده است حج او صحیح و از احرام خارج شده است (2) ولي قرباني بر ذمه اش باقي است (3) که باید در سال آینده در مني انجام دهد و اگر در ماه ذی حجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قرباني کند.

مسأله ۷۳۷ - کسی که به اعتماد نائب خود در رمي، ذبح و سپس تقصیر یا حلق نموده و بعد از آن بفهمد که نائب از جانب او رمي نکرده است، ذبح و حلق یا تقصیر او صحیح و کافي است.

مسأله ۷۳۸ - اگر بعد از ذبح شرعي قرباني رگ نخاع او در حالي که هنوز زنده است

1 آیات عظام: امام خميني، آية الله گلپایگاني، آية الله صافي: صحیح نیست مگر این که محرز شود که استیل آهن است.

2 آية الله فاضل، آية الله سيستاني: از احرام خارج نشده و لازم است محرمات احرام را ترک کند و اگر تا قبل از پایان ایام تشریق ذبح کند حجت صحیح است و الا بنا بر احتیاط حج او باطل است.

3 آية الله مکارم: اگر قرباني در مني از بین مي رود و به هیچ وجه قابل استفاده نیست باید پول آن را کنار گذارده و در شهر خودش قرباني کند (در ماه ذی حجه آن سال و اگر نتوانست در سال بعد در ایام تشریق).

آية الله بهجت: قرباني کند و بعد تقصیر نماید و كفاره از اله شعر را بدهد.

صفحه

۱۹۷

قطع نماید کار حرامی کرده (1) ولي قرباني حلال و کافي است.

مسأله ۷۳۹ - رو به قبله بودن حیوان فقط در حال ذبح (بریدن چهار رگ) لازم است و بعد از آن اگر از قبله برگردد یا برگردانیده شود اشکال ندارد.

مسأله ۷۴۰ - قرباني کردن در محله های جدیدی از مکه که محرز باشد از مني است کافي است ولي در صورت شک در این که جزء مني مي باشد یا نه کفایت نمی کند (2).

«شرائط قرباني»

مسأله ۷۴۱ - در قرباني چند امر شرط است و باید مراعات شود.

1- قرباني اگر شتر است باید سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو یا بز است بنا بر احتیاط کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد (3) و در گوسفند غیر از بز باید هفت ماه تمام و داخل در هشت ماه شده باشد و کمتر از آن کافي نیست.

2- نباید بیمار باشد(4).

3- باید خیلی پیر نباشد(5).

4- ناقص نباشد. بنابر این حیوانی که یک چشم یا دو چشم او کور باشد یا لنگ (6) یا گوش بریده باشد و یا دم بریده باشد کافی نیست و همین طور حیوانی که شاخ داخل او شکسته باشد و اما اگر شاخ خارجی اش (که شاخ سخت یا سیاهی است که به منزله غلاف

1 آیه الله مکارم، آیه الله بهجت: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند. آیه الله بهجت اضافه فرمودند: اگر عمداً چنین کرد استفاده از گوشت آن مکروه است.

2 آیه الله تبریزی: با فرض شک نیز قربانی کفایت می کند.

3 آیه الله فاضل: اگر داخل در دو سال شده باشند کفایت می کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نداشته باشند.

4 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: بنابر احتیاط مستحب

5 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، خامنه ای: احتیاط مستحب نباید پیر باشد.

6 آیه الله مکارم: لنگی مختصر مانع ندارد.

صفحه

۱۹۸

برای شاخ داخل که سفید است)، شکسته باشد اشکال ندارد. و همین طور شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن اشکال ندارد.

5- باید عرفاً لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است(1).

6- باید خصی نباشد یعنی بیضتین او را بیرون نیاورده باشند و بهتر است بیضه او را نکوبیده و نتابیده باشند.

7- در اصل خلقت بدون بیضه نباشد ولی اگر در اصل خلقت بدون دم یا بی شاخ یا بی گوش باشد مانع ندارد*(2).

مسأله ۷۴۲ - اگر بعد از ذبح بفهمد سن حیوان کمتر از حد نصاب بوده خواه قبل از انجام اعمال مترتبه یا بعد از آن باید دوباره قربانی نماید.

مسأله ۷۴۳ - اگر احتمال دهد که حیوان بیمار یا معیوب است لازم نیست تحقیق نماید و می تواند آن را ذبح کند هر چند عیب از عیب هایی باشد که محتمل است از حال تولد وجود داشته باشد ولی در شرائط دیگر مثل سن حیوان لازم است یقین یا اطمینان حاصل نماید(3).

مسأله ۷۴۴ - اگر بعد از ذبح احتمال دهد که قربانی شرائط لازم را نداشته چنانچه آگاه به مسأله بوده و احتمال بدهد که شرائط را احراز کرده باشد به شک خود اعتنا نکند(4).

مسأله ۷۴۵ - اگر تا آخر روز سیزدهم فقط قربانی ناقص یافت شود بعید نیست که

1 آیه الله خوئی: پیه داشتن گرده ملاک نیست.

آیه الله مکارم: اگر بر کلیه او مقداری چربی باشد کافی است.

2 آیه الله خامنه ای: فقدان اعضایی که در همه اصناف این حیوان وجود دارد و نقص محسوب می شود مانع اجزاء است مانند بیضه و گوش و در غیر آنها مانند شاخ و دم اگر در این صنف از حیوان معمولاً وجود دارد فقدان آن نقص محسوب می شود و مانع است و الا نه.

3 آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: اگر بایع اهل خبره بوده و از سن هدی خود خبر داد می توان به قول او اعتماد نمود.

4 آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: مطلقاً به شک خود اعتنا نکند.

آیه الله خویی: با احتمال احراز شرائط به شک خود اعتنا نمی کند هر چند جاهل به مسأله باشد.

صفحه

۱۹۹

بتوان به آن اکتفا کرد (1) چه نقص به جهت خصی بودن باشد یا غیر آن*.

مسأله ۷۴۶ - اگر تا آخر روز سیزدهم قربانی یافت نشد (2) قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی حجه برای او در منی قربانی نماید و در این سال اگر ممکن نشد در سال بعد برای او قربانی کند*.

مسأله ۷۴۷ - اگر عمداً یا به جهت فراموشی یا عذر دیگر تا پایان روز سیزدهم ذبح نکرد یا آن را باطل انجام داد باید در بقیه ذی الحجه قربانی کند (3) و کافی است و حکم ترتیب بین ذبح و سایر اعمال خواهد آمد.

مسأله ۷۴۸ - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کند بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست و باید دوباره ذبح کند (4).

مسأله ۷۴۹ - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد و بعد معلوم شد لاغر است کافی است (5).

مسأله ۷۵۰ - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید برای اطاعت خداوند و رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.

مسأله ۷۵۱ - اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد لکن از روی

1 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی حجه به این شرائط تهیه کند هرچه ممکن باشد کافی است.

2 آیه الله سیستانی: بعید نیست کفایت روزه.

3 آیه الله سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حجت باطل است و اگر معذور باشد باید روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که ذبح در بقیه ذی حجه را نیز انجام دهد.

4 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: چنانچه قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

آیه الله خامنه ای: در صورت تمکن.

5 آیه الله سیستانی: اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید و سپس معلوم شد لاغر است کافی است هر چند قبل از ذبح معلوم شود.

صفحه

۲۰۰

بی مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی نیست(1).

مسئله ۷۵۲ - اگر معتقد بود که حیوان لاغر یا ناقص است و لکن به واسطه جهل به مسئله برای اطاعت امر خداوند قربانی کرد و بعد معلوم شد شرائط را داشته کفایت می کند.

«نیابت در قربانی»

مسئله ۷۵۳ - نائب گرفتن برای قربانی جائز است و در این صورت باید علاوه بر نیت نمودن صاحب قربانی و استمرار آن تا وقت ذبح، ذابح نیز نیت نماید(2).

مسئله ۷۵۴ - ذابح اگر مسلمان باشد کافی است و لازم نیست شیعه باشد(3).

مسئله ۷۵۵ - هرگاه برای خریداری و ذبح قربانی نائب گرفت و بعد از ذبح نائب شک کرد که نائب به شرائط لازم عمل کرده یا نه به شکش اعتنا نکند.

مسئله ۷۵۶ - هرگاه برای قربانی نائب بگیرد باید اطمینان پیدا کند که نائب عمل کرده است و گمان کافی نیست(4).

مسئله ۷۵۷ - اگر نائب عمداً یا به جهت جهل یا اشتباه، حیوانی را ذبح کند که شرائط لازم را نداشته باشد یا شرائط ذبح را مراعات نکند باید قربانی دیگری ذبح شود و نائب

1 آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، مکارم: اگر اجمالاً قصد اطاعت امر الهی داشته است کافی است.

2 آیات عظام: خوئی، تبریزی، مکارم: ذابح لازم نیست نیت کند.

3 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه ای: اعتبار ایمان در ذابح خالی از قوت نیست بنابراین اگر قربانی به دست غیر شیعه انجام گیرد باید دو مرتبه قربانی کند هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح شیعه نیست یا جاهل به مسئله باشد آیه الله فاضل و آیه الله خامنه ای اضافه فرمودند که این در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نائب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد و اگر بعد از قربانی و اعمال مترتبه بفهمد که ذابح مؤمن نبوده فقط ذبح را اعاده نماید و اعمال مترتبه صحیح است.

4 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر نائب ثقه باشد و خبر دهد از ذبح کافی است.

صفحه

ضامن است و باید غرامت بدهد*(1).

مسأله ۷۵۸ - کسی که نایب در حج است می تواند برای قربانی شخص دیگری را وکیل نماید و وکیل باید نیت کند آن قربانی را که بر موگالش واجب است.

مسأله ۷۵۹ - کسی که از طرف جمعی نایب شده برای آنها قربانی نماید اگر پول قربانی را از ایشان گرفته و روی هم گذاشته و با آن به تعداد آن جمع قربانی خریده و هر حیوان را از طرف یکی از ایشان ذبح نماید چنانچه صاحبان پول راضی به این کار باشند(2) اشکال ندارد و کافی است اگرچه همه به یک اندازه پول داده باشند و قربانی ها متفاوت باشند.

مسأله ۷۶۰ - اگر بدون این که دیگری او را وکیل در قربانی کرده باشد از طرف او قربانی کند کفایت نمی کند اگرچه بداند که او راضی به این عمل است. بنابراین قیمت آن بر عهده خود قربانی کننده است مگر این که غروری در بین باشد.

مسأله ۷۶۱ - اگر نایب در ذبح شک کند که قربانی کرده یا نه باید قربانی نماید.

مسأله ۷۶۲ - اگر حاجی به کسی وکالت در قربانی داد و بعد از آن دیگری را وکیل قرار داد هر کدام از دو وکیل برای او قربانی کنند صحیح و کافی است مگر این که او را قبل از ذبح عزل نموده باشد و مجرد وکیل قرار دادن دومی عزل اولی محسوب نمی شود.

مسأله ۷۶۳ - اگر کسی را وکیل در قربانی نمود در صورتی که مباشرت را شرط نکرده باشد وکیل می تواند به دیگری وکالت دهد که قربانی را انجام دهد.

مسأله ۷۶۴ - اگر لباس حاجی در قربانگاه نجس شود باید در صورت امکان آن را تطهیر یا تعویض نماید و اگر تطهیر و تعویض نکرد به احرام و ذبح او ضرر نمی زند و در

۱] آیه الله مکارم: اگر مقصر بوده ضامن است.

آیه الله بهجت: اگر خلاف موجب عدم اجزاء شود در هر صورت ضامن است و اعاده لازم است.

امام خمینی: اگر نیابت تبرعی باشد ضامن معلوم نیست.

۲] آیه الله گلپایگانی صافی: و ذابح وکالت در افراز هم داشته باشد.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد، ولی رضایت قلبی کافی نیست.

هر صورت اگر در حج نایب باشد نیابت او صحیح است هر چند او به این امر آگاه بوده است.

«بذل قربانی»

مسأله ۷۶۵ - کسی که نمی تواند قربانی کند باید به جای آن ده روز به تفصیلی که بیان می شود روزه بگیرد.

مسأله ۷۶۶ - مراد از قادر نبودن از قربانی این است که نه قربانی را داشته باشد و نه پولش را و اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض نماید و در مقابل آن مالی دارد که می تواند با آن قرضش را ادا کند باید قرض کند و ذبح نماید و همین طور اگر زائد بر مخارج سفر مالی دارد که می تواند با فروش آن قربانی تهیه کند باید قربانی تهیه و ذبح نماید(1).

مسأله ۷۶۷ - برای تهیه قربانی لازم نیست کسب کند ولی اگر کسب کرد و تهیه نمود باید آن را ذبح نماید.

مسأله ۷۶۸ - سه روز از ده روزی که واجب است به جای قربانی روزه بگیرد باید پی در پی و در ماه ذی حجه و بعد از احرام عمره تمتع باشد اگر چه محل شده باشد و جایز است آن را از ابتداء ذی حجه بگیرد ولی بهتر است روز هفتم و هشتم و نهم ذی حجه باشد و زودتر از آن نگیرد.

مسأله ۷۶۹ - اگر نتوانست روز هفتم روزه بگیرد باید روز هشتم و نهم روزه بگیرد. و یک روز دیگر را پس از بازگشت از منی بگیرد*(2) و احتیاط مستحب آن است که بعد از روز سیزدهم باشد.

1 امام خمینی، آیه الله فاضل: لباس را لازم نیست بفرودد هر چه باشد ولی اگر فروخت ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط مستحب آن است که روزه هم بگیرد.

2 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید این سه روز یا کاملاً قبل از عید قربان قرار گیرد. هفتم، هشتم، نهم و یا پس از بازگشت از منی و تا آخر ذی حجه.

صفحه

۲۰۳

مسأله ۷۷۰ - جایز نیست این سه روز را در ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی حجه در منی روزه بگیرد بلکه در ایام تشریق روزه در منی برای همه حرام است حتی کسی که حج بجا نمی آورد.

مسأله ۷۷۱ - اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسأله ۷۷۲ - جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی حجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسأله ۷۷۳ - این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

مسأله ۷۷۴ - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن از هدی شد لازم نیست ذبح کند لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسأله ۷۷۵ - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی حجه تمام شد باید قربانی (1) را در سال آینده خودش یا نائیش در منی ذبح کند*(2) و روزه فایده ندارد.

مسأله ۷۷۶ - اگر در مکه متمکن از سه روز روزه نشد در صورتی که ماه ذی حجه باقی است باید سه روز روزه را بگیرد هر چند در وطن خود باشد لیکن با هفت روز روزه فاصله بیندازد (3) و اگر ماه گذشته باشد به دستور مسأله قبل عمل نماید.

مسأله ۷۷۷ - هفت روز باقیمانده را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد و احتیاط مستحب آن است که پی در پی باشد.

مسأله ۷۷۸ - جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که

1. آیه الله بهجت: باید یک گوسفند در سال آینده

2. آیه الله صافی: در ذی حجه سال آینده

3. آیه الله بهجت: فاصله لازم نیست.

صفحه

۲۰۴

بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است بجاورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

مسأله ۷۷۹ - در این ایام که با هواپیما سفر می کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند (1) صبر کند و سپس روزه بگیرد ولی باید بین سه روز و هفت روز روزه فاصله بیندازد (2) گرچه به یک روز باشد.

مسأله ۷۸۰ - اگر قبل از مراجعت به وطن در محل دیگری غیر از مکه چه در بین راه و چه در شهر دیگری اقامت کرد نمی تواند هفت روز روزه را بگیرد (3) گرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید ولی پس از بازگشت به وطن لازم نیست در همان جا روزه بگیرد بلکه اگر در جای دیگر قصد اقامت نمود می تواند روزه بگیرد.

مسأله ۷۸۱ - اگر از روزه گرفتن متمکن شد و قبل از آن که روزه بگیرد وفات نمود بر ولی واجب است آن سه روز را قضا (4) نماید ولی قضای هفت روز دیگر واجب نیست* (5).

مسأله ۷۸۲ - کسی که وظیفه او در قربانی مبدل به روزه گردیده می تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید اگرچه هنوز چیزی از روزه ها را نگرفته باشد.

1. آیات عظام: خوئی، مکارم، سیستانی: ملاک آن است که هم سفران او به وطن برسند.

2. آیه الله بهجت: فاصله لازم نیست.

3. آیه الله بهجت: مانعی ندارد در بلد دیگر روزه بگیرد، البته آن قدر که می توانست به وطن برسد صبر کند.

4. آیه الله سیستانی: قضاء هیچ کدام واجب نیست.

5. آیه الله بهجت: واجب است هفت روز را هم قضا کند.

نظر آیه الله خوئی در این مسأله به دست نیامد.

صفحه

۲۰۵

«مستحبات قربانی»

مسأله ۷۸۳ - مستحبات هدی چند چیز است: (1)

- 1- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.
- 2- قربانی بسیار فربه باشد.
- 3- اگر قربانی شتر یا گاو است از جنس ماده انتخاب کند و اگر گوسفند یا بز است از جنس نر انتخاب کند.
- 4- شتری که می خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد
- 5- در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

6- این که خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

«حلق یا تقصیر»

ششم از واجبات حج تقصیر یا حلق است.

مسأله ۷۸۴ - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند گرچه حلق افضل است مگر چند طائفه که مخیر نیستند:

- 1- زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بچیند و تراشیدن سر برای آنها کفایت نمی کند بلکه جایز نیست.

1 آیه الله مکارم: به قصد رجاء و امید ثواب بجاورد.

صفحه

۲۰۶

2- کسی که موی سر خود را به عسل یا صمغ یا مثل آن برای رفع شپش و مانند آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد و همچنین است کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است (1).

3- خنثای مشکل اگر از این دو دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نتراشد و اگر از این دو گروه اخیر است باید هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً* (2).

مسأله ۷۸۵ - کسی که وظیفه او سر تراشیدن است جایز نیست ابتدا موی سر را کوتاه کند و بعد آن را بتراشد و در صورتی که با علم و عمد این کار را انجام دهد کفاره دارد.

مسأله ۷۸۶ - کسی که حلق را اختیار نموده نمی تواند قبل از تراشیدن تمام سر چیزی از موی خود را بچیند یا کوتاه نماید مگر به قصد تقصیر که در این صورت با تقصیر از احرام خارج شده است.

مسأله ۷۸۷ - هرگاه کسی که وظیفه اش حلق بوده به جای آن تقصیر نماید یا اگر وظیفه او تقصیر بوده به جای آن حلق نماید کافی نیست و باید آنچه وظیفه او است از حلق یا تقصیر انجام دهد و در صورت عمد کفاره نیز بدهد.

مسأله ۷۸۸ - کسی که سال اول حج اوست نیز می تواند به جای حلق تقصیر کند ولی احتیاط مستحب آن است که حلق را اختیار کند.

مسأله ۷۸۹ - برای حلق باید سر را بتراشد و ماشین کردن آن کافی نیست هر چند از ته بزند(3).

مسأله ۷۹۰ - کسی که وظیفه او حلق است اگر از آن معذور باشد باید تقصیر نماید و کافی است.

1 آیه الله بهجت: سر تراشیدن برای چنین اشخاصی مستحب مؤکد است.

2 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: خنثی در حکم زن است و تقصیر بر او متعین است.

آیه الله سیستانی: باید اول تقصیر نماید و آنگاه بنا بر احتیاط حلق نماید.

آیه الله بهجت: سر تراشیدن برای خنثای مشکل جایز نیست.

3 آیه الله سیستانی: اگر با ماشین ته زن بزند از حلق کفایت می کند.

صفحه

۲۰۷

مسأله ۷۹۱ - کسی که حلق می کند باید تمام سر را بتراشد و تا تمام سر را نتراشیده در احرام باقی است.

مسأله ۷۹۲ - برای تقصیر کافی است قدری از موی سر یا ریش یا شارب و یا از ناخن خود بگیرد با هر وسیله ای که باشد و بهتر است هم مقداری از مو و هم مقداری از ناخن را بگیرد.

مسأله ۷۹۳ - سر تراشیدن و تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و نیت خالص انجام شود و اگر به غیر از این واقع شود باطل است و با آن چیزی بر او حلال نمی شود.

مسأله ۷۹۴ - حلق یا تقصیر دیگری قبل از این که محرم خودش حلق یا تقصیر نماید جایز نیست و کفایت نمی کند (1) ولی می تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۷۹۵ - حلق یا تقصیر را می تواند خودش انجام دهد یا توسط دیگری بجا آورد و در این صورت باید خودش نیت کند و بهتر آن است که آن شخص نیز نیت کند.

مسأله ۷۹۶ - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشت حتی موی ابرو* (2) باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

مسأله ۷۹۷ - کسی که به جهت جهل (3) یا غفلت یا فراموشی حلق یا تقصیر را در غیر منی انجام دهد کفایت می‌کند و از احرام خارج می‌شود (4) ولی اگر از روی علم و عمد باشد از احرام خارج نمی‌شود و اگر اعمال مکه را انجام دهد صحیح نیست همان طور که

1 آیه الله بهجت، امام خمینی: کفایت می‌کند.

2 آیه الله مکارم: کوتاه کردن موی ابرو دلیلی ندارد.

3 آیه الله فاضل: قصوری.

4 آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، خوئی، تبریزی: کفایت نمی‌کند و از احرام خارج نمی‌شود و اگر اعمال مترتبه را انجام داده نیز صحیح نیست و اگر بعد از آن عمره یا حج دیگر بجاورد صحیح نیست. البته آیه الله خامنه‌ای متعرض حکم عمره یا حج دیگر نشده‌اند و آیه الله خوئی اعاده اعمال مترتبه را لازم نمی‌دانند.

آیه الله مکارم: فقط حلق یا تقصیر را در منی در صورت امکان اعاده نماید.

صفحه

۲۰۸

اگر بعد از آن محرم به احرام عمره یا حج دیگر بشود احرامش منعقد نمی‌گردد.

مسأله ۷۹۸ - تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی‌کند.

مسأله ۷۹۹ - برای تقصیر چیدن موی زیر بغل یا عانه کافی نیست.

مسأله ۸۰۰ - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است مگر برای کسی که متمکن از رفتن به منی برای حلق یا تقصیر نباشد که هر جا هست باید حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد (1).

مسأله ۸۰۱ - زمان حلق یا تقصیر از روز عید تا پایان روز سیزدهم است (2) اگر چه احتیاط استحبابی آن است که در روز عید باشد.

مسأله ۸۰۲ - کسی که بعد از وقوفین مجبور شده برای اعمال منی نایب بگیرد چنانچه بتواند باید برای حلق یا تقصیر به منی برود و اگر نتواند باید حلق یا تقصیر را خارج منی انجام داده و موی خود را به منی بفرستد (3) و ترتیب بین اعمال بایستی مراعات شود.

مسأله ۸۰۳ - حلق یا تقصیر را می‌توان در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم انجام داد (4).

مسأله ۸۰۴ - اگر عمداً یا سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسأله در منی حلق یا تقصیر نکرد و از آنجا کوچ کرد باید برگردد و در منی حلق یا تقصیر نماید هر چند به وطن خود برگشته باشد و اگر نمی‌تواند برگردد هر جا که هست حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد (5).

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن موی به منی مستحب است.

2 آیه الله سیستانی: بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی حجه بجاورد.

3 آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

4 آیه الله سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

5 آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

صفحه

۲۰۹

«ترتیب در اعمال منی»

مسئله ۸۰۵ - باید در منی اول رمی جمره عقبه و بعد از آن ذبح و پس از آن حلق یا تقصیر نماید (1) ولی اگر این ترتیب را رعایت نکرد اعاده لازم نیست (2) هر چند معذور نبوده باشد، بلی در این صورت معصیت کرده است*.

مسئله ۸۰۶ - اگر به هر جهت قربانی را از روز عید تأخیر انداخت می تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید و با این کار از احرام خارج می گردد ولی اعمال مکه را باید پس از قربانی کردن انجام دهد.

مسئله ۸۰۷ - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد تا وکیل او قربانی نکرده، نمی تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است (3) و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسئله ۸۰۸ - کسی که از رمی در روز عید عاجز است نمی تواند قبل از رمی حلق کند و رمی را بعداً انجام دهد (4).

«خروج از احرام با حلق یا تقصیر»

مسئله ۸۰۹ - بعد از آن که محرم حلق یا تقصیر نمود تمام چیزهایی که بواسطه احرام

1 آیه الله سیستانی: در صورتی که قربانی را در منی تهیه کرده می تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند ولی تا ذبح نکند محل نمی شود.

2 آیه الله گلبایگانی: در صورت علم و عمد و امکان باید اعاده نماید.

ظاهر مناسک آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: این است که اگر ذبح را از روی علم و عمد قبل از رمی انجام دهد باید اعاده کند. و در غیر این مورد اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

3 آیه الله سیستانی: ولی او هنوز محرم است و باید لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرّمات احرام اجتناب کند و با ذبح محل می شود و همچنین در قسمت بعد مسئله.

4 آیه الله مکارم: لازم است بقیه اعمال خود را روز عید انجام دهد.

صفحه

حج بر او حرام شده حلال می شود مگر زن و بوی خوش به تفصیلی که خواهد آمد. اما شکار کردن اگر در خارج حرم باشد بعید نیست جواز آن*(1) و اما در حرم حرمت آن باقی است و فرقی بین محرم و غیر محرم نیست.

«مستحبات حلق»

مسأله ۸۱۰ - در حلق چند چیز مستحب است:

1- آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

2- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد(2).

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: حرمت صید خارج حرم نیز باقی است تا بعد از نماز طواف نساء.

2 آیه الله بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند... و احوط آن است که از اطراف سروریش و شارب مو بگیرد و ناخنها را بگیرد (مناسک شیخ، ص ۷۹).

واجب است پس از رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر در منی به مکه بازگردد و اعمال ذیل را انجام دهد.

1- طواف حج که به آن طواف زیارت نیز می گویند.

2- نماز طواف زیارت.

3- سعی بین صفا و مروه

4- طواف نساء

5- نماز طواف نساء.

مسأله ۸۱۱ - وقت اعمال مذکور تا آخر ذی حجه ادامه دارد به این معنی که می تواند روز آخر ذی حجه به مکه بیاید و این اعمال را انجام دهد ولی بهتر است از روز یازدهم تأخیر نیندازد و مستحب است در روز عید قربان انجام دهد و چنانچه گذشت باید پس از اعمال منی یعنی رمی و قربانی کردن و حلق یا تقصیر باشد.

مسأله ۸۱۲ - طواف نساء اختصاص به شخص خاصی ندارد بلکه بر زن و خنثی و کسی که به جهت پیری یا عنین بودن توانایی جنسی ندارد یا قصد ازدواج ندارد و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیلی که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولی او را مُحرم کرد باید او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن استمتاع از همسر بر

صفحه

۲۱۲

او حلال شود(1).

مسأله ۸۱۳ - طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است ولی رکن نیست و ترک عمدی آن موجب بطلان حج نمی شود.

مسأله ۸۱۴ - خروج از مکه برای کسی که از منی برگشته ولی هنوز اعمال مکه را انجام نداده جایز است*(2).

مسأله ۸۱۵ - قبل از حلق یا تقصیر جایز نیست طواف و سعی را انجام دهد و اگر انجام داد باید پس از حلق یا تقصیر آن را اعاده کند و در این حکم فرقی نیست که تقدیم طواف و سعی با علم و عمد بوده یا به جهت جهل یا فراموشی (3)بلی در صورتی که با علم و عمد طواف را مقدم کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد ولی اگر سعی تنها را مقدم نموده کفاره ندارد.

مسأله ۸۱۶ - اگر پس از طواف حج و سعی و طواف نساء متوجه شود که حلق یا تقصیرش باطل بوده باید پس از اعاده حلق یا تقصیر اعمال مذکور را نیز اعاده نماید(4).

مسأله ۸۱۷ - کسی که حلق یا تقصیر را فراموش کرده و به وطن خود بازگشته باید برگردد و پس از حلق یا تقصیر، اعمال مترتبه را اعاده کند (5).و اگر نمی تواند خودش به مکه برگردد در وطن خود حلق یا تقصیر کند و موی خود را به منی بفرستد (6)و برای اعمال

1 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تا جماع بر او حلال شود.

آیه الله فاضل، آیه الله گلپایگانی: مجنون را نیز اگر محرم کرده اند طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه، زن یا مرد بر آنها حلال شود. آیه الله فاضل اضافه فرمودند و همین طور است مغمی علیه.

2 آیه الله خویی: جایز نیست.

3 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده طواف و سعی در فرض جهل و نسیان و سهو احتیاط استحبابی است.

4 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض جهل و سهو و نسیان اعاده اعمال مترتبه لازم نیست.

5 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اعاده اعمال مکه لازم نیست.

6 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرستادن مو به منی مستحب است.

صفحه

۲۱۳

مکه نائب بگیرد.

مسأله ۸۱۸ - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

مسأله ۸۱۹ - آنچه با احرام حج بر محرم حرام شده بود به تدریج با سه عمل بر او حلال می گردد.

اول: حلق یا تقصیر در منی که با آن همه چیز برای او غیر از بوی خوش و زن*(1) حتی عقد کردن و شاهد شدن بر آن حلال می شود.

دوم: طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه که با آن بوی خوش بلکه عقد کردن و شاهد شدن بر آن نیز حلال می شود.

سوم: طواف نساء و نماز آن که با آنها استمتاع از همسر نیز حلال می شود.

«تقدیم اعمال مکه بر وقوفین»

مسأله ۸۲۰ - مقدم داشتن اعمال مکه بر وقوفین و اعمال منی جایز نیست مگر برای چند گروه که می توانند بعد از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات این اعمال*(2) را انجام دهند.

اول: زنهایی که می ترسند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

1 آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: و صید.

آیه الله سیستانی: عقد و شهادت بر آن با حلق یا تقصیر جایز می شود.

2 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: تقدیم طواف نساء و نماز آن برای اشخاصی که ذکر می شود جایز نیست و اگر نتوانند پس از اعمال منی آن را انجام دهند بنابر احتیاط واجب نائب بگیرند مگر کسی که از رفتن به

مکه بر جان خود می ترسد که چنین کسی می تواند طواف نساء و نماز را مقدم بدارد). آیه الله خوئی: و تقدیم سعی نیز جایز نیست).

صفحه

۲۱۴

دوم: پیرمردان یا پیرزنانی که نتوانند (1) به مکه مراجعت نمایند یا به جهت ازدحام جمعیت نتوانند طواف کنند.

سوم: اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا از آن عاجز باشند*(2).

چهارم: کسانی که می دانند (3) تا آخر ماه ذی الحجه، به جهتی برای آنها طواف و سعی ممکن نمی شود ولی اگر ترس آن را داشته باشند که پس از مراجعت در اثر ازدحام نتوانند طواف کنند و یا به مشقت بیفتند نمی توانند اعمال مکه را مقدم نمایند(4).

مسأله ۸۲۱ - نایب اگر از اشخاصی باشد که در مسأله قبل گذشت می تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد و نیابتش صحیح است.

مسأله ۸۲۲ - کسی که طواف حج را به جهت جهل به مسأله انجام نداده و به وطن خود بازگشته باید حج را اعاده و یک شتر قربانی نماید هر چند با زن نزدیکی نکرده باشد.

مسأله ۸۲۳ - کسی که می تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد نمی تواند سعی را تأخیر انداخته و بعد از بازگشت از منی انجام دهد*(5).

مسأله ۸۲۴ - کسی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می کند می تواند طواف نساء را

۱ آیه الله فاضل: و نتوانند صبر کنند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.

آیه الله سیستانی: یا برای آنان دشوار باشد.

۲ آیه الله سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیه الله فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند یا با عسر و حرج مواجه شوند.

۳ آیه الله سیستانی: کسانی که می ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

۴ آیه الله بهجت: تقدیم اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از منی از ازدحام جمعیت می ترسد جایز است.

۵ آیه الله خوئی: در گروه اول و دوم تقدیم سعی جایز نیست و باید آن را در محل خود انجام دهد.

صفحه

۲۱۵

پس از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد*(1).

مسأله ۸۲۵ - تقدیم اعمال مکه بر وقوفین در مواردی که گذشت، جایز است و لازم نمی باشد(2).

مسأله ۸۲۶ - کسانی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می دارند لازم نیست در نزدیک ترین زمان به وقوفین آن اعمال را انجام دهند.

مسأله ۸۲۷ - کسی که پس از بازگشت از منی نمی تواند خودش طواف کند و باید او را با تخت روان و مانند آن طواف دهند اگر با مقدم کردن اعمال مکه بر وقوفین بتواند خودش طواف کند می تواند اعمال یادشده را مقدم بدارد ولی اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیز ندارد نمی تواند مقدم بدارد.

مسأله ۸۲۸ - در مواردی که اعمال مکه مقدم می شود اگر بدون این که برای حج احرام ببندد اعمال مکه را انجام داد کفایت نمی کند و باید پس از احرام قبل از وقوفین یا بعد از آن، آن اعمال را اعاده نماید.

مسأله ۸۲۹ - کسی که می تواند با تأخیر، اعمال مکه را خودش انجام دهد نمی تواند برای آنها نایب بگیرد.

1] آیه الله مکارم: باید آن را هم مقدم نماید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت طواف نساء را نمی تواند مقدم بدارد مگر کسی که از بازگشت به مکه از جان خود می ترسد). آیه الله خویی: و نیز گذشت که تقدیم سعی مجزی نیست).

2] آیه الله تبریزی: مگر این که بدانند یا اطمینان داشته باشند چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند بعد امکان انجام آن را ندارند که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنا بر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن (از منی و تا آخر ذی الحجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است.

آیه الله سیستانی: اگر زن می داند بعداً حیض می شود و نمی تواند اعمال را انجام دهد باید قبل از وقوف انجام دهد.

صفحه

۲۱۶

مسأله ۸۳۰ - کسی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم داشته اگر نتوانست طواف نساء(1) را مقدم بدارد مثل این که زن بعد از طواف و سعی حائض شد نمی تواند نایب بگیرد بلکه وظیفه اش آن است که طواف نساء را بعد از بازگشت از منی انجام دهد.

مسأله ۸۳۱ - معیار در این که شخص از کسانی است که تقدیم اعمال مکه بر آنها جایز است تشخیص خود اوست نه دیگران.

مسأله ۸۳۲ - سه طائفه اول اعمالی را که جلو انداخته اند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حایض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

مسأله ۸۳۳ - طائفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال بجاورد اگر از جهت مرض (2) و پیری و عللی بود باز مجزی است و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند (3) اعمال را، بعد از رجوع(4).

مسأله ۸۳۴ - کسانی که به واسطه عذر مثل پیری و خوف حیض طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

«ترتیب اعمال مکه»

مسأله ۸۳۵ - ترتیب بین اعمال مکه در حال اختیار معتبر است بنابر این مقدم داشتن

1. آیه الله خویی و آیه الله تبریزی: گذشت که غیر از کسی که از بازگشت به مکه بر جان می ترسد نمی تواند طواف نساء را مقدم کند.

2. آیه الله صافی: اگر بعد از مراجعت خلاف یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت بین صور مذکوره.

آیه الله فاضل: و اگر احتمال حدوث مرض را می داد و بعداً مرض حادث نشد مجزی نیست.

3. آیات عظام: بهجت، سیستانی، گلپایگانی: اعاده لازم نیست.

4. نظر آیه الله خوئی در این مسأله به دست نیامد.

صفحه

۲۱۷

سعی بر طواف زیارت یا مقدم داشتن طواف نساء بر طواف زیارت یا بر سعی جایز نیست و اگر مقدم داشت باید اعاده نماید تا ترتیب حاصل شود مگر این که سهواً یا به جهت ندانستن مسأله، طواف نساء را بر سعی مقدم کند که در این صورت طواف و سعی صحیح است اگرچه احتیاط مستحب آن است که طواف نساء را اعاده نماید.

مسأله ۸۳۶ - در حال ضرورت مقدم نمودن طواف نساء بر سعی جایز است مانند این که زن بترسد حیض شود و نتواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند ولی احتیاط مستحب آن است که نائب بگیرد که بعد از آن بجاءورد.

«ترک طواف»

مسأله ۸۳۷ - اگر طواف نساء را عمداً یا به جهت عذری مانند فراموشی ترک نماید و به وطن خود مراجعت نماید باید اگر می تواند برگردد و خودش انجام دهد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد، نائب بگیرد و تا طواف و نماز آن را خودش یا نائبش به جا نیاورده استمتاع از همسر بر او حلال نمی شود (1) و در هر صورت حج او باطل نمی شود و به جهت ترک طواف نساء کفاره بر او نیست*.

مسأله ۸۳۸ - کسی که طواف زیارت را فراموش کرده و به وطن بازگشته و با زن نزدیکی نموده باید یک هدی در مکه قربانی کند (2) و گوسفند کافی است و اگر می تواند خودش بازگردد و طواف و نماز آن را انجام دهد و چنانچه ذی حجه نگذشته سعی را نیز اعاده نماید و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۸۳۹ - کسی که طواف حج را باطل انجام داده مثل این که آن را بدون وضو یا با

1 آیات عظام امام، بهجت: اگر پس از بازگشت با زنش نزدیکی کرده یک هدی در مکه قربانی کند.

آیه الله فاضل: اگر با استمرار فراموشی با زن نزدیکی کرده کفاره ندارد و الا کفاره دارد.

2 آیة الله فاضل: اگر با استمرار فراموشی با زن نزدیکی کرده کفاره ندارد.

آیه الله مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

صفحه

وضوء باطل بجآورده چنانچه این کار سهوی بوده باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر نمی تواند نائب بگیرد و حج او صحیح است هر چند پس از گذشتن ذی حجه متوجه شده باشد و اگر این کار به جهت جهل به مسأله بوده چنانچه ماه ذی حجه باقی است باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را تدارک کند و حج او صحیح است و اگر ماه ذی حجه گذشته حج و احرامش باطل است و چنانچه حج بر او واجب بوده باید در سال بعد اعاده نماید.

«احکام طواف نساء»

مسأله ۸۴۰ - کسی که چند عمره مفرده یا حج انجام داده و در هیچ کدام طواف نساء مستقل به جا نیاورده باشد برای هر کدام یک طواف نساء مستقل انجام دهد (1).

مسأله ۸۴۱ - نائب باید طواف نساء را نیز به نیت منوب عنه بجآورد و احتیاط مستحب آن است که به نیت ما فی الدمه انجام دهد.

مسأله ۸۴۲ - فاصله انداختن بین سعی و طواف نساء جایز است.

مسأله ۸۴۳ - اگر قصد کند طوافی را که پس از انجام طواف و سعی بر مکلف واجب است انجام دهد طواف او صحیح است هر چند نداند که عنوان او طواف نساء است بلکه خیال کند عنوان دیگری دارد مثل این که تصور کند طواف واجب بر زن طواف رجال است.

مسأله ۸۴۴ - تا طواف نساء و نماز آن انجام نشده حرمت استمتاع از همسر باقی است ولی اگر پس از شوط چهارم* (2) با همسرش مواجهه کند کفاره ندارد و در این حکم فرقی بین طواف نساء حج و عمره مفرده نیست.

مسأله ۸۴۵ - اگر شک کند طواف نساء را در حج یا عمره انجام داده یا نه باید

1 آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

آیه الله خامنه ای: ولی حصول تحلل با یک طواف نساء بعید نیست.

2 آیة الله تبریزی، آیه الله خوئی: شوط پنجم.

طواف نساء را انجام دهد (1) و اگر به وطن بازگشته و نمی تواند برگردد یا مشقت دارد نایب بگیرد (2).

مسأله ۸۴۶ - نایب در حج یا عمره مفرده اگر طواف نساء را ترک کند استمتاع از همسر برای او حلال نمی شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

مسأله ۸۴۷ - اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح می باشد ولی باید طوافی را که ترک نموده قبل یا بعد از اعمال احرام جدید انجام دهد و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء احرام دوم از آن کفایت نمی کند (3).

«مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی» (4)

مسأله ۸۴۸ - مستحباتی که در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ تُسْكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْنِي لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تُعْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبُدُّ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْنَكَ جَنَّتْ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤْمُ طَاعَتَكَ مُتَّبِعاً لَأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ

1. آیه الله خویی و آیه الله تبریزی: اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش حاصل شده به آن اعتنا ننموده و بنا بر انجام آن گذارد.

2. آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: در فرضی که التفات به وجوب آن داشته و پس از مراجعت از مکه شک کند طواف نساء را انجام داده یا نه فرمودند انجام طواف نساء لازم نیست.

3. آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: کفایت می کند.

4. آیه الله مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

فصل ششم: بیتوته در منی

مسأله ۸۴۹ - حاجی باید شب یازدهم و شب دوازدهم ذی الحجه را در منی بیتوته نماید یعنی از اول شب تا بعد از نیمه شب یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در منی بماند(1). و این بیتوته از عبادات است و باید با قصد قربت و با نیت خالص انجام شود.

مسأله ۸۵۰ - چند گروه باید در شب سیزدهم نیز در منی بیتوته نمایند:

1- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج شکار کرده هر چند او را نکشته باشد ولی اگر غیر از شکار کردن چیزهای دیگری از شکار که بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت آن انجام دهد بیتوته شب سیزدهم بر او واجب نیست.

2- کسی که در احرام عمره تمتع یا حج با زن خود یا اجنبیه در فُئُل یا دُبُر نزدیکی کرده باشد ولی به خاطر غیر جماع و لمس، بیتوته شب سیزدهم واجب نمی شود(2).

3- کسی که روز دوازدهم کوچ نکرد و غروب شب سیزدهم را در منی درک کرد(3).

مسأله ۸۵۱ - چند گروه هستند که واجب نیست در شبهای یازدهم و دوازدهم و

1 آیات عظام: بهجت، امام، گلپایگانی، صافی: بیتوته در منی از غروب آفتاب است تا نصف شب. آیه الله بهجت فرمودند تا بعد از نیمه شب.

2 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: کسی که از استمتاع از زنها اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بیتوته نماید

3 آیه الله سیستانی: که در این صورت باید تا طلوع فجر در منی باشد.

1- بیماران و پرستاران آنها و همین طور کسانی که ماندن در منی برایشان مشقت داشته باشد به هر عذری که باشد.

2- کسانی (1) که می ترسند اگر شب در منی بیتوته نمایند مال قابل توجهی از آنها در مکه از بین برود.

3- چوپان هایی که حیوانات آنان احتیاج به چرا در شب دارند (2).

4- کسانی (3) که شب را از مغرب تا طلوع فجر در مکه بیدار و مشغول عبادت باشند و کار دیگری انجام ندهند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو. (4)

5- کسانی که در مکه متکفل آب دادن به حجاج هستند (5).

مسأله ۸۵۲ - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند (6) و رمی روز سیزدهم بر او

1 آیه الله سیستانی: کسی که در صورت بیتوته نمودن در منی بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد.

2 آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی: این مورد و مورد بعد مستثنی نیست.

آیه الله مکارم: به طوری که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.

3 آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده، بجز حاجت ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیه الله سیستانی: کسی که از منی، اول شب یا پیش از آن بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، بجز اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن او را از برگشتن به منی بازداشته است.

4 آیه الله بهجت: و از امور ضروریه نوم غالب است.

5 آیه الله مکارم: یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.

6 آیه الله فاضل: و نیز کسی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به منی برگردد و تا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

صفحه

۲۲۳

واجب نمی شود.

مسأله ۸۵۳ - کسی که نیمه اول شب یا مقداری از آن را در منی نبود واجب است قبل از نیمه شب به منی برگردد و تا طلوع فجر در منی بماند.

مسأله ۸۵۴ - نیمه شب در بیتوته منی را باید از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب کنند (1).

مسأله ۸۵۵ - اشتغال به عبادت لازم نیست در مسجدالحرام یا مساجد دیگر باشد بلکه هر جای شهر مکه باشد کافی است.

مسأله ۸۵۶ - اشتغال به عبادت در غیر مکه کافی نیست مگر برای کسی که بعد از طواف خانه خدا در عبادت خود باقیمانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته باشد چنین شخصی می تواند در راه بیتوته کند و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسأله ۸۵۷ - کسی که بیتوته در منی را در شبی که واجب است بماند ترک کند باید برای هر شب آن یک گوسفند قربانی کند و در این حکم فرقی نیست که ترک بیتوته از روی علم و عمد باشد یا به خاطر فراموشی یا جهل به حکم یا موضوع، مانند این که در مکانی به اعتقاد این که از منی است بیتوته کند و بعد خلاف آن ثابت شود.

مسأله ۸۵۸ - گروه هایی را که گفته شد که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست باید برای ترک بیتوته در منی یک گوسفند قربانی کنند مگر کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بوده اند و در منی بیتوته نکرده اند و همچنین کسانی که از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته و در راه بیتوته نموده اند (۲) که بر آنها نیز قربانی واجب نیست.

مسأله ۸۵۹ - کسی که شب را در مکه به عبادت مشغول است و خواب بر چشمان او غالب می شود، (۳) چنانچه به قدری کم باشد که با وجود آن صدق کند که تمام شب را به

۱] آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند.

۲] نظر آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خامنه ای، مکارم، صافی، فاضل در فرض اخیر نسبت به کفاره یافت نشد.

۳] آیه الله بهجت: کفاره ندارد.

صفحه

۲۲۴

عبادت مشغول بوده کافی است و کفاره لازم نیست.

مسأله ۸۶۰ - اگر مسؤول کاروان برای بیتوته اشتباهاً حجاج را در غیر منی ساکن کند و بعد متوجه شود باید برای ترک بیتوته خودش کفاره بدهد ولی اعلام به دیگران واجب نیست و اگر متوجه شدند کفاره بر عهده خود آنان است ولی چنانچه مسؤول کاروان اجیر آنها شده و اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوت دارد در مقدار تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

مسأله ۸۶۱ - هرگاه حاجی در محلی که احراز کرده جزء منی است بیتوته نماید و پس از آن شک کند که بیتوته در منی بوده یا نه کفاره ای بر او نیست مگر این که یقین کند که بیتوته اش خارج منی بوده است.

مسأله ۸۶۲ - گوسفندی را که باید برای کفاره قربانی کنند لازم نیست در محل خاصی مثل منی ذبح کنند بلکه می توانند پس از مراجعت به محل خود قربانی کنند و همین طور لازم نیست شرائط قربانی در حج را داشته باشد.

مسأله ۸۶۳ - کسی که فقط قسمتی از نیمه اول شب را یا فقط قسمتی از نیمه دوم را یا فقط قسمتی از نیمه اول و بخشی از نیمه دوم را در منی مانده باید کفاره بدهد (۱) و کفاره در ناسی و جاهل مبني بر احتیاط است.

مسأله ۸۶۴ - حاجي مي تواند بعد از ظهر روز عيد براي انجام اعمال مکه از مني خارج شود هر چند بداند به واسطه اين کار ساعتی از اول شب براي بيتوته به مني نمي رسد(2). ولي در اين صورت لازم است نيمه دوم شب را در مني بيتوته کند.

1] آية الله گلپايگاني، آية الله صافي: کسي که براي انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتي از شب به مني برساند، بر او كفاره واجب نيست، اگرچه بعد از نيمه شب به مني رسیده باشد. و در مسأله ۹۳۸ آداب حج مي فرمايند: در صورت عذر كفاره واجب نيست.

2] امام خميني: خارج شدن از مني در فرض مذکور مانع ندارد ولي براي تأخير بايد كفاره بدهد.

صفحه

۲۲۵

فصل هفتم: رمي جمرات سه گانه

روزهاي يازدهم و دوازدهم ذي حجه حاجي بايد جمرات سه گانه (جرمه اولي، وسطي، عقبه) را رمي کند و همين طور است روز سيزدهم براي کسي که بايد شب آن را در مني بيتوته نمايد ولي چنانچه رمي را در روزهاي مذکور ترک کند حج او صحيح است و در صورتی که بدون عذر ترک کرده معصيت نموده است.

مسأله ۸۶۵ - تعداد سنگريزه هايي که بايد هر روز به هريک از جمرات سه گانه بزند هفت سنگ است و کيفيت رمي و شرائط و واجبات آن همان گونه است که در رمي جمره عقبه گذشت.

مسأله ۸۶۶ - وقت رمي از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزي است که شب آن را بيتوته نموده است.

مسأله ۸۶۷ - حاجي مي تواند رمي جمرات سه گانه در ايام تشريق را قبل از ذبح و حلق يا تقصير انجام دهد.

مسأله ۸۶۸ - رمي در شب کفايت نمي کند مگر براي کسي که از رمي در روز معذور باشد (1). مانند بيمار و عليل و شبان و کسي که از چیزی مثل ازدحام جمعيت مي ترسد و اين

1 آیه الله سیستانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد و از این حکم چوپانان و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری استثناء می شود که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند و اما زنان، ضعفاء، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

صفحه

۲۲۶

افراد باید رمی (1) را در شب آن روز یا شب بعد آن انجام دهند* و نایب گرفتن کافی نیست (2).

مسئله ۸۶۹ - حاجی باید به ترتیب ابتدا جمره اولی و سپس جمره وسطی و در آخر جمره عقبه را رمی نماید و اگر عمداً یا به جهت فراموشی بر خلاف این عمل نماید باید رمی را به طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود. مثلاً اگر ابتدا جمره وسطی را رمی کرد و بعد اولی را باید دوباره جمره وسطی را رمی نماید و تکرار آن جمره اولی لازم نیست.

مسئله ۸۷۰ - اگر چهار سنگ ریزه به یک جمره بزند و به جهت فراموشی (3) یا ندانستن مسئله* آن را رها کرده و جمره بعد از رمی نماید لازم نیست رمی جمره سابق را اعاده نماید بلکه اگر سه ریگ باقی مانده را به آن جمره بزند کافی است.

مسئله ۸۷۱ - بعد از رمی هر سه جمره اگر یقین کند که یک یا دو یا سه سنگ به یکی از سه جمره نزده و نداند که کدام جمره را ناقص گذارده باید مقداری را که انجام نداده در هر سه جمره تکرار کند.

مسئله ۸۷۲ - کسی که بعد از رمی سه جمره یقین کند به یکی از آنها کمتر از چهار

1 آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: باید رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: چنین کسانی رمی را شب آن روز انجام دهند.

2 امام خمینی: می توانند در روز نایب بگیرند.

3 در عبارت آیه الله بهجت این حکم مقید به جهل و فراموشی نشده است.

آیه الله خوئی آیه الله تبریزی: این حکم در خصوص کسی است که به جهت فراموشی رمی را ناقص گذارده.

صفحه

27۲

سنگ زده چنانچه مقداری را که ناقص گذارده به جمره عقبه بزند اکتفا به آن بعید نیست* (1).

مسئله ۸۷۳ - جمرات را از هر طرف می توان رمی نمود ولی مستحب است در اولی و وسطی رو به قبله بایستد و رمی کند و در جمره پشت به قبله بایستد و رمی کند.

«نیابت در رمی»

مسأله ۸۷۴ - کسی که به واسطه بیماری یا عذر دیگر نتواند رمی نماید چنانچه از برطرف شدن عذر مأیوس باشد باید برای رمی نایب بگیرد و اگر از نایب گرفتن نیز معذور است مثل بیهوش و طفل کوچک ولی او یا شخص دیگری (۲) برای او رمی می کند و اگر پس از رمی عذر برطرف شد اعاده رمی لازم نیست و چنانچه امید آن باشد که عذر برطرف شود نیابت جایز است ولی اگر عذر برطرف شد باید رمی توسط خودش اعاده شود.

مسأله ۸۷۵ - نیابت از طرف معذور بدون اذن او کافی نیست (۳) مگر این که از نایب گرفتن معذور باشد مثل بیهوش و طفل.

مسأله ۸۷۶ - اگر عذر منوب عنه در اثناء رمی نایب برطرف شد باید خودش رمی را از سر بگیرد و اکتفا کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.

مسأله ۸۷۷ - بهتر است اگر ممکن است شخص معذور را به محل رمی ببرند و در حضور او رمی کنند و اگر می شود سنگ را در دست او قرار دهند و رمی کنند* (۴).

۱ آیه الله سیستانی: اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جایز است اکتفا به کسری جمره آخری و اگر قبل از آن باشد باید کسری همه را به ترتیب جبران کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در این صورت باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

۲ آیه الله مکارم: در سال بعد هم نایب بگیرد.

۳ امام خمینی، آیه الله فاضل: با یأس از برطرف شدن عذر کفایت می کند.

۴ آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر ممکن است مریض سنگها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

صفحه

۲۲۸

مسأله ۸۷۸ - کسی که در هنگام صبح از رمی معذور است ولی می داند بعد از ظهر عذر او برطرف می شود نمی تواند نایب بگیرد.

مسأله ۸۷۹ - کسی که از رمی معذور است نمی تواند شخصی را که از رمی در روز عاجز است نایب بگیرد تا در شب برای او رمی کند بلکه در صورت امکان باید کسی را نایب کند که در روز برای او رمی نماید و اگر ممکن نشد بنا بر احتیاط واجب خودش رمی را در روز بعد قضا کند و اگر نتوانست* (۱) نایب بگیرد.

مسأله ۸۸۰ - کسی که برای رمی جمرات نایب می شود لازم نیست اول برای خودش سه جمره را رمی نماید و سپس به نیابت دیگران، بلکه می تواند هر جمره را برای خود و به نیابت دیگران رمی نماید.

مسأله ۸۸۱ - مردی که برای رمی از طرف زن نایب شده باید رمی را در روز انجام دهد و در شب کافی نیست.

مسأله ۸۸۲ - اگر زن احتمال دهد که رمی باعث قاعدگی او می شود (۲) نمی تواند برای آن نایب بگیرد مگر این که در اثر آن به مشقت بیفتد* (۳).

«شک در رمی»

مسأله ۸۸۳ - اگر شک کند که رمی روز قبل را انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۴ - اگر پس از رمی شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۵ - کسی که مشغول به رمی جمره ای از جمرات است و شک کند که جمره

1 آیه الله فاضل: نائب گرفتن کسی که از رمی در روز عاجز است صحیح است.

2 آیه الله تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست و اگر قبل از وقوف به عرفه می ترسد که رمی باعث قاعدگی شود و نتواند طواف کند باید طواف و نماز آن را مقدم بدارد.

3 آیه الله سیستانی: مجرد احتمال وقوع در مشقت مجوز استنابه نیست.

صفحه

۲۲۹

سابق را رمی نموده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۶ - اگر قبل از مشغول شدن به رمی جمره بعد شک کند به جمره ای که رمی کرده هفت سنگ زده یا کمتر باید مقداری را که احتمال می دهد ناقص گذارده بیاورد تا یقین کند هفت سنگ زده است هر چند این شک پس از انصراف از عمل و مشغول شدن به کارهای دیگر باشد (1).

مسأله ۸۸۷ - اگر بعد از مشغول شدن به جمره بعدی در عدد آن شک نماید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۸۸۸ - کسی که در عدد سنگها شک دارد اگر رمی را از سر بگیرد و هفت سنگ بزند کافی است.

«زیاده در رمی»

مسأله ۸۸۹ - کسی که از ابتداء قصدش این باشد که بیش از هفت سنگ به جمره بزند رمی او صحیح نیست (2) و باید اعاده کند ولی اگر پس از زدن هفت سنگ قصد کند که چند سنگ دیگر اضافه بزند رمی او باطل نمی شود.

«قضاء رمی جمرات»

مسأله ۸۹۰ - کسی که در یکی از روزها رمی را با علم و عمد یا به جهت جهل یا فراموشی ترک نماید باید در روز بعد آن را قضا کند و همین طور اگر رمی را در دو روز ترک کند باید هر دو روز را قضا نماید.

مسأله ۸۹۱ - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ولی نداند کدامیک است رمی جمره عقبه کافی است.

1 آیه الله مکارم، آیه الله بهجت: در فرض اخیر اعتنا نکند.

آیه الله سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند.

2 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: در فرض تحقق قصد قربت رمی صحیح است.

مسأله ۸۹۲ - اگر روز سیزدهم یقین کند رمی را در یکی از سه روز قبل (روز دهم، یازدهم، دوازدهم) ترک کرده و نداند کدام است قضای رمی جمره عقبه کافی است.

مسأله ۸۹۳ - قضاء هر روز را باید بر اداء مقدم کند (1) پس اگر در روز یازدهم بخواهد قضای روز عید را بجا آورد باید ابتدا قضای روز عید را و بعد رمی روز یازدهم را انجام دهد و همچنین باید در قضای دو روز یا بیشتر ترتیب را رعایت کند. پس اگر در روز سیزدهم بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و دوازدهم را بجا آورد باید به ترتیب ابتداء رمی روز عید و سپس رمی روز یازدهم و در آخر رمی روز دوازدهم را قضا کند.

مسأله ۸۹۴ - اگر یک یا دو جمره از جمرات را در روزی که باید رمی کند رمی نکرد باید در روز بعد و پیش از ادای وظیفه آن روز قضاء روز قبل را انجام دهد.

مسأله ۸۹۵ - کسی که می خواهد قضای رمی جمرات دو یا سه روز را انجام دهد نمی تواند پیش از اتمام رمی سه جمره برای قضای روز سابق، مشغول قضای رمی روز بعد شود. بنابراین اگر هفت سنگ برای قضای روز اول به جمره اولی زد نمی تواند هفت سنگ دیگر برای قضای روز بعد بزند و سپس مشغول جمره وسطی شود (2).

مسأله ۸۹۶ - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب رمی نموده باید به طوری قضا کند که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسأله ۸۹۷ - کسی که به یک یا چند جمره چهار سنگ زده و در روز بعد متوجه شده بنا بر احتیاط واجب باید باقیمانده روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه آن روز را بجا آورد.

مسأله ۸۹۸ - اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و پس از این که از منی خارج شد و به مکه آمد متوجه شود باید برای قضای آن به منی بازگردد هر چند پس از ایام تشریق متوجه شده باشد * (3) و اگر پس از خروج از مکه متوجه شود باید در سال بعد در

1. آیه الله مکارم: در غیر فرض عمد تقدیم قضاء واجب نیست بلکه افضل است و از اینجا حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

2. آیه الله سیستانی: رمی به این نحو هم صحیح است.

3. آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: اگر ایام تشریق بگذرد سال بعد خودش یا نائیش انجام دهد.

ایام تشریق خودش یا نائیش آن را قضا کند (1).

مسأله ۸۹۹ - اگر رمی بعضی از جمرات را فراموش کرد یا در رمی همه جمرات یا بعضی از آنها کمتر از هفت سنگ زد حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۹۰۰ - شخصی که در روز سیزدهم متوجه شده که رمی جمره عقبه را در روز عید انجام نداده یا باطل انجام داده باید رمی روز عید را قضاء کند ولی اعاده رمی روز یازدهم و دوازدهم واجب نیست.

«کوچ کردن از منی»

مسئله ۹۰۱ - کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسئله ۹۰۲ - افرادی که حج به جا می آورند و وظیفه آنان بیتوته در منی می باشد نمی توانند قبل از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کنند مگر ماندن آنها در منی حرجی باشد.

مسئله ۹۰۳ - اگر حاجی صبح دوازدهم از منی خارج شد باید قبل از ظهر برگردد (2) برای تحقق کوچ کردن بعد از ظهر.

مسئله ۹۰۴ - پس از انجام میت در شب دوازدهم، جایز است که حاجی از منی خارج شود. ولی باید روز دوازدهم برای رمی قبل یا بعد از ظهر به منی برگردد و چنانچه پیش از ظهر به منی آمد نباید قبل از ظهر از منی کوچ کند چنانچه گذشت.

۱ آیه الله سیستانی: اگر پس از خروج از مکه یادش بیاید قضا در سال بعد احتیاط مستحب است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: قبل از گذشت ایام تشریق باید برای رمی به منی برگردد هر چند از مکه خارج شده باشد.

۲ امام خمینی، آیه الله صافی: اگر در روز دوازدهم پس از رمی جمرات خارج شده واجب نیست برگردد.

صفحه

۲۳۲

«مستحبات منی (1)»

مسئله ۹۰۵ - برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا.»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

«مستحبات دیگر مکه معظمه»

مسأله ۹۰۶ - آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

1- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

2- ختم نمودن قرآن.

3- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.»

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ.»

1 آیه الله مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده بقصد رجاء انجام گیرد.

صفحه

۲۳۳

4- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

5- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ (1) در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

6- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

7- به خانه کعبه داخل شود (2)؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّني مِنَ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

8- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرُفَادَةِ إِلَيَّ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَتَوَافُلِهِ وَقَوَاضِيهِ فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبْتَنِي وَتَعَبَّبْتَنِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَتَوَافُلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَأْلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَنِّيكَ مُفْرًا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرَّعْتِي وَلَا تُرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا

1- آیه الله مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

2- آیه الله مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می دهد.

صفحه

۲۳۴

عَظِيمٌ أَنْ تُغْفَرَ لِي الدَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللهُ أَكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُثْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ.»

بعداً پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

«استحاب عمره مفرده پس از حج»

مسأله ۹۰۷ - بعد از فراغت از حج، مستحب است در صورتی که میسور باشد عمره مفرده بجآورد و کیفیت عمره مفرده خواهد آمد.

«طواف وداع»

مسأله ۹۰۸ - برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستحار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنَّتِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَقْدِكَ مِنَ الْمَغْفُورَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین، که مقابل رکن شامی است،

صفحه

بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن به مقدار یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

«عمره مفرده»

مسأله ۹۰۹ - عمره مفرده بر کسانی که شانزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان واجب نیست مگر در موارد تبدیل حج تمتع به حج افراد که مسائش گذشت.

مسأله ۹۱۰ - بر کسی که می خواهد داخل مکه شود (۱) واجب است با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر موسم حج نیست و یا نمی خواهد حج انجام دهد واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم چند گروه مستثنی هستند:

۱- کسانی که به اقتضای شغلشان زیاد وارد مکه و از آن خارج می شوند.

۲- کسانی که پس از اعمال عمره مفرده از مکه خارج شده و در همان ماه (۲) به مکه برگردند (۳).

۳- کسانی که بعد از اعمال حج تمتع از مکه خارج شوند (۴) و در همان ماهی که به عمره تمتع محرم شده اند مراجعت نمایند.

مسأله ۹۱۱ - تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است

مسأله ۹۱۲ - کسی که می خواهد عمره مفرده انجام دهد در یک ماه قمری نمی تواند بیش از یک عمره برای خود یا دیگری انجام دهد (۵) ولی انجام بیش از یک عمره در یک

۱ آیه الله سیستانی: بلکه در حرم

۲ آیه الله بهجت: در ماه خروج

۳ امام خمینی: باید به قصد رجاء محرم شود اگر در بازگشت از میقات بگذرد.

۴ امام خمینی: و بازگشت آنان قبل از گذشتن یک ماه از احرام عمره تمتع باشد.

آیه الله خوئی: و در همان ماه قمری که عمره تمتع انجام داده اند مراجعت نمایند.

۵ آیه الله گلپایگانی، آیه الله بهجت: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست بلکه در یک روز می تواند چند عمره مفرده بجا آورد. آیه الله بهجت اضافه فرمودند: اگر چه افضل در عمره ثانیه آن است که در ماه دیگری غیر ماه سابقه باشد یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد.

ماه به صورتی که هر عمره برای یک نفر باشد جایز است مثل این که یک عمره برای خود و یکی برای دیگری یا دو عمره برای دو نفر متفاوت انجام دهد. و در این فرض اگر از طرف دیگران اجیر بر عمره مفرده شده باشد مستحق اجرت است.

تذکر: انجام بیش از یک عمره در یک ماه برای خود یا دیگری به قصد رجاء و امید مطلوبیت اشکال ندارد.

مسئله ۹۱۳ - کسی که می خواهد حج تمتع به جا آورد می تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از اتمام اعمال حج تمتع عمره مفرده به جا آورد اگرچه این عمره با عمره تمتع از یک نفر بوده و در یک ماه قمری بوده باشد.

مسئله ۹۱۴ - کسی که حج بر او واجب نیست یا حج واجب خود را قبلاً انجام داده و در ایام حج می خواهد وارد مکه شود مثل کارگزاران و خدمه حج لازم نیست حج تمتع انجام دهد بلکه می تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی به جا آورد.

«کیفیت و احکام عمره مفرده»

مسئله ۹۱۵ - صورت عمره مفرده آن است که محرم شود به عمره مفرده و به مکه آمده و طواف و نماز طواف را به نیت عمره مفرده انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۹۱۶ - اعمال عمره مفرده و کیفیت انجام آن مانند عمره تمتع است مگر در چند چیز:

1- در عمره تمتع باید تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود بگیرد و سر تراشیدن جایز نیست بلکه مجزی نیز نمی باشد ولی در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

صفحه

۲۳۷

2- در عمره تمتع طواف نساء ندارد ولی در عمره مفرده دارد.

3- کسی که در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد می تواند از ادنی الحل محرم شود اگرچه جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه احرام ببندد ولی میقات عمره تمتع خصوص مواقیت پنجگانه است.

4- عمره تمتع باید در ماههای حج (شوال - ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماه ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است.

مسئله ۹۱۷ - محل احرام بستن عمره مفرده برای کسی که در مکه است ادنی الحل و افضل مواضع آن جعرانه و حدیبیه و تنعیم می باشد و برای کسی که از بیرون می آید یکی از مواقیت پنجگانه است با تفصیلی که در مسائل مواقیت ذکر شده است.

مسئله ۹۱۸ - بعد از آن که شخص برای عمره مفرده محرم شد تمام چیزهایی که بر محرم حرام است بر او نیز حرام می شود و بعد از تقصیر و سر تراشیدن حلال می شود مگر زن که آن هم بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می گردد.

مسئله ۹۱۹ - طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا سر تراشیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشی و یا به هر دلیل دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سر تراشیدن آن را اعاده کند (1) و اگر خودش نمی تواند آن را انجام دهد مثل این که به وطن برگشته باید برای طواف نائب بگیرد.

مسئله ۹۲۰ - کسی که در عمره مفرده تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد باید تقصیر نموده و طواف نساء را اعاده نماید و چنانچه به وطن برگشته می تواند در همان جا تقصیر نماید و برای طواف نساء در صورت تمکن نداشتن از مراجعت نائب بگیرد.

مسئله ۹۲۱ - کسی که عمره مفرده بجا می آورد می تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد.

1 آیه الله بهجت: در صورت ضرورت یا نسیان و یا جهل اعاده طواف لازم نیست.

صفحه

۲۳۸

مسئله ۹۲۲ - کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده اند و فعلاً بهبود یافته باید به مکه برگردد و اعمال را تمام کند و اگر نمی تواند برگردد باید برای انجام اعمال نائب بگیرد ولی خودش تقصیر کند (1) و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نائب در بعضی فروض مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها در احکام عمره تمتع گذشت.

مسئله ۹۲۳ - اگر زن بعد از احرام بستن برای عمره مفرده حیض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسئله قبل است.

مسئله ۹۲۴ - طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود.

مسئله ۹۲۵ - عمره مفرده را می توان در ماه های حج قبل از عمره تمتع انجام داد و در این مسئله فرقی بین ضرورت و غیر آن نیست.

مسئله ۹۲۶ - وجوب عمره مفرده ای که بعد از حج در موارد تبدل به افراد انجام می شود فوری است (2) و بنا بر احتیاط باید مبادرت نماید عرفاً.

مسئله ۹۲۷ - کسی که می داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده به علت مرض یا حدوث حیض نمی تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید می تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نائب گرفتن شد، نائب بگیرد.

مسئله ۹۲۸ - کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود لازم نیست دوباره محرم شود.

1 آیه الله سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خودش در محل خودش بجا آورد.

2 آیه الله سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

صفحه

۲۳۹

«مکان ذبح کفارات عمره و حج»

مسئله ۹۲۹ - کفاراتی را که در عمره و حج بر محرم واجب می شود می تواند پس از بازگشت از حج یا عمره در هر جایی که خواست بکشد به جز کفاره صید که اگر در عمره بود، جای کشتن آن مکه و اگر در حج بوده منی است*(1).

«معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات»

مسأله ۹۳۰ - حیوانی که برای کفاره می کشند لازم نیست که شرائط قربانی حج را داشته باشد بنابراین ذبح گوسفند خصی و معیوب کافی است.

مسأله ۹۳۱ - حیوانی که برای کفاره یا به جهت دیگر واجب می شود (غیر از قربانی حج) باید تمام آن به مصرف خود برسد و کفاره دهنده نمی تواند از آن بخورد (2) و اما از قربانی مستحبی می تواند بخورد.

«مصرف کفارات»

مسأله ۹۳۲ - مصرف کفارات فقراء* و مساکین است (3) و نمی توان آن را به کسانی که نفقه آنها بر کفاره دهنده واجب است داد.

«محصور و مصدود و احکام آنها(4)»

مسأله ۹۳۳ - به کسی که برای عمره یا حج محرم شود و سپس از انجام اعمال وی

1. آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: فرقی بین صید و غیر آن نیست و در صورت تمکن کفارات احرام را باید در مکه بکشد و کفارات احرام حج را در منی و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن باید در شهر خود یا جای دیگر کفاره را بکشد.

2. آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: جایز است مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقراء به عهده بگیرد.

3. آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: باید فقیر شیعه باشد.

4. آیه الله خامنه ای متعرض احکام آنها نشده اند.

صفحه

۲۴۰

جلوگیری شود مصدود می گویند و اگر در اثر بیماری و مانند آن مثل کسی که دچار شکستگی اعضاء یا ضعف ناشی از خونریزی شده و قادر به انجام اعمال نشود وی را محصور می گویند.

مسأله ۹۳۴ - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند (1).

مسأله ۹۳۵ - کسی که برای عمره محرم شده اگر از رفتن وی به مکه جلوگیری شد و راه دیگری ندارد می تواند در همان جا یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز بنماید و در این صورت همه چیز حتی زن بر او حلال می شود (2).

مسأله ۹۳۶ - کسی که با احرام عمره وارد مکه شد و دیگری او را از انجام عمره یا خصوص طواف یا سعی ممانعت نمود حکم مسأله قبل را دارد(3).

مسأله ۹۳۷ - کسی که به جهت بدهکاری که قدرت بر پرداخت آن را ندارد یا به ناحق او را حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسأله ۹۳۸ - اگر پس از احرام، برای رفتن به مکه یا اجازه انجام اعمال از او پولی درخواست کنند چنانچه بتواند آن را بپردازد و برای او حرجی نیست باید پرداخت نماید و در غیر این صورت حکم مصدود را دارد.

مسأله ۹۳۹ - اگر از یک راه مصدود شد ولی راه دیگری هست و مخارج رفتن از آن

1 آیات عظام تبریزی، خوئی، سیستانی، فاضل: بقاء احرام او در بعضی صور محل منع است.

2 آیه الله سیستانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می شود.

3 آیه الله بهجت: معتمر به عمره تمتع مصدود می شود به منع از دخول مکه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلل به هدی می شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگر چه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر.

صفحه

۲۴۱

راه را دارد در احرام باقی است و لازم است از آن راه برود و اگر رفت و حج از او فوت شد باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر بترسد با رفتن از راه دیگر حج از او فوت شود نمی تواند با انجام وظیفه مصدود از احرام خارج شود بلکه باید به راه ادامه دهد و اگر حج از او فوت شد با عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسأله ۹۴۰ - مصدود شدن در حج به آن است که به هیچیک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر نرسد بلکه اگر به چیزی که با ترک آن بدون علم و عمد حج باطل می شود - و تفصیل آن سابقاً گذشت - نرسد مصدود محسوب می شود بلکه کسی که پس از وقوفین از انجام اعمال (1) مکه ممانعت شود و نتواند نائب بگیرد (2) مصدود است بلی در صورتی که اعمال مکه را انجام داده و از بازگشت به منی برای بیتوته و انجام اعمال تشریف ممانعت شده مصدود نیست و حج او صحیح است و باید برای انجام اعمال ایام تشریف در این سال نائب بگیرد و اگر نشد در سال دیگر، و همچنین کسی که از خصوص اعمال منی منع (3) شود که باید برای رمی و قربانی نائب بگیرد و خودش حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شود و سپس بقیه مناسک و اعمال را بجا آورد و چنانچه نتواند (4) نائب بگیرد پول قربانی را نزد کسی بگذارد که برای او قربانی کند (5) و خودش حلق یا تقصیر کند و بقیه اعمال را انجام دهد و بنا بر احتیاط در سال بعد رمی نماید.

1 آیه الله تبریزی، آیه الله خوئی: و اگر از اعمال مکه ممانعت شود و نتواند نائب بگیرد حکم صد را دارد بلکه اگر از دخول مکه ممانعت شود می تواند به وظیفه مصدود اکتفا کند هر چند بتواند نائب بگیرد. آیه الله تبریزی اضافه فرمودند: و همینطور است اگر از اعمال قبل از وقوفین منع شود.

2 ظاهر عبارت مناسک آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی این است که اگر پس از وقوفین هم از اعمال منی و هم از داخل شدن به مکه و اداء مناسک حج تا آخر ذی حجه منع شده باشد حکم مصدود را دارد هر چند متمکن از نائب گرفتن باشد.

3 امام خميني، آية الله مكارم: حکم مصدود را دارد.

4 آية الله بهجت: اگر همان سال نتوانست نایب بگیرد سال بعد نایب بگیرد و بعید نیست که به وسیله قربانی در همین سال از احرام خارج شود هر چند باید در سال بعد نایب بگیرد و حج او صحیح است.

5 آية الله سیستانی: اگر نتواند نایب بگیرد لازم نیست قربانی کند. و به جای آن روزه بگیرد.

صفحه

۲۴۲

مسأله ۹۴۱ - مصدود در حج با انجام وظیفه ای که ذکر شد از احرام خارج می شود و چنانچه حج بر او مستقر شده یا در سال دیگر مستطیع است و حج واجب خود را بجانی آورد. پس از رفع منع باید دوباره به حج برود و اعمالی که انجام داده از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسأله ۹۴۲ - کسی که مصدود است می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود هر چند امید بلکه گمان بر طرف شدن مانع را داشته باشد.

مسأله ۹۴۳ - اگر پس از محرم شدن به احرام عمره مفرده یا عمره تمتع به واسطه بیماری و مانند آن نتواند به مکه برود (1) و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد (2) و قرار بگذارد که در وقت معین آن را ذبح کنند و پس از آن که وقت معین رسید با تقصیر (3) از احرام خارج شود و با این کار تمام محرمات احرام غیر از زن (4) بر او حلال می شود و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد، در همان جا قربانی کند و با تقصیر از احرام خارج شود.

مسأله ۹۴۴ - کسی که پس از احرام بستن برای حج بواسطه بیماری و مانند آن نتواند به عرفات و مشعر برود (5) باید یک قربانی یا پول آن را به منی بفرستد و قرار بگذارد که در روز عید (6) برای او قربانی کنند (7) و در آن وقت تقصیر نماید و با این کار تمام محرمات

1 آية الله گلپایگانی، آية الله صافي: باید نایب بگیرد.

2 آیات عظام: تبریزی، فاضل، خوئی: در عمره مفرده مخیر است بین آن و قربانی کردن در محل خود.

3 آية الله سیستانی: یا حلق

4 آیات عظام: تبریزی، بهجت، خوئی: در عمره تمتع زن نیز حلال می شود.

آية الله مكارم: زن هم بر او حلال می شود.

5 آية الله گلپایگانی، آية الله صافي: اگر در موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محل می شود. حتی نسبت به زن.

6 آية الله خوئی، آية الله تبریزی: مواعده روز عید لازم نیست.

آية الله مكارم: مواعده تا روز سیزدهم جایز است.

7 آية الله گلپایگانی: پس از ذبح در منی نسبت به همه محرمات احرام بجز زن محل می شود.

صفحه

احرام به جز زن بر او حلال می شود.

مسئله ۹۴۵ - محصورى که با انجام وظیفه خود از احرام خارج شده (1) چنانچه حج واجب انجام می داده و محصور شده برای حلال شدن زن باید در سال بعد خودش اعمال حج و طواف نساء را انجام دهد و اگر نمی تواند بیاید بعید نیست نایب گرفتن کافی باشد و پس از این که نایب، حج را انجام داد زن بر او حلال می شود و اگر حج او استحبابی بوده بعید نیست که نایب گرفتن برای طواف نساء جهت حلال شدن زن کفایت کند (2) و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان خودش طواف نساء را انجام دهد.

مسئله ۹۴۶ - اگر کسی که با او قرار گذارده که برایش قربانی کند در وقت مقرّر قربانی ننمود و شخص محرم بر اساس قرار از احرام خارج شد و با زن نزدیکی نمود معصیت نکرده و کفاره هم ندارد ولی باید باز قربانی یا پول آن را بفرستد و قرار بگذارد و از وقتی که هدیه یا پولش را می فرستد از زن (3) اجتناب کند.

مسئله ۹۴۷ - تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسئله ۹۴۸ - اگر بیمار و مانند آن بهبودی یافت به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت (4) باید به مکه رود هر چند بهبودی او پس از هدیه یا پول آن باشد و چنانچه محرم به احرام عمره مفرده شده وقتی به مکه رسید با انجام اعمال آن، از احرام خارج می شود

1 آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: برای حلال شدن زن اگر طواف و سعی و طواف نساء را در حج یا عمره مفرده ای انجام دهد کافی است و فرقی بین حج واجب و استحبابی نیست (البته بنا بر نظر آیات عظام خوئی و تبریزی در عمره تمتع با انجام وظیفه محصور زن هم حلال می شود).

2 آیه الله فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرّعی یا استیجاری بوده یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

3 آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: از همه محرمات اجتناب کند.

نظر آیات عظام خوئی و گلپایگانی به دست نیامد.

4 آیه الله سیستانی: موضوع این حکم کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدیه یا قیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نحر هدیه به مکه برسد.

و اگر برای عمره تمتع محرم شده و به موقع رسید اعمال عمره و حج را بجا آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره و حج را بجا آورد وقت و قوف به عرفات فوت می شود باید به عرفات رود و حج افراد انجام دهد. و اگر حج بر او واجب بوده پس از آن عمره مفرده بجا آورد و از حجة الاسلام کافی است و اگر وقتی برسد که حج از او (به تفصیلی که در مسائل و قوفین گذشت) فوت شده عمره تمتع او به عمره مفرده میبدل می شود (1) که باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود و اگر حج بر او مستقر شده یا در سال بعد شرائط وجوب حج را پیدا کند حج بجا آورد.

مسئله ۹۴۹ - مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسئله پیش ذکر شده مانند اوست.

مسأله ۹۵۰ - زمانی که برای قربانی قرار می‌گذارند در احرام حج روز دهم (۲) ذی حجه است ولی در احرام عمره تمتع یا عمره مفرده زمان معینی ندارد.

مسأله ۹۵۱ - در آن چه گفته شد نسبت به محصور و مصدود فرقی نیست که برای خود محرم شده باشد یا به نیابت از طرف دیگری به نحو اجاره یا تبرّع.

مسأله ۹۵۲ - اگر بعد از انجام عمره تمتع به جهت بیماری و مانند آن یا ممانعت شخص دیگری نتواند حج تمتع بجا آورد حکم محصور و مصدود را ندارد و از احرام خارج است ولی از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند و چنانچه سال اول استطاعت اوست

۱ آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در صورتی که قربانی اش ذبح یا نحر نشده باشد وگرنه تمام محرمان بجز زن بر او حلال شده است و برای حلال شدن زن بنا بر احتیاط واجب باید طواف حج و سعی و طواف نساء و نماز آنها را بجا آورد.

آیه الله بهجت: در صورتی که قبل از فوت حج یا ذبح یا نحر قربانی که فرستاد، از احرام خارج نشده باشد.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند حلق یا تقصیر می‌کند و همه چیز جز زن بر او حلال می‌شود و برای حلال شدن زن باید طواف و سعی را در عمره یا حجی انجام دهد.

۲ آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: در احرام حج نیز وقت معینی ندارد.

صفحه

۲۴۵

حج بر او واجب نشده است.

مسأله ۹۵۳ - کسی که بعد از بیماری و مانند آن محرم شود احرام او صحیح است و اگر بتواند عمره و حج را انجام دهد اگرچه با استنابه در طواف و سعی حج او صحیح است و اگر نمی‌تواند حکم محصور را دارد.

صفحه

۲۴۶

«شُرکت در نماز جماعت اهل تسنن»

مسأله ۹۵۴ - شایسته است زائرین خانه خدا نمازهای واجب یومیّه خود را با جماعت اهل تسنن بخوانند و پس از برپاشدن جماعت آنها از جماعت تخلف نکنند و خارج نشوند (1) بلکه اگر این کار موجب وهن مذهب تشیع و بدبینی به آن باشد جایز نیست.

مسأله ۹۵۵ - نمازی که با جماعت اهل تسنن خوانده می شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد (2).

مسأله ۹۵۶ - اقامه نماز جماعت در هتل های مکه و مدینه اگر مفسده ای داشته باشد

1 آیات عظام: امام خمینی، خامنه ای، فاضل، مکارم فرموده اند: وقتی که نماز جماعت در مسجد الحرام یا مسجد النبی (صلي الله عليه وآله) تشکیل شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شده و نباید از جماعت تخلف کنند.

2 آیات عظام خوئی، بهجت، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر ضرورت باشد آیه الله صافی اضافه فرمودند: و همچنین اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد.

صفحه

۲۴۷

مثل این که موجب بدبینی به مذهب شود جایز نیست (1).

مسأله ۹۵۷ - نمازی که با اهل تسنن خوانده شده اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن به پشت نمازگزاران صف جلو سجده شود و یا اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می دانند مراعات نشود باید نماز را اعاده کند.

مسأله ۹۵۸ - در نماز جماعت اهل تسنن در مسجد الحرام که صفهای آن دائره ای شکل است زائرین در جایی بایستند که روبروی امام جماعت یا جلوتر از سمت راست یا چپ او نباشد (2).

مسأله ۹۵۹ - مواردی که نماز در جماعت اهل تسنن صحیح است (3) لازم نیست اتصال صفوف به نحوی که شیعه آن را معتبر می داند مراعات شود (4) بلکه اگر جماعت بنظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است.

«مالي که در حرم پیدا شده»

مسأله ۹۶۰ - برداشتن چیزی که در حرم پیدا می کند کراهت شدید دارد بلکه احتیاط

1 امام خمینی، آیه الله خامنه ای: به طور مطلق فرموده اند جایز نیست.

آیه الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی باشد نماز را به جماعت نخوانند.

آیه الله مکارم: نماز جماعت های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

2 امام خمینی: با وضع فعلی هر جای صفوف بایستند اشکالی ندارد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: چون اقتدا صوری است با رعایت وظیفه منفرد به نحوی که در پاورقی مسائل قبل گذشت نماز در صفوف مقابل امام نیز کافی است.

آیه الله فاضل: اگر به جهت تقیه در صفهای مقابل امام ایستاده اعاده لازم نیست و در غیر تقیه استداره جایز نیست.

3 نظر آیات عظام در تعیین این موارد در مسائل قبل گذشت.

4 آیه الله مکارم: در صورت امکان باید مراعات شود.

آیه الله فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همان جا اقتدا کند و صحیح است ولی اختیاراً و با وسعت وقت به آنجا نرود و نماند و در این مسأله فرقی بین مردان و بانوان نیست.

صفحه

۲۴۸

مستحب آن است که آن را بر ندارد.

مسأله ۹۶۱ - چیزی را که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن از یک درهم کمتر باشد می توان آن را به قصد تملک برای خودش برداشته و مصرف نماید و ضامن صاحبش نیست و اگر قبل از مصرف و تلف شدن مالکش پیدا شد باید بنا بر احتیاط آن را به صاحبش بازگرداند و اگر قصد تملک نکرده و در دست او تلف شد ضامن نیست مگر این که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۹۶۲ - چیزی که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن یک درهم یا بیشتر باشد چنانچه آن را بردارد باید یک سال اعلام کند و از صاحب آن جستجو کند. پس اگر بعد از یک سال صاحب آن یافت نشد (1) می تواند آن را برای صاحبش نگهداری نماید و در این صورت اگر بدون کوتاهی کردن تلف شد ضامن نیست و می تواند آن را برای صاحبش صدقه بدهد ولی اگر صاحب آن پیدا شد و به صدقه دادن راضی نشد باید عوض آن را به او بدهد (2) و جایز نیست آن را تملک نماید و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

«سجده بر فرش و مانند آن»

مسأله ۹۶۳ - در مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سایر مساجد اگر زائرین بتوانند بر روی سنگ یا حصیر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است و از طرف مخالفین ممانعتی از سجود بر آن نیست و موجب وهن و انگشت نداشتن نمی باشد سجده نمایند جایز نیست بر فرشها سجده کنند (3) ولی اگر ضرورت (4) باشد سجده بر فرشها جایز است و

1 آیه الله مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی دهد صدقه بدهد.

2 آیه الله گلپایگانی: و همچنین می تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.

3 امام خمینی: سجده روی فرشها مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند یا با خود حصیر و مانند آن ببرد.

4 آیه الله خوئی: اگر در آن مکان امکان سجود بر آنچه سجده بر آن صحیح است را ندارد سجده بر فرش صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر تقیه اقتضاء کند و در همان جا چیزی که سجده بر آن صحیح است نباشد سجده بر فرش صحیح است و لازم نیست به جای دیگر منتقل شود.

صفحه

۲۴۹

کفایت می کند.

مسئله ۹۶۴ - در حکمی که در مسئله قبل ذکر شد فرقی نیست که نمازش را همراه با جماعت اهل تسنن بخواند یا فردی و پس از اتمام نماز آنان.

مسئله ۹۶۵ - سجده کردن بر تمام اقسام سنگها حتی سنگهای مرمر یا سیاه معدنی صحیح است.

مسئله ۹۶۶ - سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجد الحرام و مسجد النبی(صلي الله عليه وآله) و سایر مساجد به تصور این که سجده بر پشت دست صحیح است بر آن سجده نمود باید نمازهای خود را اعاده کند (1) و اگر نماز طواف را نیز به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده که در مسائل نماز طواف گذشت.

«احکام مسجد الحرام و مسجد النبی(صلي الله عليه وآله)»

مسئله ۹۶۷ - در مسجد الحرام و مسجد النبی(صلي الله عليه وآله) حیض و جنب نمی توانند از قسمت های توسعه یافته (2) نیز عبور نمایند.

مسئله ۹۶۸ - کسی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی(صلي الله عليه وآله) (جنب شده اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می گیرد باید برای خروج تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود، و اگر بیشتر وقت می گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود.

مسئله ۹۶۹ - برداشتن قرآنهاي مسجد الحرام بدون این که آنها را از متصدی مربوطه

1 آیات عظام: امام خمینی، فاضل، سیستانی، مکارم: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این صورت نمازهای او و نمازهای طوافش صحیح است.

2 آیه الله بهجت: این قسمتها حکم سایر مساجد را دارند و احکام خاصی ندارند.

صفحه

۲۵۰

بگیرند جایز نیست هر چند بر روی آن علامت وقف نباشد و چنانچه برداشتن باید برگردانده شود.

مسأله ۹۷۰ - در مسجدالحرام در وضع فعلی که برای تطهیر به ریختن مقداری آب قلیل اکتفا می کنند علم به نجاست همه مسجد حاصل نمی شود و با فرض شک محکوم به طهارت است.

مسأله ۹۷۱ - در مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله)، و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است (1) هر چند حمره مشرقیه زائل نشده باشد * (2) و می تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده (3) باید صبر کند.

«سایر مسائل متفرقه»

مسأله ۹۷۲ - در وقت نماز صبح فرقی بین شبهای مهتابی و غیر آن نیست.

مسأله ۹۷۳ - برداشتن سنگهای صفا و مروه جایز نیست (4) ولی اگر برداشتن لازم نیست آن را بازگرداند و اما برداشتن سنگ و خاک از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد.

مسأله ۹۷۴ - اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست چنانچه آن شخص بداند که در همان مال خمس وجود دارد نمی تواند بدون پرداخت خمس، در آن مال تصرف کند (5).

1 نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت، گلپایگانی، صافی در رابطه با کفایت نماز جماعت با اهل تسنن در مسائل قبل گذشت.

2 آیه الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت نماز با آنها بخواند کافی است.

3 آیه الله بهجت، آیه الله مکارم: وقت داخل شده چون استتار قرص کافی است.

4 آیه الله سیستانی: شکستن سنگهای صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

5 آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: تصرف در مال مزبور مانعی ندارد.

صفحه

۲۵۱

مسأله ۹۷۵ - اگر قاضی اهل تسنن در مکه حکم کند که فلان روز عید است باید در وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منی از او متابعت نمود هر چند علم به خلاف آن باشد (1) و در این حکم فرقی بین یک روز یا دو روز اختلاف نیست.

«تخیر بین قصر و تمام در مکه و مدینه»

مسأله ۹۷۶ - مسافر می تواند نمازهای چهار رکعتی را در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی در محله های جدید آن تمام و یا شکسته بخواند (2).

مسأله ۹۷۷ - نماز در عرفات و مشعر و منی شکسته است مگر این که شخصی قبلاً در مکه قصد اقامت ده روز را داشته و در سفر به این اماکن مسافت شرعی را طی نکرده باشد یا طی مسافت شرعی مشکوک باشد که در این صورت باید نماز را در اماکن مذکور و شهر مکه تمام بخواند بلی اگر پس از مراجعت از عرفات قصد رفتن به وطن را دارد و آمدنش به مکه از این جهت است که در راه او واقع شده در مسیر بازگشت در مشعر و منی و مکه حکم مسافر را دارد و وظیفه او نسبت به تخیر بین قصر و تمام در مکه گذشت.

«مقصود از حرج»

مسأله ۹۷۸ - مقصود از حرج و مشقت که در بعض مسائل این کتاب آمده است حرج و مشقت شخصی است مگر تصریح به خلاف آن شده باشد.

۱ آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: با علم به خلاف وقوف با آنها کافی نخواهد بود و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالف تقیه، باید عمل به وظیفه نماید و در غیر این صورت جحش بدل به عمره مفرده شده و حجی نخواهد داشت و چنانچه استطاعتش از همین سال بوده و برای سالهای بعد باقی نماند وجوب حج از او ساقط خواهد بود مگر این که استطاعت تازه ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می نماید.

۲ آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: این حکم مختص به مکه و مدینه قدیم است.

امام خمینی، آیه الله بهجت: در خارج از مسجدالحرام و مسجدالنبی(صلي الله عليه وآله) باید شکسته بخواند.

صفحه

۲۵۲

«دیوانه شدن محرم»

مسأله ۹۷۹ - کسی که بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است همچنان در احرام باقی (۱) می ماند و نیابت کردن دیگران برای او در اعمال کافی نیست و اگر در این رابطه مالی را مصرف کنند نمی توانند از کسی بگیرند مگر از کسی که موجب غرور آنان شده است.

۱ آیات عظام تبریزی، خوئی، فاضل: احرام او باطل می شود.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال بهبودی در او نیست نیازی به نیابت نیست و حج و احرام او باطل است.

صفحه

۲۵۳

احتیاطات

- *م ۵ - آیه الله مکارم: در هر دو صورت بنا بر احتیاط از حجة الاسلام کفایت نمی کند.
- *م ۹ - آیه الله بهجت: در صورتی که مستلزم تصرف در مال باشد، بنا بر احتیاط اذن ولی در صحت حج او معتبر است.
- *م ۱۳ - آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی، فاضل: و همچنین در غیر صید بنا بر احتیاط واجب.
- *م ۳۲ - آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقة شرعی شرط نیست، مگر این که با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج بیفتد.
- *م ۵۲ - آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: بعد از احرام احوط ترک رجوع است و آیات عظام گلپایگانی و صافی نسبت به رجوع به عین مبذوله تفصیلی در مناسک عربی دارند.
- *م ۵۴ - آیه الله مکارم: احتیاط در غیر عمد آن است که باذل بپردازد.
- *م ۷۹ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد یا جاهل.

صفحه

۲۵۴

- *م ۸۹ - آیه الله بهجت: در غیر صبی ممیز مشکل است.
- *م ۸۹ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آن که به قصد رجاء آورده شود.
- *م ۸۹ - آیه الله مکارم: نیابت از بچه و دیوانه ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.
- *م ۱۰۲ - امام خمینی: بنا بر احتیاط منوب عنه نباید به آن اکتفا کند.
- *م ۱۰۳ - آیات عظام خامنه ای، مکارم، سیستانی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است.
- *م ۱۰۹ - آیه الله بهجت: در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجملة احتیاط می کند.
- *م ۱۰۹ - آیه الله تبریزی: و بنا بر احتیاط مراعات تقلید منوب عنه را بنماید و بنا بر احتیاط لازم است آن عمل بنا به تقلید وصی و ورثه هم صحیح باشد.
- *م ۱۲۲ - آیه الله بهجت: در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجملة احتیاط می کند.
- *م ۱۲۲ - آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مراعات تقلید منوب عنه را بنماید.
- *م ۱۳۵ - آیات عظام خامنه ای، سیستانی، مکارم: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد در استحقاق تمام اجرت اشکال است.
- *م ۱۴۸ - آیات عظام امام خمینی، سیستانی، فاضل: احتیاط واجب آن است که از درون مسجد شجره محرم شوند.

*م 148 - آية الله تبريزي: جازي است در طرف راست يا چپ مسجد قديم محرم شود، ولي احتياط واجب اين است كه از قبل از آن محرم نشود.

صفحه

۲۵۵

*م ۱۵۴ - آيات عظام بهجت، تبريزي: احوط اين است كه هر مقدار ممكن است به طرف ميقات برود و محرم شود.

*م ۱۷۴ - آية الله خامنه اي: اگر شوهر حضور دارد بايد بنابر احتياط نذر زن با اجازه او باشد.

*م ۲۱۵ - آيات عظام بهجت، خوئي، تبريزي، سيستاني: احوط اين است كه ازار (لنگ) خويش را به گردن خود بلكه مطلقاً گره نزنند، ولو بعضي از آن را به بعض ديگر، و با چيزي مانند سنجاق آن را به هم وصل نكند. و احوط اين است كه رداء نيز گره زده نشود، ولي فرو كردن سوزن يا سنجاق در آن عيبي ندارد.

*م ۲۲۴ - آيات عظام: بهجت، تبريزي، خوئي، سيستاني: صحت عمره او محل اشكال است و احتياط ترك نشود.

*م 227 - آيات عظام: امام خميني، فاضل: بنابر احتياط براي غير زينت نيز نگاه نكند.

*م ۲۲۸ - آية الله مكارم: هرگاه براي تزئين و اصلاح خود باشد اشكال دارد.

*م ۲۴۹ - آية الله مكارم: بنابر احوط كفاره دارد.

*م ۲۵۵ - آيات عظام: بهجت، تبريزي، خامنه اي، مكارم: بنابر احتياط كفاره متعدد مي شود.

*م ۲۶۲ - امام خميني: احتياط مراعات شود.

*م ۲۶۲ - آية الله سيستاني: بنابر احتياط خشك كردن صورت با حوله يا دستمال جازي نيست، هر چند همه صورت را نپوشاند ولي تمميز كردن بيني و مانند آن اشكال ندارد.

*م ۲۶۵ - آية الله تبريزي و آية الله خوئي: احوط آن است كه از صورت دور نگاه دارد.

*م ۲۶۶ - آيات عظام: تبريزي، خوئي، بهجت: بنابر احتياط يك گوسفند كفاره بدهد.

*م ۲۸۴ - آية الله خامنه اي: اگر زينت محسوب شود، بنابر احتياط جازي نيست، اگر چه

صفحه

۲۵۶

قصد زينت نكند.

*م ۳۱۳ - آيات عظام بهجت، تبريزي: حرمت و ثبوت كفاره مبني بر احتياط است.

*م ۳۱۳ - آية الله سيستاني: براي سواره احوط ترك آن است مگر اين كه سايه کوتاه باشد كه سر و سينه را فرانگيرد.

*م ۳۱۶ - آية الله گلپايگاني: احتياط آن است كه به اختيار خود، روز از آن تونل هايي كه صدق رفت و آمد در منزل نمي كند نرود.

*م ۳۱۶ - آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

*م ۳۱۶ - آیه الله خامنه ای: احتیاط به ترک تظلیل در شب های بارانی و سرد ترک نشود مگر این که این احتیاط موجب حرج شود.

*م ۳۲۸ - آیات عظام: تبریزی، بهجت، مکارم، خوئی: بنا بر احتیاط گواهی بر عقده که قبلاً واقع شده نیز بر محرم حرام است.

*م ۳۳۵ - آیه الله فاضل و آیه الله مکارم: اگر انزال شود بنا بر احتیاط یک شتر کفاره بدهد.

*م ۳۳۹ - آیه الله سیستانی: اگر قبل از سعی باشد احتیاط واجب این است که عمره را تمام کند و پس از آن حج به جا آورد و در سال آینده هر دو را دوباره به جا آورد.

*م ۳۳۹ - آیه الله سیستانی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است.

*م ۳۴۶ - آیات عظام امام و فاضل: کندن دندان جایز نیست، هر چند خون نیاید علی الأحوط.

*م ۳۶۶ - آیه الله مکارم: احتیاط این است که از محل محفوظ تر نقل نشود.

*م ۳۸۹ - آیات عظام امام خمینی، خامنه ای، صافی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

*م ۴۰۷ - آیه الله سیستانی: بنا بر مشهور شرط نیست.

صفحه

۲۵۷

*م ۴۱۱ - آیات عظام امام خمینی، تبریزی، صافی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط باید صبر کند.

*م ۴۱۲ - آیه الله بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است.

*م ۴۱۲ - آیه الله خامنه ای: بنا بر احتیاط باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند.

*م ۴۱۳ - اگر حدث بعد از سه شوط و نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی فرموده اند: بنا بر احتیاط طواف را بعد از تحصیل طهارت تمام کند و نماز بخواند و سپس آن دو را اعاده کند.

*م ۴۱۳ - آیات عظام خوئی، تبریزی: احتیاط این است که پس از تحصیل طهارت یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

*م ۴۲۰ - آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که اگر بعد از شوط چهارم باشد بعد از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

*م ۴۲۱ - آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط در صورتی که بعد از شوط چهارم باشد، پس از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

*م ۴۲۶ - آیات عظام امام خمینی، صافی، خامنه ای: در فرض فراموشی نجاست احتیاط واجب اعاده است.

*م ۴۲۸ - آیات عظام خوئی، تبریزی: اگر قبل از شوط چهارم باشد احوط این است که بعد از تطهیر یک طواف به قصد اعم از اتمام و تمام انجام دهد.

*م ۴۲۹ - آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی و صافی: در فرضی که علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء طواف یادش بیاید احتیاط آن است که طواف را رها کند و پس از تطهیر آن را تکمیل نماید و بعد از

صفحه

۲۵۸

خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده نماید. (بنابر نظر آقایان خوئی و تبریزی می تواند به این نحو احتیاط کند که پس از تطهیر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.)

*م ۴۵۶ - آیه الله تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم (علیه السلام) باشد، ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

*م 456 - آیه الله بهجت: ظاهر این است که طواف در دورتر از مسافت ۲۶/۵ ذراع نیز کافی است برای کسانی که نتوانند در این محدوده طواف کنند یا طواف در آن برای آنان مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن، متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع.

*م ۴۶۶ - آیات عظام خوئی، تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنان چه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده، سپس اعاده کند.

*م ۴۶۷ - آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی: در فرضی که چهار دور به جا آورده احتیاط آن است که طواف را تمام کند و بعد اعاده نماید. (در این مسأله فتوای آیه الله خامنه ای در دست نیست.)

*م ۴۷۸ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: بنابر احتیاط طواف باطل است.

*م ۴۸۱ - آیات عظام بهجت، مکارم: بنابر احتیاط واجب طواف واجب را قطع نکنند.

*م ۴۹۳ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز آن است.

صفحه

۲۵۹

*م 493 - آیه الله بهجت: احوط بطلان طواف است.

*م ۵۰۰ - فتوای آیات عظام مکارم و بهجت در فرض جهل به دست نیامد.

*م ۵۰۲ - آیه الله مکارم: صحت حج او محل اشکال است.

*م ۵۰۲ - آیه الله بهجت: اگر بعد از اعمال حج فهمید، غیر از تدارک، در صورت امکان عمره مفرده هم به جا آورد علی الأحوط.

*م ۵۰۴ - آیه الله سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است سپس از سر گرفته باشد، طواف صحیح است، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، در صورتی که استیناف پس از فوت موالات عرفیه بوده صحیح است وگرنه مشکل است مگر این که جاهل قاصر باشد.

*م ۵۰۵ - فتوای آیه الله خامنه ای در این مسأله در دست نیست.

*م ۵۱۱ - آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: اگر حدوث حیض بعد از سه شوط و نیم و قبل از شوط چهارم بود و وقت ندارد طواف را رها نموده سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد و تروک احرام را ترک نماید و رجاء محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الذمة از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف ها را به جا آورد (آیه الله فاضل: و احتیاطاً سعی و تقصیر عمره را نیز اعاده کند) و احتیاطاً عمره مفرده نیز انجام دهد.

*م ۵۱۸ - آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خوئی، فاضل، صافی: احوط آن است که طواف را تمام کند و پس از تحصیل طهارت اعاده نماید.

*م ۵۱۸ - فتوای آیه الله خامنه ای در دست نیست.

صفحه

۲۶۰

*م ۵۱۹ - آیات عظام خوئی، تبریزی: چنان چه بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض باشد، بنا بر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حائض و مستحاضه جمع کند.

*م 521 - آیات عظام بهجت، گلپایگانی: بنا بر احتیاط غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی کند.

*م ۵۲۲ - آیه الله فاضل: در مبتلای به حدث غائط یا بول یا ریح فرموده اند) اگر مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او سر می زند خود را تطهیر کند و وضو بگیرد و برای نماز هم وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب برای طوافش نایب هم بگیرد.

*م ۵۲۲ - آیات عظام خوئی، تبریزی: در مبتلای به حدث غائط فرموده اند) مبطون احوط این است که در صورت ممکن هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. (و آیه الله تبریزی همین احتیاط را در مبتلای به حدث ریح نیز فرموده اند)

*م ۵۳۵ - آیات عظام سیستانی، مکارم: بنا بر احتیاط کافی نیست. (فتوای آیه الله خامنه ای در دست نیست).

*م ۵۵۲ - نظر آیه الله خامنه ای در دست نیست.

*م ۵۵۲ - آیات عظام امام خمینی، صافی، مکارم: در ظن در افعال احتیاط کند.

*م 553 - آیات عظام سیستانی، تبریزی: اگر عمداً موالات را به هم زد، احتیاط آن است که نماز را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند.

*م ۵۵۷ - آیه الله سیستانی: اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند احوط آن است که هم نزد مقام بخواند در طرف راست یا چپ و هم دور از آن، ولی در پشت مقام.

*م ۵۶۴ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: به جماعت بخواند ولی اکتفاء به آن اشکال دارد و واجب است به طور فرادی نیز بخواند. (و در عمره مفرده استحبابی اگر وقت

صفحه

۲۶۱

برای تصحیح قرائت نباشد می فرمایند احتیاطاً نایب هم بگیرد)

- *م ۵۶۵ - آیات عظام گلپایگانی و صافی: به احتیاط ثبت شده در مسأله قبل رجوع شود.
- *م ۵۶۵ - آیات عظام خوئی، تبریزی: بنا بر احتیاط به جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.
- *م ۵۷۱ - آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را به جا آورد و لکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید.
- *م ۵۷۱ - آیات عظام خوئی، تبریزی: احتیاط این است که حج را به نیت نیابی تمام کند.
- *م ۵۹۳ - آیه الله سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.
- *م ۵۹۳ - نظر آیه الله خامنه ای در مورد حکم صحت نماز و طواف در این مسأله در دست نیست.
- *م ۶۰۰ - آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.
- *م ۶۰۰ - آیه الله تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.
- *م ۶۰۰ - نظر آیات عظام خوئی و خامنه ای در دست نیست.
- *م ۶۰۰ - آیه الله مکارم: احتیاطاً سعی را انجام دهد.
- *م ۶۰۷ - آیات عظام سیستانی و فاضل: بنا بر احتیاط اگر موی خود را چیده، کفاره مذکور را بدهد.
- *م ۶۳۵ - آیات عظام خوئی، گلپایگانی: فقط فرموده اند: به جا آوردن عمره مفرده بین

- عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.
- *م ۶۳۶ - آیات عظام امام خمینی، صافی به طور مطلق فرموده اند: بنا بر احتیاط خروج جایز نیست.
- *م ۶۳۷ - آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه خارج شود و این احتیاط شامل غار حراء می شود.
- *م ۶۳۷ - آیات عظام امام خمینی، صافی: بنا بر احتیاط خروج از مکه جایز نیست و تشخیص موضوع با مکلف است.
- *م ۶۴۹ - آیات عظام امام، صافی، فاضل، مکارم، خامنه ای: احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.
- *م ۶۵۱ - فتوای آیه الله خامنه ای در دست نیست.
- *م ۶۵۱ - آیه الله بهجت: جواز عدول به عمره تمتع محل تأمل و احتیاط است، مگر این که متمکن از انجام عمره تمتع نباشد.
- *م ۶۵۱ - امام خمینی: این حکم در حج واجب محل اشکال است.

*م ۶۶۹ - آیه الله مکارم: حج او خالی از اشکال نیست.

*م ۶۷۴ - آیه الله سیستانی: اما اگر قبل از وقت قصد وقوف کرده، ولی در تمام خواب یا بیهوش باشد کفایت این وقوف محل اشکال است.

*م ۶۹۱ - امام: احتیاط آن است که حج را تمام و سال دیگر اعاده کند.

*م ۶۹۱ - نظر آیه الله خامنه ای در این مسأله در دست نیست.

*م ۶۹۳ - فرع ۳ امام: احتیاط آن است که حج را تمام و سال دیگر اعاده کند.

*م ۶۹۳ - فرع ۵ آیات عظام امام، فاضل: احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد والا حج او باطل است.

صفحه

۲۶۳

*م ۶۹۳ - فرع ۵ آیه الله صافی: احتیاط در آن ترک نشود به این که اعمال را به قصد مافی الذمه از عمره و حج به جا آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج به جا آورد.

*م ۶۹۳ - فرع ۵ نظر آیه الله خامنه ای در دست نیست.

*م ۶۹۳ - فرع ۱۱ آیات عظام فاضل، مکارم، بهجت: بنا بر احتیاط حج باطل است.

*م ۶۹۳ - فرع ۱۱ نظر آیه الله خامنه ای در این مسأله به دست نیامد.

*م ۶۹۳ - فرع ۱۱ آیه الله بهجت: مورد تأمل است.

*م ۶۹۳ - فرع ۱۲: نظر آیه الله خامنه ای در مورد این مسأله در دست نیست.

*م ۷۰۷ - آیات عظام خوئی، تبریزی، خامنه ای: احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش و یا نائیش به جا آورد و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد، بلکه سال دیگر خودش یا نائیش بنا بر احتیاط رمی می کند.

*م ۷۰۸ - آیه الله بهجت: کسانی که عذر دارند از این که روز رمی کنند می توانند شب عمل کنند، یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضائی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب.

*م ۷۲۷ - آیات عظام خوئی، تبریزی، بهجت: احوط آن است که قدری از ذبیحه بخورند و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند.

*م ۷۳۴ - آیه الله سیستانی: خالی از اشکال نیست.

*م ۷۴۱ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

*م ۷۴۵ - آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط ناقص را ذبح کند و در سال بعد نیز خودش و یا

نائبش باید حیوان دیگری را که واجد شرایط است قربانی کند.

*م ۷۴۵ - امام خمینی: اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هدی تام هم در بقیه ذی الحجة و اگر نشد در سال آینده ذبح کند.

*م 745 - آیه الله سیستانی: در هدی ناقص از غیر جهت خصی احتیاط این است که بین ذبح ناقص و روزه اگر در ایام تشریق یافت نشد جمع نماید و اگر در بقیه ذی الحجة هدی تام یافت شود به احتیاط واجب آن را نیز اضافه کند.

*م ۷۴۶ - آیه الله بهجت: و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی حجه همان سال، جمع کند بین آن و صوم ده روز

*م ۷۵۷ - آیه الله فاضل: و نیز اگر تلف مستند به ذابح باشد بنابر احتیاط ضامن است اگرچه عمل را تبرعاً انجام داده باشد.

*م ۷۶۹ - آیه الله سیستانی: اگر موفق نشود همه سه روز را پیش از روز عید به جا آورد بنابر احتیاط کفایت نمی کند آنها را روز هشتم و نهم و یک روز دیگر پس از برگشت از منی بگیرد.

*م 775 - آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب در ذی حجه سال آینده.

*م ۷۷۵ - آیه الله گلپایگانی: در ذبح نیت مافی الذمة از هدی یا کفاره بکند و سپس بنابر احتیاط هفت روز پی در پی نزد اهلهش روزه بگیرد.

*م ۷۸۱ - آیات عظام امام خمینی، خامنه ای، تبریزی، مکارم، گلپایگانی، صافی: هفت روز دیگر را بنابر احتیاط واجب قضا کند.

*م ۷۸۴ - آیات عظام خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط واجب اول تقصیر و سپس حلق نماید.

*م ۷۹۶ - آیات عظام خوئی، بهجت، تبریزی: احتیاط این است که به کوتاه کردن موی

ابرو اکتفا نکند.

*م ۸۰۵ - آیات عظام امام، صافی، فاضل و سیستانی: اگر ترتیب را از روی علم و عمد رعایت نکرد در صورت امکان احوط اعاده است.

*م 809 - آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب صید تا ظهر روز سیزدهم بر او حرام است.

*م ۸۰۹ - آیه الله مکارم: احتیاط این است که در این حال صید را ترک کند.

*م 814 - آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل: بنابر احتیاط جایز نیست.

*م ۸۱۹ - آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: و بنابر احتیاط واجب صید تا ظهر روز سیزدهم.

*م ۸۱۹ - آیه الله مکارم: احتیاط در ترک صید است هر چند خارج حرم باشد.

*م ۸۲۰ - آیه الله گلپایگانی: و احوط برای این چند طائفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاء سپس اعاده بعد از مناسک منی در صورت تمکن والا باید نائب بگیرد.

*م 820 - آیه الله تبریزی: چنان چه سعی را مقدم کرد احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده نماید.

*م ۸۲۰ - فرع سوم، آیات عظام تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که مقدم دارد و بعداً اگر نتوانست، برای طواف نائب بگیرد.

*م ۸۲۳ - آیه الله تبریزی: چنان چه سعی را مقدم کردند احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

*م ۸۲۴ - آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خامنه ای، صافی، فاضل: بنا بر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدم انجام دهند.

*م ۸۳۷ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: اگر برای او مشکل است که به مکه مراجعت

صفحه

۲۶۶

نماید واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنا بر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد.

*م ۸۴۴ - آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب قبل از اتمام شوط پنجم کفاره دارد.

*م ۸۶۸ - آیه الله بهجت: صاحب عذر در شب رمی می کند، یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضائی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضا است تا طلوع آفتاب.

*م ۸۷۰ - آیات عظام گلپایگانی، صافی: در عالم و جاهل احتیاط لازم آن است که طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود.

*م 872 - آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: احتیاط آن است که رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

*م ۸۷۷ - آیه الله بهجت: و اگر ممکن است مریض سنگ را بدعت گیرد که دیگری بیاندازد او را و جمع کند بین این کار و استتابة علی الاحوط.

*م ۸۷۹ - آیه الله مکارم: احتیاط آن است که هم نایب بگیرد و هم قضای آن را روز بعد به جا آورد.

*م 882 - نظر آیه الله گلپایگانی و آیه الله خامنه ای در این مسأله در دست نیست.

*م ۸۹۸ - آیات عظام امام، فاضل، خامنه ای: احتیاط واجب آن است که خودش یا نائیش از مکه برگردد و به جا آورد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نائیش قضا کند.

*م ۹۲۹ - آیات عظام امام، خامنه ای، فاضل: احتیاط این است که کفاره محرّمات احرام عمره در مکه ذبح شود و کفاره محرّمات احرام حج در منی (آیه الله فاضل اضافه فرموده اند: ولی فعلاً که گوشت آن در آن دو مکان مصرف فقراي مؤمن نمی شو